

UNIVERSAL
LIBRARY

OU-232957

UNIVERSAL
LIBRARY

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعلنا من عباده

الذين آمنوا من عباده

الذين آمنوا من عباده



مولى

مولى

مولى

مولى

مولى

بسم الله الرحمن الرحيم

ارغنی گویان تجلی طلب بریز شوق صد جهان دل و جان و نهر اران روح و روان
 قربان و نثار بارگاه جلوه افروزی می نمایند که برق ادنی تجلی پاکش خرمش
 و خرد کلیم سوخته و پرتو جمالش در فانوس قطره آبی شمع آفتاب افروز خواب
 عشاق مست اشتیاقش از مشاهده آفتاب تجلیاتش مشرق دولت بیدار
 و اوراق کتاب از فیض نام پاکش باب ساقی شربت دیدار هر اسم اعظمش
 کلید میخانه دیدار ساقی و هر نام مبارکش مفتاح گنجینه دولت باقی سجود فیض بود
 عالی جناب عظمش بادشاهان بلند اقتدار و خواقین گردون و قار را مرجع خلق
 و عالم و قبله حاجات بنی آدم گردانیده و ناصیه ساری آستان جلالش سلطان
 عالی همت و خواجهن والا همت را بدولت بادشاهی و شوکت ظل الهی
 رسانیده پیمانی محمدیان بیدار بخت محمدی که از آفتاب اشتیاقی
 سیمایم فی دوزخ میهمین آتش الشجود و سلطان سعادت دیدار او

بندگان خدا پرست بصدق حقیقت اشتاق و ما خلقت الخ و الا
 الا لیعبده و نه اگر مخیر و عرق زیر طاعت و عبادت گدائی در محله کشت
 که بادشاه دو عالم نشد و در کوئی درویشی که گدشت که مرهم نیز زخم آید
 بنی آدم نشد خفته بختان را بعبادتش بکلیه گنج دولت بیدار و خوابیده
 چشمان را عنایتش دلیل برزم سید ابرار نهال قامت عارفان بگل عبادتش
 رشک اشجار گلشن حسین عابدان از خاک سجده آسایش غیرت خورشید روشن
 دل خستگان عشقش کشته خنجر تسلیم و رضایش و سینه دریشان محبتش هدف
 قضایش چشمه خورشید معرفتش در بیت الشرف دل طریقت منستان
 با موج انوار حقیقت در جوش و جاد و مهتاب عنایتش شب یک عالم
 بهتای حمت پرده پوش بدایتش دل مسلمانان سعادت کیش اغیذیل
 چراغ ایمان ساخته و عنایتش مشت گل ارباب ایمان عبلوت اندیش را
 گل عرفان بدامن انداخته عرفان توحید پرستانش ذره بمقدار را با نوار حق پرستی
 آفتاب درخشان کرده و دایع عشق خدای حاکم سیه را بتایش فروز ک
 هستی رشک لعل بدخشان دل شفاف صاف مشربان صافی منشش
 آینه عروسان تجلیاتش و سینه بیکینه درویشان دلریش در بر مهر عرفان
 شاهان فرخ جمال صفات ذاتش در یاد دلی کریمان غمی از سجده کرم لایزال
 دوست گهربار و الا همسان پاره از غم دریا با وجود دست بالایش
 همت در یاد لان منبع بحر نوالش و طلعت جو انمردان مطلع حسان
 لایزالش نهال جود در وجود سخا برستان نشاندۀ دوست و تخم کرم در نه
 دل کریمان افشاندۀ او در عبادت او که کرم در نه
 و در ایستگاه نهاده و از دست پادشاهان شریفان و پادشاهان و پادشاهان

ت بر روی عاقله عالم کشاده گریان را الهام فرمود تا در پیکان
 بوده که تثنای بندگان چون بهشت سرسبز و سیراب فرمایند و دریا
 و لادن را القاموس تاشنه لبان وادی ناکامی را تاز و شادان غایت
 سخا کلمان بهایون منش را با وجود محضیت شعاری تاج دوستیش بر سر
 و جل پستان تنگدل و ابا همه بهایون داری نخل امید بی بر اگر بادشاه
 سخت اقلیم است گدای در دولت دوست و اگر گدای حاجتند
 معتکف باب رحمت او

نظم

اگر شاه است مهربان الش	اگر درویش ممنون وصالش
بشاهان داد وصل دلربایان	درآمد خود در آغوش گدایان
اگر شاه است محبت دولت او	اگر درویش غرق محبت او
پرستارش بجان هر ضد و هر بن	بجکم ما خلقت الرحمن و الا انس
همه از دزد تا خورشید تابان	بپای کسر بجکم او شایان
با تخم طلعت تابان عطا کرد	بر مردم دولت عرفان عطا کرد
بجواب اندر نموده عارض یار	بعاشق بخت خفته کرد بیدار
بذکر نام او بر سدره تن	بود روح القدس روح نالین
ز حسنش در دل عاشق دل افروخت	نهر لادن چشمه خورشید در جوش
جهان بر آب صورت کرد تحبیر	که شد از معنیش مانی و تصویر
بصورت مشت خالی پاپری کرد	پری احسن او افسونگری نکرد
فلک از قلزم معنیش بجاری	بهشت از باغ فضلش خار جاری
ز جامه باده معنیش مستی	بیش از ملک شد چسبیده دوستی

بشیر در آتش عشقش رفته
 که میان را چو کفت خان خلیل است
 اگر ابر بهاری گرم جوش است
 ز عکست ذره شده مهر خشا
 ز تو رنگین و دلکش عارض گل
 رخ خوبان تجلی گاه نور است
 زمین خوانیست از فضلش شایسته
 ایشان از دورت عالم ناپاکی است
 اگر با اهل عرفان یار غاری
 بیادست اهل عرفان گنج مجو نشود
 کسی را تحزن نوا خوانده است نگاه
 ولی دارم سر را با محو حاجات
 خداوند اولی عطا می سازد که در وی تو بجایی و چشمی عنایت کن که بران
 انوار تجلیات خویش شکست گردانی ولی که اتمم سازد که با عشق
 ز با صفت نفس اماره را فرمان بردار نماید و به به نگاهی
 از زانی دارد که در تجلیات پاکت بر روی دل بکشد
 تو فیقی رفیق فرما که دامن از تعلقات آب و گل بر چینی قلب مصفی
 و نفس منزلی که اتمم گردان که تماشاخانهی جمال غیب
 و جلوه حسن بے عیب بی پرده بینم امرزگار اگر عالم عفو ساز
 و در روز خم بیند از بادشاه دستم گیر که از پادشاه ام و عدم
 پذیر که گنه کارم چشم بر آید بفتوت کشان الهی من بنده ام

بود بهر ساعت رفته
 عظمای رحمت ربّ جیل است
 ز فیض محبت وجودت در خروش است
 ز لطفت سنگ شد لعل خفا
 ز عکس دلی تو تیار بلبل
 دل از باب دل عجبی عبور است
 که بروی نعمت هر گونه چیدن
 بدرویشان فضلش پادشاهی است
 بار باب گنه آمرز گاری
 بشکرت اهل عصفیان دوزخ نشود
 کسی را نقطه امن رحمت الهی
 چرا خوانم نه پیش از مناجات

جگر خسته و دل شکسته که مرهم لطفت در کار است
 و مویای فضلت را امیدوار جسته و رت این تمکینش
 جهان را پناه می بندیت و غیبه آستان این مایوس عالم را
 امید گاهی نه اگر معصیت کرده ام محض با میسید
 عفو کاری تو و اگر عمر بگناه بسر آورده فقط بچشم آمرزگاری تو
 اگر گیری غضبی نیست که بنده ام و اگر عذرم ببذیری
 عجبی نیست که شرمندم ای سر حید عصیانم از حد گذشته و
 معصیت من بسیار گشته لیکن پیش دریای فضلت
 نمی بیش نیست و بجز نوشا نوش نوشش اندیشه پیش نه
 اگر در آسم بیوزی به بازم که به همین سزا دارم و اگر
 به بخشی خوش بیدان جهان به تازم که امید دارم

مناجات

خد اوند ادر ادر سینه ریش تجلی زار کن یارب دل من سبحان چنانم سر بلند ی بلا بر من شود نازل که جودت مرا و رادی خود ساز فارسی بهمن طاعت خویشم بهما کن گناه من که بر سر بار گشته مرا از دام نفس و دل بر کن	دل مرا عرش کن از خلج خویش گلستان کن همه مشت گل من که باشد صد جهان فیروز بندی نه بردارم سر خود از سجودت دل من از پارسای از پارس گفت خاتم ز عرفان کیمیا کن از حد عقل و دانش فر گذشته نه معرفت دل عطا کن
--	--

<p>چو بر دانه را سر برین هر اسم که آمرزش بعضی نوشت است بنالم اینکه نام تو غفور است که غفارت دل من بخش زد است مطمئن چون ل غارف کف خاک</p>	<p>بدوزخ گرفتاری در بسم اگر فضلی کنی عزم بهشت است بدوزخ گرفتار شدن ضرور است ز عصبیان و ز مشبهان خوش کرد است علی را کن برای احمد پاک</p>
--	---

خداوند انواب و بادشاه مار که آقای ما و قدر و قیمت افزای
ماست صحت جسم و شهرت اسم در دنیا و آخرت کرامت ساز
و خلعت بادشاهی دارنش چنان قامت عروس ملکوت
در برن و سودائی خویشش در سر در بیداری از بدست
آوردی دلپای اهل ایمان حج اکبرش روزی کن و در خواب
از حصول سعادت دیدار رسول مقبول صلی الله علیه و آله و سلم
آقبالش سراپا فتح و فیروزی خطای که از دستش رفت
سعات کن و گلزار نیت و طینتش از خار حسن نابایسته
صاف آینه سینه بیکینه اش بجا ک خاکساری جلای دافز
ارزانی نسر با چند آنکه پری طلعت ان تجلیات تو در ان
پر تو جمال اندازند و در گنجینه دلش گنج باد آور عشق و آه
در محبت خویش امانت بدار که تا معشوقان انوار حقیقت
در عالم مجازش تجلی سازند و وجودش را برین نشین
چار بالمش بادشاهی کن و دلش را در استغراق معرفت
ذات صفت عارف الهی نام حاتم در عهد وجود
سراپا وجودش طی سازد و اسب معذرت نوشمیرانی

در زمان حال اقتدرانش بی جام صنیر شیرش را بشیر اب
 طهورائی و در دوس عرفان مالا مال سازد و نفس انار را به لشکر
 زهد و دانش پامال هر چه خواهد عطایش کن و هر چه طلبد
 کشف عطایش همیش ده که چون بکار برسم سایه نین
 و سعادت اندازد و آهمن بخت سختم را به نظر کیمیا اثر
 خویش بیارس آشنا سازد و از کمال اگر امیت گهرم
 دلم در دست زرباز خویش بستاند و فرقم از خاک
 بر گرفته بر فرق فرق دان برساند به نهجیکه او مرا خوشنود
 کند تو نیز او را خوشنود ساز چنانکه مرا بعزت و ابرو
 سوافتی مرتبه من بوطنم رساند تو نیز او را بمقدار محبت او
 بوطنش باز رسان و بملکش آگاه گردان آسین
 یارب العالمین الهی ما حاجتم با طاعت مقرون و
 بحسب است البنی و اله الامجاد
 الهی آنکه کارم را تعین است
 دلم را آنکه کرد از فیض خوشنود
 بهت آنکه رشک خسران است
 بیغور از جمال خود دل او
 بصورت سازد فخر و دانش
 بیز منش بادشاه بر سعادت
 براهت باد هر کارش که باشد
 بدل چون عافش شوق الهی

بن محمد و دم آقای حمید است
 محمد با علینان قلندر محمد
 رئیس خلق و نوا حیان است
 تجلی خیز کن آب گل او
 بسیرت اسباب زناش
 بخلوت بن ملک زرم عباد
 برایت باد و بر بارش که باشد
 بیز بادش قبابی باد و شاعر

پارس در خدمت گذاری کون و مکان ذرات را در دیوار
 آفتاب رخس بر خاسته اند و شمشین قاب تو میز وادی را
 بر صغ کاری جواهرات دلی فتدلی محض برای ذات اکس
 آراسته از زلف درویش شام و سحر عالم ایجاد فرموده اند
 و حسن و خلقش بهار را عطر و پیرین سون حسن گل به قضا و
 الورد الا سحر من عرقی در چین بهار نشو و نما یافته اوست بدل
 بلبل و سینه گل بدشد عشق سگافه او خورش ایند تجلیات برد
 و ذاتش بر سر عالم همه تن رحمت و کرم ربانی دلیش در خواب
 بیدار بختی دلریشان است و نظاره اش در عالم رویا بادشاهی
 در ویشان اگر نگین کاری جلوه رحمت فرماید لبان مهر و خندان
 اوبار را بر روز اقبال بیدل نماید سنتش فرض بیدار بختان و
 و محبتش زندگانی عاشقان رفته از خویش ذکرش نشان عارف باشد
 است و فکرش روان ره روان فنا فی الله ذاتش معدن صفات حق
 است و وجودش دلیل ذات مطلق کظم

محمد رحمت للعالمین است	محمد دولت دنیا و دین است
محمد انتخاب سر دو عالم	محمد آفتاب سر دو عالم
محمد خاص منظور الهی	محمد لمعه نور الهی
محمد جوهر شریف قدرت	محمد گوهر دریای محبت
و رودش مقطع ارشاد و روان	وجودش مطلع ایجاد دوران
لبس افشاکن میر نهانی	رخس سرمایه دار این ترانی

رخش را بیکه حسن بیکه آفت
نه تنها کعبه ارباب است
خدایش از دو عالم برتر
چراش داد از انسان از برتر
بروش نوریزان این نقاب است
زخمش نرم ماتم نرم عید است
بگویش فرخنده رشک خورشید
مسحا و رازل یوسین جاش
کلیم آن کرد سچ و نشت پایش
اگر یعقوب میدیدی عذارش
جید عارفان باردی مهرش
بها از خوش بین بیکرانش
رتق عین کرم ذات کریش
و جودش در جهان فضل الهی
زمن بادا برو هر لحظه هر دم

نظرگاه خداوند جهان است
که دانش قبله حاجات خلق است
بناش مصطفای انبیین
که فرودش حبیب است خویش
بمیلی پر فیض آفتاب است
زین از جلوه اش عرش مجید است
گدایش خیر فقور جمید
که جان داد برون نطق پاکش
ید بینا شده درت عصایش
نمودی یوسف و خود را تارش
شفیع غامیان با لطف و کثر
بلاگردان کنجشاک کاشش
بود فضلش در خلق عظیمش
پیشش کفش آفتابش
نهر از انبار علی اندر سلم

و منقبت و مدحت آل و اصحابش که از خدا امکان شمریت
بیرون و از وصله انسانیت افزون است ضمیمه نسبت
اکرم و طومار کعبه محمدت نبی عالم التوحید و التسلیم گردانید و سخن
آن نبوی عرش اعظم برانید می آید نهی اصحاب رسول انقیاد
که اجسم آسمان هدایت اند و جوی آل پاکش که سفینه دریای
عنایت از خود است شان از راه ظلمات کشف و خلاصت

در بر چشمه حیوان هدایت و اهتدای رسیده اند و چون به
 کاران عالم وسیع کار این وادی علم آیین و حشر توفیق
 هم آفرینش حق برایی و مداوم کشیده نور هدایت شان
 ملک تباشیر سحر قاف تا قاف انتشار یافته و بسا اهل رسا
 ان از باو شمر طهر ادعای در کعبه مقصود شتافت جهانی
 فضیل و جلالت آنان بر جاده نبوت و طریقت مستقیم و حقیقی
 محبت و الفت ایزان ممنون عبادت خداوند اکرم اعظم
 سجایه اختران این جودین اند
 همان روشن فیض نورانیان
 آتش دیر جان است و روشن
 نور آن و تابنده خورشید
 سجایه داخل الی از طریقتش
 به صافی دل از جهل کیشان
 او با یقین در این فتح قلعه اقبال و شمس دزی بر کشور جا
 و جلال جمیع مدح و ثنائی آن بادشاه ملک نواب سلطان انبیا
 القابی فارس مضار شوکت و جاه متکی و ساد و دولت خواه
 روح قالب بادشاهی جان تن جهان بنای علی علیه السلام
 عنایات سرمدی جل جلاله المنظم شیشه عطر احلاق محمدی
 علی علیه السلام علم فراز علم و عمل فخر طراز جاه و دل
 فصیح البحرین شریعت و طریقت واقف امور محاسن
 و حقیقت خورشید بیت الشرف و نوازی و جهان افروزی

جمشید ریت السلطنت عالم طسرازی و دشمن سوزی ابریا
بارنیز دکریم بحر موج جو د اتم والی ملک سلطنت ولی
ولایت علم و معرفت مربع نشین چار باش دولت دین
اسرار و دست و کثرت قائل انوار فیض الشیطان الرحیم
عارف و امض شیم الشکر الرحمن الرحیم مستغرق در بای انوار
رب العالمین صاحب الرحمن الرحیم مالک یوم الدین معتمد
بجبل البتین ایاک نعبد و ایاک نستعین و محکم گیرنده راه اهدا
الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم
والا الضالین یکتای قلم علم توحید فرد جهان نقشه بدینا صواب
عالمان دین را رفیع ریایات شرع ستین انتخاب سلاطین عالی هم
افتخار خوانین فرسخ شیم علم علم و عمل بر دوش منعم صفا کیش
خدا کوش دل بدست آور و متمان آمد و مکن داخل حاطان مژنا
رب العالمین در فیاضی سایه فیاض علی الاطلاق و در سخاوت
حبیب رزاق بالعشی والاشراق فرازنده سرای پابندگان
ماز و نیاز نوازنده ارباب حقیقت و مجاز و سنگر عالمان حقیق
و تفسیر نیت و پناه فقیهان روشن ضمیر فلک شکر ملک
اقامت فرشته پیکر ولی کرامت قره العین دولت امیر
نوه ناصیه شوکت وزیریه مقبول بارگاه بی رویه و رنگ منظور
چشم رسول عرش آهنگ جناب معلى القاب نواب
محمد علی خان صاحب بهادر صولت جنگ
ابن نواب غفران ناب وزیر الدوله امیر الملک نواب

محمد وزیر خالص صاحب بهادر نصرت خجده ۱۰ اس نواب
سفیدت نایب امیر الدوله نواب محمد امیه خان صاحب
بهادر شمشیر جنگ دالی محمد آباد عرف تونک اوام الله
بخوم اقباله و نواله طالعاً و لازال شمس اعماله و نور افکار اماله
ساطعاً که نواب گردون احتشام است و سلیمان شکر اسلام
خواص را حسن خداداد نور عبادتش چراغ در خلوت افروخته
و عوام را برق حسن و سعادتش خنومن او بار در نخست سوخته
و دیدار خنسا و فرخش که بالمعات انوار عبادت در خشان است
بجنت سیاه را نعل سما گردانید پز تو بلندش که مهر اوج احسان
و سعادت است ذوق پست اختر از ثری به ثریا برسانید
قدر دافیش خاص ارباب علم با صدای عام دانه و مهر با شیر
عام طایفه انام را در انعام خاص گشتان شام غریبان را از
جلو آفتاب چهره نور انیش صبح وطن در کنار و طوفان
زدگان آنو و تمار ابناء خدای خداداد انیش کشتی مدایر کنار
از دستش زرباری چون از ابر بهار باران به درج است
و در وجود با جودش جو اعمز دی و سخاوت جو هر برین شیخ
ادای سنت نبوی فرضش گردید و بتقدیر شریط شرع مجوی
صلی الله تعالی علیه و آله و سلم همیشه اولیای علم را موزین نظر
زهی نواب عالی بارگاه هی در انالیم سخاوت بادشاهی
وجودش حامی علم و شریعت دلش در یامی تواج طریقت
بملک سباه شاه سر نهاند است ز علم او را علم بر دشمنان است

بزرگترش و کتاب دین فراهم
کتاب تصنیف با هم مینمایند
بزرگتر احمدی شد کار جز مش
دوی از کار دیشی نیست فرصت
بهر دم مشغول در کاج قبول است
اگرچه تفسیر قرآن به حدیث است
بزرگتر ایل صلی الله و سلم
دل او قلزم زخارا احسان
اجیری و پذیرد بی نظیری
بطفش لطف دارد روزگانی
بشهرش زهرایام نشاء است
اگر بار دسحاب نوباری است
بملوت غروشان بادشاهی
خدیو باخدا نواب خوشخو
کریم در گوهرش سیم قدیم است
اگرچه آجیلی در وجودش
امیر خوش ریس قدر دان است
چو ادکس فلش شاه شهبان
بیانین بدانانش توان است
کریم تاسا محبت است خوشتر
خدا با نفع و ندم دولت او

شستند از بی لقیف با هم
بفرود سی ره غم مینمایند
همانا بزم عرفان است برش
یک کتاب با من افاس است محبت
اگرچه بر لب جنتش گاهی رسول است
از بزمش دور تر درویش است
اطاعت رختش گشته مسلم
کفش از جوش محبت ابریشیان
زیا افتادگان را دستگیری
شود پیر کهن در نوجوانی
نور دیده بساط انبساط است
در گردش محیط اتر بار است
بحدوت بند خاص الهی
خدا دان و خدا گوی خدا جو
کریم این کریم این کریم است
همانا جوهر ذاتی است جوهر
شهر بایان نواب جهان است
فلک پای او بود عجب نیست
که نام او محمد با علی است
لقب خان بهادر آب گوهر
ز گردون بگذراند شوکت او

چو مخمور باد دل مست فویش
قدش سر و گلستان شریعت
خروشان در نقش بر طریقت
وجودش قبل حاجت دای
بگوید بامن خسته هم از جو
که ای خسته دل خاطر شکسته
دعاگوی منی باین طالت
نشینده تو در ظل همائی
ترا چون لطیف تر مایه است این
چسبیده باشد نه تلخت زندگانی
میندازم بگونه می کنی زیست
پیش من چنین بیخ و بنیت
نه چندان مشکلی داری ندون تر
همین دم میکنم شادان دل تو
بگسب این باده دین خلعت
به چشمان چو شمع آگهی باش
بر و با ذات اخوی باش محبوب
چو صبح صدق افروزه اشو مخاطب
الهی حمله از من این دعا را
و غصایق حیرانق نوت و دایج که جمال نشان و افرایه افروز
بر می گشته بلشجار افکار و شایعهای قلوب اندیشه کار سیر

چو لیلی رنگ روی و روش
دلش سرگرم فرمان رعیت
شود و در تجارزش بر حقیقت
نی مخلوق در شکل کشتائی
بخلق احمد اقای مسعود
بصوای غم و گلف نشسته
شاکوی منی و این و بالیت
قدام حبیب این پنج کدای
ایرا بخت بسیار است این است این
که در بحری و در نیش مانی
که روزی ارغی این بخت
مخندگی این نامت حبیب
که بگذارم حلتش وقت دیگر
کنم آسان بزودی مشکل تو
چو نه از پر تو خور شود منور
بهاران خندان بهرین بهار
بهم که در بهرین صیف بهرین
گلش خورشید عیان و آفتابش
بها بیت کن محمد مصطفی را
که جمال نشان و افرایه افروز
بر می گشته بلشجار افکار و شایعهای قلوب اندیشه کار سیر

و تحریک زبان در تبسم رسید و شمعهای یگین و شرم دلشین
که غنای لب دل در عین مستی هستی سوز بر شاخ و سدت کشید
نثار بارگاه بهار پناه بادشاهی است که بود با بودش گل فرق
خورشید فلک گردید و آدم بخشد فرزند و دولت نور پیمیش
مسجود ملک جانش را بدولت حب الهی حسن یوسفی قطره
چانه نخلدان گردید و پیش جلوه رخسار تابانش هر خورشید رخ
میرنوبت چون انجم حضور نیر اعظم چراغ سحری و زریه انبال
قاشش برنگ الف از آب حیات است و سینه و گل و شتر
در شیشه افتاد و لب بدین آتش شسته کف پایش ابله و بیضه
کلمه حاصل و ذراتش با معبود مطلق چون الله است و خلوت
لی مع الله و اصل ذوق خاکش هم رنگ مهر و خشان سنگریزه
درش هم رنگ لعل بخشان سگ کوجه اش را در وید اولی
الالباب که مجازین صحرائی مدینه اند حسن لبلی آشکار است و مور
کوبش را در شیم اولی الالباب که سر بر سر است نه بنوی سود اند
شان سلیمانی پدیدار کاشش را در قارون پدیدار از بیکاش
اعجاز عیسوی هویدا عرش با آن سر نبدی فرش پادشاهی
گردیده و وجودش بمصدوق ما ز داغ البصر و ماطفی برنگ
فطره در دریا محوی ذات مطهر و زریه ز داغ دیوارش
همه را سعادت نمایان بر جبین خیرات بخشید و عصفور
سقفش در همایون و بی سعادت مستی شیوه عرش پادشاهی
گزید خاک پایش را اکسیر در خاک ریزی و خدای ستار

وزیرالدوله وزیرالملک وزیرمحمدخان
صاحب بھادر نصرت جنگ انارالله برمانہ و مدح
جناب نواب مغفرت تائب امیرالدوله
امیرالملک محمد امیرخان صاحب بھادر
شیرجنگ طاب اللہ تراه و جبل الجنتہ نشوآہ
دل نخواہد داد ب رخصت ننیدہ کہ چون نام حضرت اعلیٰ
اعنی والد بزرگوار آقای نامدار بر زبان رفت برروح پُر
فوح آن مغفرت پناہ رضوان دستگاہ گہامی شاہوار طلب
مغفرت و رحمت غفار نیفتانم و زباز آباد صاحب شیر بن کا شیر
رطب اللسان نگر دامن سبحان اللہ زہی نواب دریادل جدا
امیر عادل کہ دست جودش ابر دریا بار را از بسیاری باران
کم و کفرت ریزش دینار و درم ترمیاخت و آفتاب انصاف
کشت سر سبز عدالت نوشید وانی و خشکی شرم و تیرمردگی
انفعال می انداخت علمش علم عل بر عالم بالا میرساند و خلش
در وقت غضب آب دریای رحمت بر آتش می افشانید
فسر یاد رس ستم کشان مستغنیث عالم عامل تفسیر و حدیث کا
دقائق شروع و اصول واقف حقائق منقول و مقول اعلم
العلماء اکمل الکلاء امیر الامراء اعظم العلماء نواب گردون
جناب وزیرالدوله امیرالملک محمد وزیرخان
بھادر نصرت جنگ انارالله برمانہ رئیس اعظم

ساجد و دار السلام که نیز اعظم وجود با وجودش
 را از روز ازل تا ازل بهشت الشرف گرامت و گرم و گلشن
 ملکش با انوار فیض آثار عدالتش رشک بستاندیم پیوسته
 امیرای مبقه ضای الفقر خیری داد و نقیری نموداد و در شرف
 محمدی صلی الله علیه و سلم رسم و رادعا خانه می نهاد
 معرشته لجازش مطلع انوار آفتاب معنی حقیقت بود و نیت
 دانش مشارق شویس تجلیات طریقت از پیرویه
 شست رحمة للعالمین حاجت روائی جانهای عالمش مقدم
 بود و از سلسله صدیقیه نقشبندی الواح قلوب بنی آدم
 بنوشش مقاصدش سلم هرگاه نیت تحریریه در طاعت
 می بست در گنجینه حضوری را دست بسته کشاده می کرد
 دولت سجاده نشینی لی مع الله و قته بی و غده در ملک
 می آورد هنوز آواز آواز و جود و طاعتش درین گنجینه
 پیچیده است و ششده ماه و جلالتش در اکناف عالم و
 اصناف اتم رسیده سحائی گشتگان گردش گردون
 رون کارش بود و طریقہ انبیه سنت نبوی صلی الله
 علیه و آله و سلم انخارش از بهار انتظام شریعتش
 ملکش با جنس و خاشاک مشک و بدعت متنا و رفته
 و از نام فیض ششتم انفا سبب گرمیش غنهای قلوب
 حنه من خندان و شکفته آید احسانا از خد شکاری پیوسته
 بظهور میرسد که از ان لذت عتاب می چشید و نیت

آن پنج پسر نج می دادند در استغای جسم بر سر و امارت
میکنادند و اسید واری از درشش محمد دوم زرقی و دولنگاری
از غایت فلک رتبه اش خسته خاطر و منعم نشیری نو و الله
مرقد و در شد و لده پدر معلایش جوانمرد عالم برگزیده نوم
بنی آدم بزرگستان شجاعت و دلیری ضمیمه پیشه شیر بردی
و شیرهای اوج سعادت ملک فلک عبادت مرم نیز
چار بالش دولت و کامکاری و ساده پیرای مملکت
سردار و سرداری فارس مضار تهور و جهانگیری شسوار
سیدان جهانستانی و دلپذیری امیرالدوله امیرالملک
جناب لوزاب محمد امیرخان بهادر شششیر جنگ
فردوس مکان جنت ایوان که در چشم در خلد برین
باد و تیرش روضه از ریاض طلیعین بیخ برانی از ابل
شنگ بوش و فرنگ برده و عمر و سن نتج و طغراب
جوانمردی تمام در عقد خویش کشیده و ملک دیال زابر
سبل پیش و قیغه امتدار خویش آورده شنیدیم
که کی سال کردش که بالفرد رویه مراد به که ضرورت شد
در پیش دارم که از آن جان و دل ریش پس پنج رویه
دادش و گفت و نشین است که در قسمت قریب است
گفت مرا چگونه بفین آید و دولم برین چنان التفا
خواهد شد و تا بعد تر عه انگشتان معلوم شد که
در قسمت همان بود و دش که عطا فیه بود و دش

چو مهر درخشان بر روشنی
گفتش ز رخسان لب گهر خرم
عشق بی از مهر امانی
دلش در طریقت پُر از درد
ولی از ریاست نه کارش
که خلقش متن روح پنداشی
دوید و در طوف پست الحرم
یل شیر دل منع ارجبند
بدولت وزیر ملکیت امیر
در یای سنت همه تن غرق
چو گوهر بدیاد جوهر به تیغ
ز خلق محمد معطر و مش
که از آسمان نصرت جنگشت
جهان را براحت کشیدی ز ریج
که حور دل فرزند رخسان
که بشمس را گرد و انگیل بود

خدا و خدا دوست بود آن که
خداوند ملک زرو گنج بود
بجان کا شرع دین بنی
بشرع رسول خدا مسرود بود
بلک یاست هایلون شهبی
چنان رسم جود و کرم داشتی
جهان سوی آن آستان کرم
بن زورمند و بقامت بلند
بهت بشوکت شهبی بر سیر
وزیر محمد محمد طریف
لقب خانی شش از این بدیدیم
دل از نور طاعت چو جام مشر
ز غم دشمنان را بجان تنگ داشت
شنیدم که میداد زرو گنج
بر خضار او نور طاعت چنان
بر دلش چنان ریش نمی نمود

لبنان و جنت برخت فلک
قبای شهری بر سر دلق داشت
بختی و هودق بی گفتگو
چو در طاعت از غیر برداخته
مبجود شدی با خشوع و نیاز
امیری فقیری تهجد گذار
خوش بود در بزم با عیش و ناز
بهر بردان شده چنان زندگی
بر زانت خان نگر سبته
کسی را چو دیدی بجز سپهر
بمحتاج و مسکین چو بار زده میخ
عرامش شدی حیرت خوابگاه
بلبس شهری مرد درویش بود
بزد و بجماعت بل بشیر گیر
همایون امیری و فرخ شهری
بهرت بصورت شده دلکشی
بر و باد رمت زحق جاودان
بر و نور باران طبع و طبع
چند او که بود دست کفر و ستم
بجز دغا و فرخ و دشمن فلک
امیر و در محسد امیر

بهرت بصورت چو زرخ ملک
دل و جان بخت روی در خلق
گواهم برین پاس انفاس او
ملک با حیرت در انداخته
اداسا ختی پنجگانه نماز
باشراق و هم چاشت سر گرم کار
دلش داشت چون شمع سوزد گداز
که در و لیس در لیس در بندگی
بشب بجز درویش بگریختی
شدی آب شیرین بگلشن خور
تتازی ز رو سیم را پسند
نمیداد تا داد و نسیب خواه
تنش تند و توت و دشمن بشن بود
بزد و بطاعت چو کامل فقر
بعلم و عمل مرد کار آس
بگردارد بیکر فرشته و شی
بماناد مسند نشین جهان
تنش در جهان روح در جنت
اگر نشی ز خا ارض نوک سخا
امیر جهان دولت و ملک را
که نهان جهان بود و آفاق فکر

بهرت بصورت
چو زرخ ملک

سوار چنانکیر شمشیر جنگ	نویز کردون فیروزه رنگ
که شد ریخته رنگ شان شوخون	چنان شجرانده بکار دون
که بر چرخ عیسی بخاندان	چنان کرده زنده بششیر دین
مگر رسته رستم زنگال او	نبوده در آن عهد اقبال او

مقطع بند

چو غور شیر را تو سن آسمان	برانش سمنری چو شیر زبان
الکر کوه بودی چو که ریختی	بهر سو که چون صحرای سینه
بطاعت چو درویش نینا بود	بتیغ و سپهر و پیکار بود
و عایشه و پیش خدا سحاب	دشمن بجز نواج و نقش سحاب
چو خور کرده کویل برنج آمد	بزور و شجاعت بغیر جد
باد و سعادت همایون های	بوج سخا و جوشش نمای
اگر ارا تو انگر نو و سال	شدی یار درویش شور و حال
کشیده عود و سس ظفر را ببر	باقبال در جنگ شد بهره
همه ملک و دولت بر رسم جبر	گرفته بنیر و شمشیر تیر
چنین ابلق شوخ لیل و نهار	بزرگ عنائش اطاعت کردار
ز حق بارش رحمت و فضل باد	بجاک چنین نیل و ان داد
بفضل خدا هست آقای من	از دیشان کنون هیچ این سخن
بدریادی قلزم پیکران	بدست آدم ابر گوهر نشان
از دست برگردون نیاز فقیر	ز جوشش برش هست نیاز فقیر
بست بر زده افتد تن کو سار	چو نمیش ز غلار ابر و شاد

جلق و مروت بگوید و گرم
 بنور عبادت خوش آفتاب
 بران ام و اب آفرین صدرا
 چو او از سعادت فرزند حسیح
 در اقلیم دولت شهر ز نشان
 بفرخ نژادان مبارک خلف
 سزگر شود روح روشن بد
 خدا یار او ش برار از گرم
 وجودش بسند و جشد کن
 خدیو خدا و شاد باش
 جهان را برین نگین آورده
 نیاید غمی بر دولت از جهان
 بخت گرم طاعت بدو
 و عالمیکه داری به پیش خدا
 چنان کن بمن بخشش جاترا
 روم شاد و خندان بسوی وطن
 شوم تر زبان چشم پر غم شوم
 وطن فتنه رفته ز دلبهار
 ز من جانفشان بسی تمام
 بدل گوش کن ناله های فقیر
 جهان صبرم آید بدرد الیم

ندیده کسی اینچنین ذی حشم
 بفر سعادت هایون کتاب
 که ماند از نشان چنین یادگار
 شود در جهان روح شان بی نام
 بعلم و ادب داخل عارفان
 هایون چو خورشید است افشان
 شود قبرشان ز شکستش بد
 بنه علم در دل و شش علم
 با روح جلالش چو خورشید کن
 ز بر در دوانده آزاد باش
 کمیت فلک را برین آوی
 نیاید توراه در دنیان
 بجان شادمان و متن تندرست
 مباد از حسن اجابت جدا
 که آید ز من شکر از حق جبار
 چو طبل که پرد بسوی زمین
 بشکر تو شادان و خرم شوم
 شوم در دما تو مشغول کار
 زیزدان قبول ز حسن نظام
 از فرخ امیری و این امیر
 چو دایم که می داین که یکم

چنان تشنه سازد بسوزد گداز
دل مرا بنشد چگونه تعب
همین وقت گنج مسرادم بدین
خلاصم ده از غروب جانگزا
کنون از خلوص دل صدق جو
جهان را در اداد و دین پرورا
همه دور گردون بکام تو باد
و بی کار دنیا و دین را نظام لا
بیاباد دنیا ترا کفش پا لا
بخاتم ننگین سلمان ترا
علی را از شکرست بدل جوش باد

چو چید که بحر سیه شد نواز
جهان نیست سیراب من تشنه لب
دل خسته بستان و دوام بدین
همه راز را بخدا ازین بلا لا
و عا میکنم تو را از سیرین جو
خداوند نعمت کرم استرا
خدیو خلد و دست نام تو باد
بحق رسول علیه السلام لا
بستاج دین رسول خدا
بدل عشق محبوب نیران ترا
می جام احمد بجان نوش باد

از آنجا که نظم محبت شاهانه بر همه بندگان در دولت پروراند
و در انعام و اکرام طریق تساوی بظهور می آرند چون همه خدام در دولت
بارها و مرتبهها انعام یافته اند و بر احوال مرام خویش شافیه بخیرین
که از بی هنری خویش بجای رسیدیم و چه ربی و غمی که بر جان دل نکشیدیم
لیندا خواستند که این بی هنر نیز محروم ننماند و احسب که مان در و اوئی
نا امید می نماند حکم فرمودند و فرمان نمودند که در اعمال و شریف
جناب رسول مقبول صلی الله تعالی علیه السلام تالیف کرده و از انبیا
اعمال فراهم آورده حاضر کنند بنا بر این ننگ عباد الله الصمدین علیهما السلام
از خبط کتب اعمال و بیت شریف فراهم آورده و عا له تشنه لب
و چون بهشت نشو و جهت قسم ملامت هم گروانید و لایس مشرقی دولت بدار

باب ساقی شربت دیدار نهادن و تالیفش ازین مایه عیان غزل تهجیت

بر تو ای منقسم سر دربارک باشد
 مد عیار شوی بر تو چنان ازین ار
 از رخ ساقی دارین افزونی بین
 اندرین بزم تو این سسته گل های
 از می دید رخ ساقی بزم عارفان
 وستیالی بر او یک دلیت میخواهد
 هر چه خواهی بیهیالی تو الهی الشنا
 هست از نام فکاک نام سر و شربت
 در علی بر تو فصل و کرم حمد پاک
 بد آنکه این رساله شتمل است بر یکصد و یک فائز و هفت و نیم
 مقدمه در بیان بودن خواب بجز و از چهل و شش
 جزو نبوت و بیان آنکه مراد از نبش است و بار صا
 اند و بیان تحقیق معنی حدیث من فی المنام فقد
 رآنی فان الشیطان الی تمثیل بی و بیان تعلقات شان

این کتاب که در بیان نبوت و حدیث است و در بیان تعلقات شان و در بیان معنی حدیث من فی المنام فقد رآنی فان الشیطان الی تمثیل بی و در بیان جزو نبوت و در بیان آنکه مراد از نبش است و در بیان بودن خواب بجز و از چهل و شش مقدمه در بیان بودن خواب بجز و از چهل و شش

مثل آنکه کسی بپند که آنحضرت رسول علیه الصلوٰۃ والسلام
 اورا امر میکنند برای خلاف حکم شریعت و غیر ذلک
 - فائز اولی - در بیان جلیب صورت مبارک آنحضرت
 صلی الله تعالی علیه و آله و سلم - فائز ثانیه در بیان تصویر
 دیدن پیغمبر اعظم السلام را در خواب - قسم اول -

در آیات قرآنی و سوره های منسوبه فانی که کلید و لایحه دولت است
 و مفتاح کنج حجت قسم دوم اعمال و رویت شریف و جلیب
 سید ابرار و فرعون اصحاب اینار که اکثر تجرید آمد قسم سوم
 در ادراک در و شریف که بکثرت آن برین منزل مقصود توان شناخت
 قسم چهارم در ادعیات و عملیات که از اکابر و روایت و اعظم شریف
 چنین منقول است و باعث زیارت پر بشارت رسول الله صلی الله علیه و آله
 و سلم و ششم پیغمبر و شریف و فانی صلی الله علیه و آله و سلم
 و دیگر ترکیب بحجت دیدار رسول کریم علیه التحیة و التسلیم
 قسم ششم در باعیات بزرگان دین که بخواندن آن کرم و دعا
 و دست در دیدار سید الاکابر صلی الله تعالی علیه و آله و سلم حاصل کردن

و چشم را بنور روی اقدس پر درون قسم ششم در ادویه که ۶
با استعمال آن از مرض فرقت نجات توان دید و شربت فیدار
فائض الانوار از تب فرقت توان زهد مقدمه در بیان

بودن خواب یکجور و از چیل و شش جزو نبوت و

و بیان آنکه مراد از مشرب است و یا رصاصه اند و بیان

تحقیق معنی حدیث من انی فی المنام فعدت انی

فان الشیطان لا یمثل لی و بیان متعلقات شأن

مثل آنکه کسی بیند که آنحضرت رسول علیه الصلوٰه و السلام

او را میزند برای خلاف حکم شریعت و فوچک

در اسرار ضمنی از سید عبد الجلیل غیاثی القاری قدس سره آورده
که تحقیق خوابهای صادق یکجور است از چیل و شش جزو نبوت

و همدران از شیخ مذکور نقل کرده که فرموده علیه السلام من لم یومن
بالرب و بالصادقه فانه لم یومن بالله و لا برسوله کذا فی ذریعہ غفر

الی سید بن السعد فی تفسیر قوله تعالی البشری و همدران است
که بر همین شد از نبی صلی الله تعالی علیه و آله سلم از البشری خبر داده

روای صاحه اند که می بیند آنرا مرد مسلم یا فرمود که بدینچه میشود
آنرا فرمود لا نبوت بعد البشرات قبل ویا البشرات
قال الرویا الصاحه یعنی نیست بتو ای باقی مانده است
از نبوت بعد مبشرات فرمود خوابهای صالحه وفسر نمود
الرویا الصاحه خبر من سخته واریعی خبر من النبوة تو میخشی
آنکه چون سید عالم صلی الله تعالی علیه و سلم بعد از چهل سال
بدعوت سبعوث شدند و تمامی عمر مبارک ایشان شصت
و سه سال بود پس بست و سه سال از عمر خجسته مال در شوق اندید
از آنجمله در ابتدای بعثت شش ماه بجای وحی خوابهای صاحه
میدیدند و بعد از آن بست و نیم سال دیگر جبرئیل علیه السلام
می آمد و نصوص قرآنی نازل میشد پس باین قاعد صورت
بند که خواب صالح بجزو است از چهل و شش خبر و نه
زیرا که شش ماه بجزو می شود از چهل و شش خبر و بست سال
و قال علیه الصلوة والسلام من رآنی فی المنام فقد رآنی
لان الشیطان لا یتمثل بی الی بصورتی و کذا و کذا القاطلان
فی شرح البخاری فی فصل من رآنی حبیب الله صلی الله علیه
و آله و سلم اقول ذهب بعض العلماء رحمهم الله الی ان من رآنی
النبی صلی الله علیه و آله و سلم فی المنام فهو صحابی باید دانست
که درون دل روزی است کسان مملکوت آسمان چنانکه
از بیرون دل پنج دروازه کسان است بعالم محسوسات
و مثل دل چون آینه دیگر که صورت جمله موجودات در روی آ

و چنانکه صورتها از یک آئینه در دیگر افتند چون در مقابله آن
پداری همچنین صورتها از لوح محفوظ در دل پیدا آید چون
صافی شود و از محسوسات دور گردد باولی مناسبت
گیرد و تا به محسوسات مشغول باشد از مناسبت بعالم
ملکوت محجوب ماند اگر کسی ریاضت کند و دل از دست
غضب و شهوات و اخلاق بد بیرون کند و حواس را
معطل گرداند و دل را با عالم ملکوت مناسبت دهد روزی
در کشاف شود و آنچه دیگران در خواب بیند وی در بیداری بیند
و در لوح فرشتگان در صورت هائی نیکو پدید آید و پیاپی
علیه الصلوة والسلام را بنید و از نشان فائز و مدد یابد
و ملکوت آسمان و زمین بوی نماید و کسی را که این مداد کشاید
شمار کارهای عظیم بنید که در حد وصف نیاید و علوم اینها
و اولیا علیه السلام از آنجا راه بودند انوار حواس
گو حواس خمس داری بر کشاید اهل پس هر صورت که بینی مستحق حاصل
الایش حضرت شیخ مافرسودند که در قلب صوفی روزی است
که آن روزین کشف عوالم غیب و شاهده مراتب جبروت
و لاموت گردد **و** لشکر خشت نلنجد در زمین آسمان
پس درین فکر که اندر سینه چون جا کردن پس باید دانست
که برای حصول این دولت عظمی و نعمت کبری اعنی روت
رسول مکرم صلی الله تعالی علیه و آله و سلم چند شرایط است
که لی آن بین مراد نتوان رسید و این گوهر شیخ را در رشته

سخاوان کشید اول باید که دل مصطفی و نفس منزه بدست آید
و پیر بادیه مستقیم سنت نبی مضبوط گذارد از گناه و بدما
به پیر میرود و آبروی تقوی و طهارت نه زبرد و بر سنت نبوی
علیه السلام استقامت گزیند و بر پیر باطنش لطافت و
و طهارت مریع نشیند بخور بسوزاند و عطری مالند و در حصول
تمنا براری تمام در حضور پاک الهام بآورد و توحید دل و غیبت
ببان مهیا گرداند و فروش چشم اثر بیدان تصور بر سر بلند و لا
صدق اعتقاد و دوستی استخوان جوهر روح خویش بکند و بیخ گنبد
رحمت از زیرین سینه بکند غرض که دل را الصغای طسایر
و باطن آینه همه العالمین نماید تا سلطان رسل و اود
سبل محبوب رب العالمین مطلوب عارفین و عاشقین جلوی
رحمت و تجلی غایت فرماید و بدان ای عزیز ارشد
کامد تعالی فی الدارین که اگر بخاطر خطور کند که چگونه تواند
که چند کس در یکوقت رسول علیه الصلو و السلام را در خواب
در آنکه مختلفه ببینند و منوم است که یک جسم در یک زبان
ورود مکان نباشد پس ستر حدیث که از عبد الله بن مسعود
رضی الله تعالی عنه مروی است در آنکه ناقل است از
پیغمبر خدا صلی الله تعالی علیه و آله و سلم که گفت فرمود بنده
صنوق الله و سلام علیه من ترانی فی المنام فقد رانی فی المنام
لا یتمثل فی لینی کسیک دیدم را در خواب پس تحقیق دیدم را
پس بدستبک شیطان متمثل نمیشود و بدورت من نمی تواند

خود را و همچنین از ابی هریره رضی الله تعالی عنه که گفت
فرمود حضرت پیغمبر خدا صلوات الله وسلامه علیه من رآنی فی
النّام فقد رآنی فی القرآن الشّطان لا یستوصف الا بالکفر
بالحق یعنی کسیکه دیدم در خواب پس تحقیق دیدم پس تحقیق
که شیطان مقصور نمیشود بصورت من یا گفت تشبه بیکدیگر من
و همچنین از ابی مالک اشجعی که از پدر خود نقل میکند که گفت
فرمود پیغمبر خدا صلی الله تعالی علیه وآله وسلم کسیکه دیدم در خواب
پس به تحقیق دیدم را، همچنین از ابن عباس رضی الله تعالی
عنه که گفت أن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم کان یقول
أن الشّطان لا یستطیع أن یشبه فی نفس رآنی فی النّوم
حقه رآنی یعنی بدرستی که پیغمبر خدا صلی الله تعالی علیه وآله وسلم
بود که میگفت بدرستی که شیطان استطاعت ندارد اینکه
متشبه و مانند شود من پس کسیکه دیدم در خواب پس تحقیق
مرا دید و همچنین از ابو قتاده رضی الله تعالی عنه که گفت فرمود
رسول خدا صلی الله تعالی علیه وآله وسلم من رآنی فی النّوم لا
فقد رآنی الحق یعنی کسیکه دیدم در خواب پس تحقیق دیدم
حق را یعنی خواب او راست و ثابت است و همچنین از انس
رضی الله تعالی عنه که گفت فرمود رسول خدا صلی الله تعالی
علیه وآله وسلم من رآنی فی النّام فقد رآنی فی القرآن الشّطان
لا یستطیع أن یشبه فی نفس رآنی فی النّوم و أربعین حسنة
من نوح یعنی کسیکه دیدم در خواب پس تحقیق دیدم پس

بدست یکی شیطان خیال نمانی نمیکنند همین وقت خواب مومن را
 ایست از چهل و شش پاره از نبوت فقط چه خواهد بود و چنانچه
 آنکه خواب دیدن عبارتست از حاصل شدن صورت آن چیز
 در خیال همان حاصل شدن غیر حضور آن چیز است و دلیل بر
 گدازنده که کسی در خواب بیند که او در هوای پرد یا سر خود برین
 خود نهاد و بیند حال آنکه هیچ اثری از آن در وجود خارجی
 نماند و همچنین هرگاه قطره باران نسرومی آید بصورت حلقه
 مستقیم تخیل می گردد و از وجود خارجی آن پاره نباشد پس
 معلوم شد که روایتی که در تفسیر در خیال پیدا شود اگر چه آن
 چیز حاضر نباشد و چون حقیقت خواب دیدن معلوم شد گوئیم
 روایتی که کس صورت پیغمبر صلی الله تعالی علیه و آله و سلم در
 مشرق تخیل کند و دیگری در مغرب و خاصیت پیغمبر در نیاب
 آنست که نفس را شوق و نیازمندی ارادتی رحمانی بود نه
 شیطانی پس این خواب صدق بود و خواب کذابان و کفار
 فی سینه فائده خواجه عبدالهادی رحمه الله تعالی علیه
 در شرح شامل ترمذی آورده که در روایت مسلم و بخاری
 که منسوخ من رانی فی المنام سیرانی فی القیطة او مکانا
 برانی فی القیطة لا یتمثل الشیطان فی یمنی کسیکه دید مراد فرم
 پس فرمود که خواب دید مراد پیداری یافت مراد پس گویا
 که دید مراد پیداری متمثل نمیشد و شیطان همین آینه ابطال شد
 که مراد از تفسیرانی فی القیطة تصدیق و محبت آن بود با سنان

در بیداری در این دارنه آنگه خدا خیرت باشد که تمام مخلوق در آنجا
در خواهند دید پس مراد این اهل عصر رسول الله علیه السلام اند پس میگویند
که وحی کرده بود حق تعالی بسوی رسول خود صلوة الله و سلامه علیه و آله
باینکه آنگه می بیداری را از ازل و زکار وی و هجرت نکرد است بسوی
او خواهد داد و او را الله تعالی توفیق پیرة بسوی او و از آن دیدن او را
در بیداری نصیب خواهد شد فقط در مواردی که گفته که معنی آنست
که اگر می بیند مراد بیداری بر آئینه مطابق دوست که در خواب دید
پس رویت رسول علیه الصلوة و السلام در بیداری حق و حقیقت
است و در خواب حق و تمثیل و مراد بی را در آخرت رفته باشد
باشد بقریب شفاعت و علوی در بهر و بعضی گفته معنی آنست که
زود است که می بیند مراد بر آئینه که رسول علیه الصلوة و السلام
داشت لکن بود چنانچه حکمی از این بعد پس رضی الله عنهما که
دید رسول خدا صلی الله تعالی علیه و آله و سلم که در خواب آمد بر بعض
اهل بیت مومنان شاید که می بیند بود و خلایق رضی الله تعالی عنهما
پس بر آورد آئینه رسول علیه الصلوة و السلام پس دید صورت نبی را
علیه الصلوة و السلام در آن و ندید صورت خود را و گفت عیاض
که معنی آنست که هر که دید نبی علیه الصلوة و السلام را در خواب
پس دید حق آنرا یعنی اگر چه صورت او که در حین حیات داشت
پس رویا حق است و آنکه دید او را بر غیر آن پس رویا تا ویلی است
و حقیقی تا ویلی گفته که این ضعیف است صحیح آنست که کائنات
حضرت علیه الصلوة و السلام را در خواب دید و آنجا دید

بر صورت معروفه او دیده باشند بانه شیخ الاسلام حافظ گفته که ما بنی
 ابرو و قول مثالی نیست بلکه در هر دو حالت دیده است در اول
 حاجت تاویل نیست و در ثانی حاجت تاویل است لکن گفته اند
 که هر که او را علیه الصلوة بر صورت شیخ بنید پس باور انهنایت صلاح
 و هر که او را جوان بنید پس وی در نهایت جنگ است و هر که او را
 بنیم بنید پس او شمشک است نسبت او ماندی گفته صحیح است
 که آنکه می بیند آدمی در خواب و اعتقاد میکند که او رسول خدا
 صلی الله تعالی علیه و آله و سلم پس بدستیکه او بنی را دیده است
 علیه الصلوة و اسلام هر صورتیکه باشد و همین است بقول در
 او در هر حال حق است باطل و اضمحاث احلام نیست امام
 خوالی گفته آنچه در خواب می بیند بنیده آن حقیقت شخص او
 علیه الصلوة و السلام که مودع است بروحه مدینه مطهره نیست
 بلکه می بیند مثال او را و این مثال روح مبارک است که متقین
 از صورت و شکل محل نبوة است فقط در قیامی صوفیه
 که عدم تشبیل شیطان به بنی ماصلی الله علیه و آله و سلم مختص نیست
 بلکه تشبیل میشود با جمیع انبیاء و ملائکه شمس و قمر و نجوم و کواکب
 تعالی عالم و در مدخل این حاج گفته که باید که برهنه بود و آنچه
 که واقع میشود و در این زمانه اینکه بنید کسی بنیم را
 صلی الله علیه و آله و سلم در خواب خود پس آن حضرت صلی الله
 علیه و آله و سلم آن بنیده را امر فرماید بنیم یابی کنایه کای
 پس این کس خواب نگر از خواب خود مثل آگاه شود پس آن

کار اقدام ورزد و یا باز ماند و بگذارد و بشخص بصرف آن خواب
تا آنکه پیش کند آنرا بر کتاب الهی جل شانہ یا سنبت
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر قیام بعد از نماز
تعالی عنہم فرمود ایند تعالی جل شانہ در کتاب با عظمت
خود پیش خان تبار عظمی شی بدو و دہ الی الله و الرسول
یعنی اگر نماز عمت کینہ بنما در حسیبزی پس پیش آرید
انرا بسوی خداوند تعالی و بسوی رسول الله صلی الله علیه
و آله و سلم و معنی قوله تعالی فرمودہ الی الله است الی
کتاب الله است یعنی بسوی کتاب الله تعالی و معنی
قوله تعالی و الرسول الی الرسول یعنی خود بسوی رسول
خدا و زما نی حیات آن سرور کائنات علیه الصلوٰۃ و السلام
و بسوی نخست آنحضرت صلی الله تعالی علیه و آله و سلم
پس از وفات آن خلاصہ موجودات علیہ النجات
و التسلیمات آنچنانکہ فرمودہ اند علماء رحمۃ الله علیہم
و ہر چند در خواب دیدن رسول الله صلی الله تعالی علیه
و آله و سلم راست است کسی در آن بنور بقولہ صلی الله
علیہ و آله و سلم من مائی فی المنام فقد رآنی تا آخر یعنی
ہر کہ دید مرا در خواب پس ہر آنکہ خود مرا دید زیرا کہ شیطان
متمثل و صورت پذیر نمیشود بصورت من بخلاف رفا یا
یعنی در روایتی است راہی الحق و معین جان روباہ
دیگر لیکن مکلف نشدہ است ایند تعالی بنندگان خود را

بجزی از آنچه که واقع شود آنگاه از خوابهای خودشان بزد
 رسول خدا صلی الله علیه و سلم که بر دهمشته شده قلم لایق
 کسی یعنی هر فردی القلم و معذرت در آنست که در دهمشته شده درین
 است که خوابنده نیز از مانیکه بیدار شود زیرا که هرگاه خوابنده
 بود از اهل تکلیف نیست پس باید که عمل نکند بجزی که در خواب
 بیند اینست وجهی وجه دوم وجه دوم اینست که علم در وقت
 گرفت نیست و اگر از مدار حافظه العقل و خوابنده چنین نیست و
 سوم اینست که عمل کردن خواب مخالفت بقول صاحب است
 صلی الله علیه و سلم زیرا که فرموده بود آنحضرت فرقت قلم
 الثقلین من تفلوا ما تسکت بهما کتاب الله و سنتی یعنی که
 گنایتم در میان شما دو گرانبار چیز زمینها را گمراه نخواهید شد
 تا و سیکه جنگ زند در آن هر دو یعنی استوار گیرید میان هر دو
 یکی کتاب الله دوم سنت خودم پس قرار داد آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم نجات از فحاشات را در تمسک و جنگ
 زدن باین دو گرانبار چیز ها و سومین نیست برای این هر دو
 و سیکه اعتماد کند با آنچه که بیندش در خواب می افتد ابراز برای
 این دو سعی است پس بنا علی بذاهر کس که بنگردن در
 طبع الصلوة و السلام را در خواب خودش پس آنحضرت
 علیه الصلوة و السلام باین خوابنده بجزی احوال را بیدار نمی
 کند از چیزی پس متعین است بروی عرض کردن این گنایتم
 خود بر کتاب خدا و سنت رسول الله زیرا که آنحضرت صلی

الله تعالى عليه واله وسلم حبزین نیست که است خود رکعت
 شد به پیروی کردن همین درود هر آینه فرمودن آن حضرت
 صلی الله تعالی علیه واله وسلم آگاه باشید باینکه برسانید حاضر
 مرغایب یعنی آنچه از آن حضرت صلی الله تعالی علیه واله وسلم
 گوشت کند و نشود بدینکه آن که آنجا حاضر نباشند برسانند تا آخر حد
 و روایت کرد ابو داؤد در سنن خود که فرمود آنحضرت صلی الله
 علیه واله وسلم شما بشوید و شنوده شود و از شما شنوده شود و از
 کسی که نشنود از شما فقط و از همین قبیل است قول رسول
 الله صلی الله علیه واله وسلم نماز خوانید شما آنجا نماند دیدن شما مرا
 که نماز بخوانم و نیز قوله علیه الصلوة والسلام بگیرد از من نماز سکوت
 ما را یعنی ارکانی که خدا تعالی بدان افرموده و غیر این احادیث دیگر
 آمده و یافته پس هرگاه پیش کس از این یعنی در خواب
 بخوابد و در خواب بشوید آنحضرت علیه الصلوة والسلام را
 اگر افاق و سازگار بود بآن داند که همانا روی او را است
 در هر آینه کلام یعنی فرموده آنحضرت علیه الصلوة والسلام
 نیز حق است و بود آن رویا از هر مالوس که در آن بپایند را
 یعنی بعلم باطن که قریب حق تعالی است و اگر مخالف بود
 با شریعت پس داند که این رویا حق و راست است و هر آینه
 آن کلام که او را یعنی خواب نگزیده را در آن خواب واقع شد کلامی
 است که شیطان و نفس اماره در ذهن او انداخته اند زیرا که این
 هر دو دوسه اند ازند او و در حال بیداری پس چگونه در حال خواب او

یعنی هرگاه در حال هوش که بیداری باشد این که دو سه بار از خواب
می‌شوند در حالت غفلت که خواب بود چه سان و سوسو
اندازن نشوند از بهر همین معنی فرموده اند علماء ما رحمهم الله
تعالی بنابر آن که گوش بگوش من از سید خودم ابو محمد
رحمه الله تعالی علیه که چند بار می‌فرمود بنقل کردن از علمای
رحمه الله تعالی علیهم که هر آینه رسول خدا صلی الله علیه
و سلم هرگاه دین شود و خواب پس امر کند بچیزی
یا نهی کند از چیزی پس واجب است در آن که عرض کند
اکنون نگرستم بر این کتاب الهی جل شانه و سنت پیغمبرش
صلی الله علیه و سلم پس اگر موافق بود بداند که هر آینه
این روایات هم حق است و کلام هم راست است و روایات
از بهر هوش کردن این خواب نگرنده است و بشارت
است او را و اگر آن کلام مخالف بود بکتاب الله و سنت
رسول الله پس داند که خواب راست است و هر آینه
شیطان رسانیده است سوی سماعت خواب نگرند
غیر آنچه که فرموده باشد آنحضرت صلی الله علیه و سلم
نیز آنکه اگر می‌بود آن خواب از آنچه که تعبیر کرد شود
بان یعنی اگر از عبادت بودی هر آینه آنحضرت صلی الله
علیه و سلم هم آشکارا فرمودی آنرا در زبان جبارت
شریف خودش یا اشاره کردی سوئی آن اگر چه
بکیبار آنچه تا آنکه کرده است در غیر آن و نقل کرده است

شیخ امام ابو ذکر یاججی الزاوی رحمہ اللہ علیہ دراد اکل کتاب
 تہذیب اللہ ۱، واللغات در بیان کلام بر خصائص آنحضرت
 علیہ الصلوٰۃ والسلام یعنی اموریکہ مخفیہ بذات حضرت خواجہ
 کائنات علیہ التحیات والتلیات گفت کہ از خصائص او است
 کہ بر آئینہ کسیکہ دید آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را در خواب پس
 بر آئینہ آنحضرت را رہست پس بر آئینہ شیطان صورت تمیلید
 بصورت آن علیہ السلام لیکن عل نگہد یا سنجہ کہ شنودہ باشند آن خواب
 نگہدہ از ان در خواب از آنجکہ تعلق دارد با حکام خلاف ما چہ کہ
 مستفیہ بود در شریعت بسبب ضیق تکران خواب نگرندہ آخر انما از ہم
 شک در رو یا زیرا کہ خبر مقبول نمی شود مگر از صاحب مکلف
 با حکام شرعیہ و نام برخلاف آنست یعنی در زمان پنج اب نیکی یاد را در آن
 وہ مکلف است با حکام پس بنا بر علی ہذا اگر کسی بنگرد
 آنحضرت علیہ الصلوٰۃ والسلام را در خواب خود و خطاب کند آن
 حضرت علیہ الصلوٰۃ والسلام اورا تکلم شود باو و برسد در زمین این
 خواب نگرندہ لفظی یا الفاظی را خواندی کہ واقع شد در زمان
 این خواب نگریہ پیش از وہ مخالف باشند آن الفاظ بشخصیت
 آن علیہ الصلوٰۃ والسلام پس جائز نیست آن خواب نگرندہ را در نہ
 غیر اورا بدین بیان خواب یعنی از دنیاات و الشش آن نگریستہ
 در خواب را اعتقاد کند کہ اسچہ در زمین او سجید و خواب
 و مخالف بود بشریعت مطہرہ کہ صحیح است مستحب یا کہ
 مشہود پاک دینش نمی علیہ السلام از نسبت این امر و مانند آن

واجب و تعیین است از هر آنکه هر آنکه در بدین خواب
 صورت کرمیه آنحضرت علیه السلام سواي زیادت نقصان
 متصور نیست یعنی خصمت صورت کرمیه آن سرور علیه الصلوة
 و السلام اول و سابق است در زیادت نقصان مرادش
 اینست که اگر خواب بیننده حافظه حلیه مبارک و ضابطه بیات شریفه
 آنحضرت علیه الصلوة و السلام نبود و آنحضرت صلی الله
 علیه و آله و سلم را در خواب بیند عصمتش نگاہدارد زیرا که
 ممکن است که صورتی در خواب بیند و گمان برد که این فرشته
 او صورت آن سرور علیه الصلوة و السلام است و حال آنکه
 نه باشد زیرا که هر گاه این نگارنده حلیه شریف و صورت مطهر
 عوالم عالم صلی الله علیه و آله و سلم یاد نداشته باشد چنان
 دلتی او تواند شد برین که این دیده شده او بر آینه صورت
 شریفه آنحضرت است علیه الصلوة و السلام قطع نظر از زیادت
 و نقصان که در آن صورت مشاهده او شود پس اول کلام
 در اصل صورت است سپس در زیادت و نقصان چنانکه
 بعد ازین اشکارا شود خصوصاً نقل کرد قرآنی رحمة الله تعالی در
 کتاب خود کسی بدخیره گفت که علماء گفته اند که هیچ
 نیست در خواب دیدن پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 را بقطع و بالیقین مگر در کسی را یکی صحابی که آن سرور
 صلی الله تعالی علیه و آله و سلم را دیده باشد
 دو بین حافظه صفت یعنی ضابطه حلیه شریفه آنحضرت

علیه الصلوة والسلام بحفظی که حاصل آید از شنیدن
 آنچه که حاصل شود بیننده و گریه آن علیه الصلوة والسلام
 را یعنی حفظ و تذکر او صورت مبارکه بچنان وثوق و ستواری
 بود که گوید در زمان حیات آن سرور کائنات علیه الصلوة
 والسلامیات را از پیش چشم سرور دیده و گریسته است
 تا عقیقش نشود برومی مثال آنحضرت علیه الصلوة والسلام
 از بودن آن سرور صلی الله علیه و آله و سلم از سیاه و سفید
 یا پیر یا جوان و غیر این از صفات پیشیند که ظاهر شود
 در آن آنچنان که ظاهر شود در احوال نگردد گمان دین احوال
 صفت یعنی صورت و حلیه می باشد از نگردد گمان ندان
 صفت آینه یعنی هر گاه واقع شود رویای صورت
 کریمه آن حضرت علیه الصلوة والسلام آنکه عناصر
 شده است او علیه السلام درون عدم و
 طایس شیطان را بر خلاف صورتی
 که آن پاک سرور صلی الله تعالی علیه و آله
 و سلم را بود پس را جمیع جنوای
 بود آن ابصفت و حسن جنوای
 و آن جناب سول مقبول کریم
 صلی الله تعالی علیه و آله و سلم
 شنیده می باشد از آن و در امثال
 آن پس چیست خیال دانش

و التفتن به لشیدن کلامی که متضمن عصمت نبوده باشد را
 اگر گویند گوید که بر آئینه در جواب دیدن صورت گریه آن
 حضرت علیه الصلوة والسلام بر آئینه متضمن عصمت است
 از بهر نگرندگی پس قیاس کرده شود بر آن عصمت مطلق
 کلام نیز یعنی آنچنانکه شیطان ممنوع است از تمثل بصورت
 مبارک آنحضرت علیه الصلوة والسلام همچنین توان شد
 و بسوز بود از ایراد کلام او علیه السلام جواب از قول قائل
 اینست که بر آئینه دانسته شد از قواعد مقوله در شرع و غیر
 که بر آئینه شیطان جاری میشود و بی آرم مانده جریان حق
 یعنی آنچنانکه خوان در برگ در پی مردم زار روان میشود
 همچنین شیطان تم آید و شد و تیرانی میدارد و وسوسه
 می اندازد در جمیع احوال در بیداری و خواب پس نص
 وارد شده درباره عصمت نگرندگی هرگاه بنگرد و صورت
 آن علیه السلام در خواب خود در شب و باقی ماند آنچه که عاقل
 و سجا از این نص است بر اصل خواب که همین نمیشود نگرندگی و در
 از تلبیس شیطان در کتاب مسی با کمال مصطفی قاضی عیاض
 است قوله من رأی فی المنام فهدرانی فان الشیطان
 لا یصل لی و فی رواية فانه لا یصل لی لا شیطان ان یتمثل فی
 صورتی و فی الحدیث الاخر من رأی فی المنام فهدرانی الحق یعنی
 قول آنحضرت علیه الصلوة والسلام که هر که دید در خواب
 بر آئینه و بر آئینه شیطان تمثل نمیدارد

و در روایتی است که در حدود مکه نیست شیطان را مثل شدن در
 من و در حدیث دیگر است که دید و سپس برآینه او دید و گفت
 ایام رحمه الله که اختلاف کردند محققان در تاویل
 این حدیث پس رفت قاضی ابوبکر بن الطیب
 رحمه الله بسوی اینکه مراد بقول آنحضرت صلی الله
 تعالی علیه و آله و سلم من را نی فی المنام قدرانی اند را نی
 الحق این است که برآینه و در است و درست و
 هر یک از روایات او از احداث الاحلام یعنی تزیین و پرستش
 شیطان بر آینه نمی باشد و نه از تشبیحات
 شیطان است و قاضی مذکور مؤید و حاصد کرده است
 گفته خود را بقوله صلی الله علیه و آله و سلم در بعض طرف من
 را نی فقد را نی الحق که مراد بود بان الحجه که اراده کرده شد
 بحديث اول از خواب و قول آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 ان الشیطان لا تمشی الا شاره است بسوی اینکه مراد است
 که برآینه خواب او از احداث الاحلام نمی باشد جز این نیست
 که حق در است نبی باشد و حال آنکه لایمی بیند بیننده آنحضرت
 صلی الله علیه و آله و سلم را بر غیر صفت یعنی خلاف حلیه آنحضرت صلی الله علیه
 و سلم که نقل کرده شده است بسوی باشد بیننده آنحضرت را بر سر سفید
 یا بر خلاف چون مبارک آنسور صلی الله علیه و آله و سلم یا بنگر آنحضرت را دو گونه لایم دیگر
 زمان یکی ازین دو در مشرق و دویمین در مغرب و دیگر
 یکی ازین دو در حدیث با آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم دو گان خود قوله

و دیگر آن گفته اند که حدیث محمولست بر ظاهر خود و مراد
 آنست که هر که دید آنحضرت علیه الصلوة والسلام را در
 خواب پس بر آئینه یافت آنحضرت صلی الله علیه
 و سلم را و مانعی نیست که منع کند ازین و نه عقل محال می
 داند آنرا تا که مضطرب شود برگردانیدن کلام از ظاهر آن علت
 پیدا آوردن باینکه بنظر آنحضرت صلی الله علیه و سلم را صورت
 موعود او در دو مکان مختلف معاد یکجا پس این صفت کردن
 است در صفات آنحضرت صلی الله علیه و سلم و تحلی
 کردنت آنرا غیر آنچه که آن صورت بر آن بوده است یعنی
 چنین خلاف حلیه مبارکه دیدن از غایتی که قوت بر که این
 نگرنده است و گاهی همان کرد و میشد یعنی خیالات مرئیات
 بسبب بودن آنچه که متخیل شود مرتباً با آنچه دیده می شود
 در عادت پس درین حال ذات آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 مرئی و نگریسته میباشد و صفات یعنی حلیه و صبرت مبارکه متخیل
 غیر مرئی یعنی در اصل نگریسته نیست صرف قیوت متخیله از خود می باشد
 مرئی و شاید فرانوده است از هر آنکه در ادراک تخدق احوال
 شرط نیست یعنی محیط شدن قوت بصیرت بر آن متخیل شرط نبوده
 است و نزدیک مسافت نیز شرط نیست مدفون فی الارض بودن
 مرئی یا ظاهراً علی الارض بودن آن یعنی در ادراک هر دو
 برابرند خواه متخیل و در رک و در زیر زمین پنهان
 یا بر روی آن آشکارا و پدید آید بزمین نیست که شرط است

موجود بودن آن بخیر و دلیل قائم شده است بر فساد آن
 حسب مبارک آنحضرت صلی الله علیه و سلم بلکه دارد
 شده در بعض اخبار آنچه که دلالت می کند بر نقایص
 جسمانی آنحضرت صلی الله علیه و سلم پس می باشد اختلاف
 صفات تحمیل باعتبار آنها یک راه نمائند اند بسوی
 نائلش صور تحمیل و آنها استعداد صفات نازنده است کما
 ذکر کرده است در باب رویا و الی صلی الله علیه و سلم که
 وارد شده است که هر آنکس آنحضرت علیه الصلوة و السلام
 هرگاه دیده شود پیری ریش سفید پس آن سال صلوات
 و هرگاه دیده شود جوان پس آن سال حرب است مترجم گوید که
 مراد بود اینکه مشاهد بصورت شباب مشاهده صورت پیری
 زمان حرب و جهاد در ویت بصورت سخت مشاهده صورت
 بود در زمان پیشین بودن حرب و جهاد یعنی سن سلم صلح
 بود که کذا الک جواب آنان از آنحضرت صلی الله علیه و سلم باینکه
 اگر دیده شود آنحضرت صلی الله علیه و سلم امر فرما و فرمایان دیده
 بقتل آنکه قتل آن حلال بود پس آنکه این از صفات تحمیل است
 نه مرئیه یعنی نگرنده خواب در تحمیل متصور شده و قوت تحمیل خیال
 که ده خود را میری و شهود بر گزیده است و در حقیقت حربی نیست
 و جواب ثانی آنان منع وقوع مثل ایست یعنی تسلیم میکنم که غیر
 واقع شود که آنحضرت صلی الله علیه و سلم بقتل آلا بکل قتل و کما
 دهد و وجهی نیست نزدیک من برای منع کردن آنان

انان این را یعنی عدم تسلیم و وقوع چنین خیال مرئی را با وجود
 قائل بودن آنان به تخیل صفات مراد این که خود گفتن که گاهی قوت
 تخیله صفات را از خود می ترسانند و آن صفات تخیله را امراییه
 و مشهوره می نمایند و باری تسلیم نکردن و بجهت نزد سن بوجاه
 و قبول و قاضی عیاض رحمه الله تعالی گفت که معنی قوله علیه السلام
 فقدرانی فان الشیطان لا یتشکل لی و قوله علیه السلام فقدرانی الحق
 متمثل است باین که هرگاه بنگرند آنحضرت علیه الصلوٰه و السلام را
 بر چشمتی که در حیات خریف خود بودند بر صفت مضاده و مخالفه
 بکمال آنحضرت علیه السلام پس اگر دیده شود آن سرور علیه السلام
 بر غیر این پس این رویا و تاویل و تفسیر است نه رویا حقیقیه
 پس بر آنکه بعضی رویا خارج می شوند بر وجه خود و بعضی محتاج
 می باشند سوی تاویل و تفسیر پس گفت همین قاضی عیاض
 رحمه الله که علامه رجبهم الله تعالی اختلاف نکرده اند در جواز دیده
 شدن او تعالی در خواب و اگر دیده شود او تعالی
 بر صفتی که لائق نبود بجلال او تعالی از صفات جبروتیه
 بر آئینه متحقق شود که بر آئینه آنچه دیده شده است غیر
 ذات است و است زیرا که بر او تعالی تجسم یعنی جسمانی بودن روان بود
 و نه اختلاف حالات بخلاف رویای بی صلی الله تعالی
 علیه و آله و سلم در خواب پس بود رویای او تعالی بر سائر
 انواع رویا از قبیل تشبیل و تخیل گفت قاضی ابوبکر
 رحمه الله تعالی که در خواب دیدن او تعالی دلالت بر

و خطرات قلبی است یا مثالی که لایق نیستند با و تقاسم
 در حقیقت و مثالی و نیزه است او تقاسم از ان و آن
 دلالات است بر اسے کرند بر امور کے کہ از قبیل کان
 کیون باشند یعنی باختلاف حالات و صفات مانند دیگر
 مرئیات و امام رحمه الله تعالی گفت کہ قول آن سرور صلی
 الله علیه وسلم من رانی فی المنام سیرانی فی الیقظة او فکانتا
 رانی فی الیقظة یعنی ہر کس کہ بیند مراد خواب پس نزدیک
 است کہ خواہ دید مراد بیداری یا گو یا دید مراد بیداری
 پس اگر محفوظ الروایۃ لفظ فکانتا را اسے فی الیقظة
 است پس تاویل آن ماخوذ است از ماتمدم
 یعنی قولہ اذا رؤہ علی صفة التے کان علیہا
 لا علی صفة معنویۃ لحالہ مرادش آنکہ است
 دیدہ اگر محفوظ الروایۃ لفظ سیرانی فی
 الیقظة است عمل است کہ ارادہ فرمودہ
 باشد اہل علم خود را از انان کہ ہنوز
 ہجرت نفس مودہ بودند سو سے آنحضرت
 علیہ الصلوٰۃ والسلام پس ہر آئینہ ہر کہ
 از انان دید آنحضرت علیہ السلام مراد خواب
 پس نزدیک است کہ خواہ دیدہ آن علیہ السلام با
 در بیداری مرادش آنکہ آن خواب بیندہ
 بعد این خواب خود مشرّف خواہد شد شرف

مبارکه و ایندو تعالی دیدن خواب را نشان
 دیدن در بیداری کند یعنی چنین خواب بهر آن صحابه
 مقدمه بود با دراک شرف صحبت و وحی فرماید ایندو
 تعالی بآن برگزیده خود صلی الله تعالی علیه وآله وسلم و
 گفت قاضی رحمه الله تعالی که معنی است که بینند تصدیق
 آن رویارو در حالت بیداری و صحت آن و التماس کرده اند
 بعضی از آنان این که معنی قوله علیه السلام نسیرانی فی
 الیقظة الی فی الاخرة باشد یعنی هر که مرا اینجا یعنی در
 دنیا بخواب خواهد دید او در عالم آخرت مرا بخالت
 بیداری خواهد دید از بهر آنکه در عالم آخرت آنحضرت
 علیه السلام را جمیع امت آن حضرت خواهند دید
 خواه در سنام دیده باشند یا ندیده باشند گفت
 قاضی رحمه الله تعالی که بعید نیست نزدیک من اینکه
 محتمل بود بهر سبب این یعنی بهر دیدن در آخرت و باشد
 دیدن او آنسر و علیه السلام را در خواب بر صفتی که شانه
 آنسر و علیه السلام بآن صفت و موصوف شده بران
 موجب شده بران موجب بر کرامت این خواب نگرنده
 در آخرت و دیدنش بر ویت خاصه و قریب بآن سر و علیه السلام
 و شفاعت سابقه و بارگاه او مثل هذا از خصوصیت رویت یعنی
 چنین خواب نگرنده آن حضرت صلی الله و آله و سلم را
 در آخرت متربان خواهد دید و این حکم

استحقاق شفاعت بر دوش کمال عنایت عام خواهد بود
 تا اثر ای نار احمسایعیه باید که نه بیند هر دو آتش آن سر
 کسان یکدیگر را ای سنزل سون و کافرت سرب یکدیگر
 بنیاید بود که هر یکی آتش دیگری را به بیند از بهر آنکه آن
 داعی الی الله است و این داعی بسوی شیطانی که جمع
 خواهند شد آن هر دو در آخرت و دور خواهد بود هر یکی از آن دو
 دیگری و بعد نیست که عتاب و عقاب کند از دقتی بعضی نگار
 را در قیامت بازداشتن و محرم کردن آنان از دید محمد صلی الله علیه و سلم
 بنی خود و شفیع خود مستحکم گوید که دیدن بسوی من آن
 حصرت علیه الصلوة والسلام را موافقت نیست
 و سبب رحمت می تواند شد پس این درستی است
 بعضی مذنبین را ازین رحمت باز دارد از کتاب
 ذخیره مصنفه استراعی رحمه الله تعالی است
 که گفت که مانی که رویا هشت هفت می باشد
 هفت از آن تعبیر کرده نشوند یکی از آن تعبیر
 کرده می شود فقط پس آن هفت آن است
 که پیدا شود از اخلاط از غلبه غالب بر بنیده یعنی صفرا
 شود و پنجم خون که رای را مشلوب کند پنجم غلب
 شدن خلط و سوسای رنگ سرخ و شیرینیه و انواع
 می نگردد و سنی در خواب بقتضای رنگ خون
 و طبیعت آن و اگر غالب شود صفرا بیند حرارت

وزنگهائی زرد و زنجفرای سیاهی با قفتای زلف صفرا
و خاصیت آن دو اگر بلغم غالب شود آبها و رنگهای
سفید و زرد و بدست میسند یعنی با قفتای سار
آب چسبند و اگر غالب شود خلط سودا
رنگهای سیاه میسند و چسبند و خوف آرنده
و طعامهای ترش مزه و دانسته می شود این
به لایل طبیب که دلالت می کند بر غلبه این
خلط بر این خواب نگرند و قسم پنجم از این
از حدیث النفس است و دانسته میشود این با کشاد
در رفتار کردن آن حدیث و نفس او بر زبان
بیداری قسم ششم این است که از شیطان
بود شناخته می شود باین که اسیر کند شیطان
این خواب نگرند و اباسدی شکر یعنی کار
زیشت و عمل قبیح خلاف شریعت یا فحالت
سودت یا امری نیک که آخسته شودی یا
سوی مسکونی بظواهر و شنا باشد اما در
باطن زشتی آور بود چنانکه اسیر کند شیطان این
نگرند و راجع نفسی او اگر در آن عیال
و پدر و مادر او ضایع شوند و قسم هفتم گوید که حج نفل او
اگر چه چنین است آنکه نباید اما هرگاه در غیبت او اهل عیالش
بسیب افلاس عدم تعبد می شوند همانا امری بود شکر ناپسند شریعت و منافقت

سفتند آنکه در آن راحت لایم شود اما خوابی که تعبیر کرده
 میشود آنست که نقل میکند آنرا ملک الرویا از لوح محفوظ
 یعنی فرشته که بر روی او کل از سوی خداوند تعالی
 بر سوم لوح محفوظ که گویند امور در آن مرتسم اند پیش
 از وقوع این خواب نگرفته را آگاهانند پس بر آینه ایزد
 تعالی جل شانہ مأمور میفرماید آن فرشته را نقل کند
 بهر کسی کارهای دنیائی او و آخرت او از لوح محفوظ
 انتهی آنچه گرامی گفت رحمه الله تعالی قوله ذکر کرد امام
 ابو محمد عبد الله بن مسلم معروف بابن قتیبه در تالیف خود
 که در آن جواب داد از احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم
 که دعوی کرده شده بود بر آن احادیث تناقض و اختلاف را
 هر گاه که تکلم کرد بر اقسام رویا پس گفت که جنس این نیست که
 که رویا صحیح آن می باشد که آورد آنرا فرشته از نسخه ام
 الکتاب یعنی لوح محفوظ یک وقت پس از وقت دیگر
 پس گفت که حدیث کرد بن سہیل بن محمد گفت حدیث
 کرد بن اصمعی از ابی المقدام یافره بن خالد گفت حاضر
 میشدم نزد یک ابن سیرین که سوال کرده میشد از رویا
 پس نگاه میداشتم که او از هر حال یک خواب تعبیر میکرد و
 این رویا صحیح گردش میکند تا زمانی که تعبیرش کند عالم بالقیاس
 که حافظ بود اصول را یعنی قواعد و اصول تعبیر و موفق بود بوجوب
 پس هر گاه تعبیر کند آن عالم واقع شود آنچنانکه او گفته باشد

قوله فصل و هرگاه بود رویا به تفضلی که ذکرشش مقدم شد
 و هر آئینه معتبر بود ازان حرف یک قسم پس چگونه ممکن بود
 سکون و اطمینان بسوی آنچه بنگرد و آنرا نگرند و خواب خود
 با وجود چنین احتمالات و چگونه ممکن بود اقدام بر عمل کردن
 باخیزد که بیند آنرا نگرند و خواب خود قبل ازان که
 عرض کند آنرا بر کتاب و سنت که ضمانت و تکفل
 کرده شده است عصمت و اتباع آن هر دو این یعنی اقدام
 بالعمل بدون عرض بر کتاب و سنت ازان قبیل است که
 متعقل یعنی مقبول العقل نیست گفت سید من ابوالحسن
 شاذلی رحمه الله که هر آئینه بایز و تعالی ضامن شد به تو عصمت
 و جانب کتاب و سنت و ضامن نبشد عصمت را و جانب
 کشف و الهام و این ضامن عصمت نشدن و جانب کشف و الهام
 در حالت یقضیه و بیداری است که محل تکلیف است
 زیرا که کشف در آن روشن ترمی باشد از خواب پس
 چیست اندیشه تو بکسی که غیر حاضر العقل بود و هر آئینه
 مرفوع شده باشد از خطاب در حالت خواب کردن
 و بودند اسلاف رضی الله تعالی عنهم در حالت بیداری
 که بسا چیز نامیدند و بسویش رجوع نمی کردند مگر بعد
 عرض کردن این نگرسته بر کتاب و سنت بخوابیدن و بسوا
 و رفتار کردن بر آب و جز آن و هر آئینه گفت پیشوائی این کرده
 جنید رحمه الله هرگاه بنگرید شما مردی را که رفتار میکند

پس واجب آمد رجوع کردن درین بسوی آنحضرت علیه الصلوٰۃ والسلام
 و در حیات آنحضرت علیه السلام و بسوی سنت آن علیه السلام
 پس از انتقال فرمودنش بسوی پروردگار خود شش پس اگر گوید
 گویند که هر آینه وارو شد در حدیث سه در بن جنذب
 رضی الله تعالی عنه که هر آینه بنی هاشم علیه السلام هم هرگاه
 نماز خواندی بسوی ما آوردی ردی مبارک بخود پس نه بسودی
 که کسی دیده است امشب خوابی پس اگر دیده می بود
 خوابی عرض کردی آنرا پس فرمودی آن علیه السلام باشد
 این بقول پس پسید روزی ایسا فرمود که آیا کسی از شما
 دیده است خوابی نفیتم فی سپس خود فرمود که لیکن من
 دیدم امشب که دو مرد بر من آمدند تا آخر حدیث
 اخراج کرد این حدیث را بخاری رحمه الله تعالی
 پس جواب این است که این قسم تأیید میکند ما تقدم
 ذکره را زیرا که روایگان همه میباشند و جمیع از جانب
 خداوند تعالی یا خود در حق نگرند یا در حق غیب او تا غیر این
 از آنچه که مقدم شد ذکر آن پس آنحضرت علیه السلام و سلم
 از آنان می پرسید تا آگاه شود باین پرسیدن چه آنچه که
 دیده باشند آنرا پس داند آنرا که از جانب فرشته میوه کل
 علی الروایست یا از غیر او و آنچه که مختص است با آنحضرت
 علیه السلام و آنچه که مختص است بخواب نگرند و آنچه که
 از غیر غیر اوست و از تفحص این پس جمع میکردند آنان بسوی

بر روی آب دمی پردر هوا پس رویتزاید بسویش پس هر آینه
 شیطان هم می پرد از مشرق تا مغرب و قنار یک نهد بر آب
 لیکن نظر نکند سوی اتباع او بکتاب و سنت پس هر آینه
 شیطان قدرت ندارد بر آن گاهی و جادو آن پس اگر گوید که می بینم
 که هر آینه شروع شد اذان بسبب خواب که دیدند آنرا یعنی
 از صاحب در عهد سرور اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس حج اب ایست
 که هر آینه این تائیدی کند بر آن را که پیش ازین بیان کرده اند
 از عرض کردن رویا بر شریعت مطهره پس اگر زوای بود
 جاری کرده شود و اگر مخالف بود مستردک شود یعنی بکارش
 نگیرند بکارش دانند بدلیل این که آنان یعنی در خواب
 نگرندگان اذان را که در شیشه چنین کلمات می گوید عمل نکرده
 آنچه که دیدند تا وقتی که عرض کردند آنرا بر صاحب شریعت
 صلوات الله علیه و سلام پس شروع شد اذان بسبب شب
 دیدن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال الله تعالی و اذینطق
 عن الهوی ان به الا دمی یومی یعنی نیکوید رسول الله از خواستش
 نیست آن مگر دمی که دمی کرده می شود یعنی بسویش و
 دمی دو قسم بود یک دمی بواسطه فرشته دمی دیگر الهام
 زیرا که آنچه که خواب نکرده می نگرند احتمال دارد که در حق
 او بود و محتمل است که در حق عین بر او بود و احتمال دارد
 که از بهر ماضی بود و احتمال است که بهر مستقبل بود
 و بر آن پنجان که حکایت کردند آنرا اصحاب علم تعبیر در کتابهای

آنحضرت علیه الصلوة والسلام نه بسوی آنچه که خود میدید
 آنرا پس همین سان حکم است بعد انتقال آن
 علیه الصلوة والسلام پس رجوع است در این سوی شریعت
 آن علیه الصلوة والسلام نه بسوی خواب نکرده برچرخ
 که مقدم شد ذکر آن پس سرگام عرض کرده شود رویا
 بر کتاب الهی جل شانہ پس اگر موافق بود پس آن حق
 و بشارت است از هر خواب بیننده یا هر کس
 که نکرسته باشد خواب نکرده از بهر او بقول آنحضرت
 علیه الصلوة والسلام که باقی نمانده بعد من از نبوت مگر
 مبشرات که مینماید آنرا روی صالح یا دیده شود از بهر او یعنی
 در حق و همین سان تعیین است عرض کردن بر کتاب و سنت
 آنچه که جاری شود برهست بعضی میان کمان تابعان آنحضرت
 علیه الصلوة والسلام از حرق عادات، همچو کثیر شدن چیز
 قلیل و مثل پریدن در هوا و رفتار کردن بر آب و صفائی باطن
 و دیدن نور و شنیدن خطاب و هوای غیزه
 از احوال رفحیه آنان پس هرگاه عرض کرده شود
 این بر کتاب سنت پس اگر موافق بود آن بشارت
 و تائیس خواهد بود از بهر کسی که واقع شود از بهر او یا در حق
 غیر او و همه این از آن قبیل اند که سکون و قناعت
 کرده نمیشود و هر چیزی از آن پس اگر سکون کند کسی خوف
 کرده میشود بر آن و هر گفته اند که کرامت کرامت است

تا وقتی که حدیث و گفتار نکنند آن بغیر ضرورتی که سود می و مفسد
 شود و بسوی آن یا تاز کنند آن یعنی اگر بی ضرورت ظلم باز کنند آن
 از قبیل ناز و کبر است مترجم گوید که اگر کسی کرامت خود بدون
 ضرورت بر آنند فاشش کند یا پایه برتری و رفعت شان خود
 داند و بغرور و غرور چنین کرامت یعنی شمع منق عادی کرامت است
 زیرا که عظمی چون صحر و یا دیگر نفس این منضم شود و متعین است
 بروی بالین کرامت است که کردن بر آنچه که تشنه لطف داده شده
 بروی از علامات قبول بقول رسول الله صلی الله علیه وسلم قیاد
 الفهم بالشکر یعنی مقید کنی به نعتها را بشکر یعنی وقوع کرامت را
 سر مایه نیایش و سپاس این روی کنیده بفاعت
 نه و کبر قوله و متعین است بروی ترسیدن ازین که مبادا
 این کرامت از قبیل استدراج بود یا از شیطان جیم
 و گفت کاسه قسطی در نزد الله تعالی علیه که اگر کسی در
 بوستانانی در آید و در آن اشجار کثیره باشد و بر سر شجر
 طاعری آید و در بران فیض السلام عظیم با وی الله یسیر
 بشکر ازین که این مکر بوده باشد پس پس مکر بوده باشد
 یعنی مکر کرده شده با و و بغرور و رانداخته شده مترجم گوید
 شاید بگمان رفعت پایه خود سسش از مسنگ قیاد
 تنزل بدوری افتد و بفاعت کرامت و طاعت او بر ایشان
 در آید و گفت ابو بکر بن العربی در کتاب خود می گوید که
 استناد ابو علی و قاف و قول رسول الله صلی الله علیه وسلم

جاییکه گفته شد با حضرت صلی الله علیه و آله وسلم بمعیشت
 السلام بر روی آب میرفت پس نزد آنحضرت علیه السلام
 و السلام اگر نشسته روی زمین بر آئینه شیشه ای ایستاده بود
 پس گویا می ایستاد ابو علی و فاق گوید جزین نیست که از آن
 نبی علیه الصلوٰة و السلام خود را و اشاره کرد باین قول بود
 نفس تیارک خود پیش در شیب سبزی زیرا که در میان آن
 بسرا و سوراخ است که بر آئینه آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
 نشسته بود که بر آن سیدم بر حضرت دیدم براق را که تا نزد
 رفت که مردم یعنی رفقا و پیروان آنسور علیه الصلوٰة و السلام
 در هوا سوی ملک اعلیٰ جل شانہ و بعد از همین اشاره کرد
 جنید رحمت الله تعالی باینکه گفت که بر آئینه رفت که دروغ
 مردان بسبب نقص بر روی آب و نشسته بر آئینه
 در آن در میان خود نشیانی ایستاد و از رفتن آن سید
 علیه الصلوٰة و السلام در هوا سوی ملک اعلیٰ یا تنزیه و تقدیس
 است از بهت و مکان یعنی اینجا نمی بود و نه مکان قوله
 بود سیدین ابو محمد علیه السلام می گفت که بر زمین کرانه
 این زمان اتنا گشت است و بیداران گرفتار آن در
 این در چیدان بیداران بر سبزه آنچه که دارد و خود
 بر روی آب و وقت و هنگام را استوار نیست تمام
 و در فرق است و اطاعت بکار بر آئینه است و اول
 از اصلی الله علیه و آله و سلم و ترک وادار و است

دو دشمن داشتن بدعات را در ترک کردن توجه و التفات نمی
 کسیکه مرتکب شود بدعات را یا خوشنود شود یا آن بدعات
 زیرا که این نیست زمان آن نیست درین زمان سببی
 که اعانت کنند بر آن اگر فضل خداوند تعالی و از بهر
 آن که پیشتر مردم درین زمان بسبب عدم یقین
 و ضعف ایمان بسکون و پسند نمی کنند با آنچه که سنت
 داشته شده است بر آنان و عطا شده آنان را از ابتلاء
 و ملازم خیر بودن و سبب رحمت کردن بسبب خیر
 تا این که پیشتر کرامت یا خواب در حقن و هر یک
 از این یکبار است محتمل چیزها و دست است
 کتاب و سنت احوال نمی دارد و گریب وجه را و
 آن توفیق است زیرا که آن خلعتی است که داده
 شده است بر آن کس از جانب ایزد تعالی سبب نمی
 بیند از اگر اهل صدق و ارباب تصدیق است
 و بهرین موبد است آنچه شیخ و بلوی در مدارج ائمه که
 دیدن حضرت رسول خدا صلی الله علیه و سلم در خواب
 هر چه که باشد درست و درست است باریک بیننده
 حضرت صلی الله علیه و سلم را دیده است بهر چیز که دیدن
 بصورت خاص اتم و اتمست و لذت حال در آن است
 را آئینه خیال صافتر و بنور سلیم و معجزه تر و درستی او است
 و کمال است باطلانی آئینه پس از این که حضرت علیه السلام

که به میفرماید بقتل حرام گفته شد که عمل نکرده میشود بر آن
 چرا که این از صفات تنجیل است نه مرئیه در روضه گفته
 هر که عمل کرده شود بمسئوم از آنحضرت صلی الله تعالی علیه و آله و سلم
 در مقام متعلق با حکام بحیث عدم ضبط راسی نه بحیث شکرت
 رویت شریف پس تحقیق خبر قبول کرده نمیشود مگر از ضابطه
 حکم و خوابنده مخالف این است این خبره گفته که پیش
 کرده شود کلام او صلی الله تعالی علیه و آله و سلم در خواب بر سینه
 پس آنچه موافق باشد حق است و اگر برخلاف
 آن باشد دانسته میشود که در آن خطای پیدا شده است
 در ساعت رانی شیخ عبید الحق از شیخ خود او از شیخ خود
 حسام الدین متقی نقل کرده که میگفت آمد از دیار مصر یک
 استفتاء که سوال کرده بود در آن از شخصی که دید آنحضرت
 صلی الله تعالی علیه و آله و سلم را در مقام در حالیکه میفرماید بخوردن
 شراب پس نوشت هر کس که پرسید با او از تا و بلدت
 و این تا آنکه رسید به شیخ محمد عراق و بود شیخ موصوف
 متجسنت پس نوشت در جواب آنکه هرگز نمیند غلط
 کرده است حسن آنکس بر آینه آنحضرت صلی الله تعالی علیه و آله و سلم
 فرموده است هر آنکس را که هنوز جز را البس غلط کرده حسن
 آنکس را واقع آنکس را در سماعت غلط که به میفرماید
 حضرت صلی الله و سلم علیه که بخوردن
 را البس این غلطی حسن است و البس نقط

فائده اولی در بیان حلیه صورت مبارک آنحضرت صلی الله تعالی علیه
 وآله وسلم که لابدی است از آن را فی المنام را و آن این است
 که بود قدیم چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم سیاه بود نه دراز و نه کوتاه و نه بسیار
 فربه و نه بسیار لاغر و گوشت بدن مبارک بسته و چیت بود نه سست
 و با هر بلند قدیله رشتی و یا نشسته از روی عجزه از و بلند تر نمودی و سر مبارک
 بزرگ بود اما نه بسیار و موی و جوش سیاه بود خم و پیچ در آن بسیار
 نبود مثل موی جیشیان و نه بسیار نرم فرو بسته بود بلکه سیاه این صفت
 گاهی بنصف گوش و گاهی بر دوش و گاهی مابین این هر دو میرسد
 و چهره منور کف ده و فراخ بود و هر دو چین منور و روشن و هموار و صاف
 و ابروان مبارک باریک کشیده همچو کمان بوده و با هم پیوسته نبوده و
 سیان دو ابرو رگی بود که وقت غضب ظاهر شدی و چشمان
 مبارک کش فراخ و کشاده بود و سیاهی آن بسیار سیاه و سفیدی
 آن سخت سفید و میان آن رنگهای سرخ مینمود و مژگان مبارک
 دراز و بسیار بوده و رخساره زیبا هموار و مایل بدرازی بود و بینی
 شریف اندکی بلند و برابر بود و مرآت انوری بود اگر گوش
 برآمده که چون کسی تا فلان نیکو و می پنداشت که اشتم است
 و درین مبارک کشاده و بغایت سلج بود و لبهای
 مبارک باریک و صبر دندان الطف و بر لب زیرین
 مبارک خالی بود و دندانها فشان سفید و براق
 بودند و تیز و باریک و میان دندانها کشاده و وقت
 تکلم گو یا نوریه از آن بری آمد و در و مبارک اندکی

گرد و چون ماه شب چهارم سپید رخسید و رنگ رو
 وی صلی الله تعالی علیه وآله وسلم سخت سفید نبود و سخت
 گندمگون بکنه سفید و اندکی کخی آمیز بود و رنگ بدن
 مبارک هم سفید و نورانی بود و ریش مبارک انبوه
 و بدر از می یک مشت و بر و تنها حسن بیوت و در موهای صغین
 چند موی سفید نظر ابرش را بود و مجموع موی سفید در ریش
 و ریش قریب به بست بودند و گوشهای مبارک در تمام خوبی طاق
 بودند و گردن مبارک در بدن می متوسط و نهایت صفا بود
 و سیاه دوشانه از یک گرد و می بود و سینه بی کین بهن و شکم نرم
 و بایسینه با هم یکسان و هموار بود و در میان شکم مبارک شکن نبود
 و بود شکم مبارک با یک غیر بر آمده و تهیگاه غیر فرو تشبیه و سیاه دو
 شانه مبارک مهر نموت بود و ایل بجانب یسار روشن و تابان
 مختلف میشد در قد و ولون بحسب اختلاف احوال
 و از سینه تا ناف خط باریک از مو کشیده و باقی شکم و سینه
 بی مو و بازو و دوشش و جانب بالای سینه مویدار و سرها
 استخوانهای مفصل اعضا مبارک بزرگ و سطر
 بازو و بند دست دراز و متوسط و کف دست کشاوه
 و نرم تر از حریر و هر دوران پیرزینت و زین سطر با باغند
 و سفید رنگ بودند و ساق پا به اندک باریک
 و سفید رنگ بودند و ساق پا به مبارک
 اندک باریک و سفید رنگ و انگشتان

دست مبارک پر گوشت و دراز و سبابه پا زد و دیگر گشتان
 پا دراز و پاشنه کم گوشت و کف دست و پای پر گوشت
 و زیر پای اندکی برداشته از زمین و پشت پای مبارک هموار
 و نرم و استخوان کعبین بلند و بیابندی مناسب حاصل
 سخن آنکه همه اعضا می شریف و پیکر لطیف
 و صلی الله تعالی علیه و آله و سلم در نهایت خوبه
 زیبا و اعتدال بود و ویرا صلی الله تعالی علیه و آله و سلم احی
 و حسن و جمال شریک و همت نبود و هاشم شانه +
 بهو العبدیم بیانه به فارسی به هر چه اسباب جمالت خج خج
 همه بهر وجه است کمالا نخی به وصالی می نیارم زدن به وصف
 وصف حسن نه حد امکان است به فائز دثانه در بیان تعبیر
 دیدن پیمبران علیهم الصلوٰۃ و السلام را در خواب
 چون انبیا علیهم السلام را بشاش و راضی بیند
 دلیل بر خیر و صلاح صاحب رویا باشد و بالعکس
 بالعکس بود باید که توبه کند تا از آزار آن شدت
 فرج یابد و اگر مبتدیان را علیه السلام
 ابشت نقض عهد کند که فیما نقضهم میثاقهم
 و کفر هم آیات الهدی وقت لهم الانبیا بغیر حق
 ترجمه پس بکشتن ایشان پیمان خود را
 و جهت کفر ایشان بتوریت یا قرآن و به
 سبب کشتن ایشان پیغمبران را ناعاق کردیم

بایشان آنچه کردیم از لعن و سحر و انواع عتوت
 و مجمل این احکام آن است که هر کس که ام را از
 انبیای علیهم السلام که بیند اگر منبسط
 باشد از مواهب او نصیب یابد و اگر منقبض بود از عتاب
 او اثری بوی رسد و قصد اکثر ایشان شهرت
 دارد و اگر دید که پیغمبری باشد از مشایخ پیغمبران
 تابع او شود و بقدروا سع خود در آن کوشد اما بامر دم
 در جدال افتد بعبادت متابعت عاجل براتب
 اجل رسد و لقا جاک من بناء المرسلین ترجمه
 و هر آئینه آمد بتواضع فرستادگان که اعم ایشان
 چه آزار بایشان رسانیده اند و ایشان صبر کرده
 آخر غالب شدند و اگر شریف النفس
 بیند که در عهد پیغمبران است صلاح
 صوری و فلاح معنوی یا بدو اگر مستحق ولایت باشد
 بحسب حال خود بترتب رسد و اگر دیده که یکی
 از انبیای علیهم السلام کلمه با و است
 گفت تجب خمیر و شر آن نفع یابد
 و ضرری بوی نرسد شاید شود چهره انبیای
 علیهم السلام را حکم خواب و بیداری
 یکی باشد و اما حکم مفصل آنست
 نظم که حضرت آدم به بیند محل از باغ ولایت شاد چیند

مظلم کسی که حضرت آدم پند بشای شاد گردد و طبع سلطان بصوف آمده حکم شریفه و ازین گفته اند	کل او باغ ولایت شاد چید قضا کرده بقاضی فرستد که آدم بر زمین باشد خلیفه هر که آدم بخواب درمید و گویند که عالم بر تبه علم بود که علم
---	--

آدم الانسما کلمات ترجمه یا موقت حق سبحانه تعالی آدم را که خلیفه
عشرت از بود نامهای مخلوقات همه آن از علویات و سفلیات و حاصل
آنکه هر کس را بر وفق حال خود و طبق فصاحت و مجال و دست
رو نماید و اگر دید که آدم علیه السلام او را چیزی داد و بقدر
آن منتفعی یابد و اگر او را طول بنید از مقام خود متفرج
شود و نعمت او را و ال یا بعد از ان بوسیله
لطیفه غیبی بفرج رسد که قلمی آدم بین رتبه کلمات
نقشب علیه ترجمه پس فرو گرفت آدم از پروردگار خویش
سستی چند که آن بقول اشهر این است رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا
وَأَنزَلْنَاكُمْ تَقْصِيرًا وَتَرْحُمًا لِّكُلِّ شَيْءٍ مِّنْ أَعْيُنٍ سِرِّينَ چون
آدم این مناجات کرد پس خدا می تقاضای قبول کرد و بپذیرفت
توبه او از تقصیر حسینی و گفته اند هر که آدم علیه السلام
و دشمنی با او در اندیشه و شاید با او سوگندی دروغ خور و بعد از آن نجات
یابد چنانچه در قصه آدم علی بنیاد علیه السلام در این مکتوب است و کیفیت آن میان
خاص و عام مشهور و اگر چنانکه خوارا بنید بر روی نصیحتی متعبد شود
و فرزندان متعبد باشند اگر غمگین باشد شادی یابد

نسخه خطی
کتابخانه
مخطوطات
آستان قدس

چادر کسکه آدم علیه اسلام در خواب دید تدار بود
 علیها اسلام و چون بیدار شد همان وضع پیش او
 نشسته بود و خلق پنهان و چنانچه ترجمه و سافه از همان
 ای از آدم بخت او داد ان بشاشت عظیم یافت
 حضرت شیت علیه اسلام و آنکه اشیث بنید اندر خواب
 عمر و فرزند یا بد و اسباب تا هر که ادریس علیه اسلام را
 بیند در محل دسغ تمام یابد و خانت او بخیر باشد و اگر
 لوح علیه اسلام را بیند عمرشش دراز باشد اما از اشهر
 خلافت بسیار کشد و آخر الامر خدا برایشان اجر بخش
 مادر از زمان همسری فرزندان خلف و ناطف
 آیند و در جمیع احوال کافه در شکر گذاری بروی
 بمشایند بقوله تعالى من حملنا مع نوح انه كان عبدا
 شگور از ترجمه برآمان را که بار کردیم با نوح
 او بود بنده شکر گذار و اگر بود علیه اسلام را
 بیند جهان بروی تسلط نماید و عاقبت فتاح
 حقیقی در غایت بروی بکشاید چنانچه در قصه نجات
 او ظاهر است و کثرتا هم برین خدا پی غلیظ ترجمه
 و نجات دادیم ایشان را از عذاب غلیظ و از اینجا گفته اند
 بود اگر بخواب در بیند بر همه دشمنان
 غلبه بیند و اگر صحاح علیه اسلام را بیند در بعض
 سفاهت و از همه الامراض شافع تائید

آسمانی گل طفس چینه و اگر لوط علیه السلام
 را در خواب بهمانه و شاه آرد و حج بیت الله
 بگذارد و اگر ابراهیم علیه السلام را در خواب بیند
 از ظالمی در محنت افتد بعد از آن تو فقیح یا بد
 و اورا بمهری لایق کرامت شود و گویند
 ریاستی یابد و صاحب قانونی شود و آنچه
 یکتا ابراهیم ترجمه اکنون تابع شود وین ابراهیم
 را اولادش دشمنان امین گردد و گویند که
 و لایقی یابد و اگر از اهل آن باشد تو مگر شود
 و اورا در پیرایه نهند آن مبارک قدم آیند
 و بقدم ایشان تخت بروی نهد و سرافراز شود
 و اگر اسمعیل علیه السلام را در خواب بیند ضاحت
 و ریاست یابد و شاید که بنیاد مسجدی کند
 و گویند درجات از جنت پیراسته می یابد و سفری کند
 در مردم از و منافع یابند و ممکن که از نسل او ملک
 آیند و ابواب خیرات بروی مفتوح شود و اگر اسحق را بیند مهمل
 عظیم یابد چنانچه شرف پاک رسد و بعد از آن خلاص
 یابد و بیشتر دستگیر شود و تواند بود که اورا دو پسر
 آید یکی مطیع و یکی عاصی و اگر یعقوب علیه السلام را بیند
 به نعمت های دو جهان محظوظ شود و با و لاد
 استظهار یابد و بواسطه ایشان عز و ان شود

و بعد از آن سرور گردد و بزرگ طاعت و عبادت
 کمال خیریت و سعادت یابد و ممکن که پدر اب
 بصیر متولد شود و باز بروشمنه رسد و اگر نرسد می ناب
 داشته باشد او را برادر بازیند و اگر یوسف
 علیه السلام را در خواب بیند خوششان باد و سعادت
 کنند و بعد از آن فقر یابد و سیئات ایشان
 را با حسان مقابل کند قال اگر یوسف را یوسف
 یغنی الله لکم و هو ارحم الراحمین ترجمه هیچ نرسد
 نیست بر شما امروز هرگز گناه شمار بروی نیاورم
 بیا مرزد و طاعتی تقاضای شمار که اعتراف کردید بگناه
 و او بخشنده ترین بخشنندگانست و توفیق صدقه رفیق
 باری رفیق او شود که و صدق علیه السلام ان الله یخفی
 النقص بقین ترجمه تصدق کن بر اقبال قبول بیاعت
 مایزیادت بهای متاع مایه رستی که خدا پاداش
 و هدیه نکوی امان را که از تفضل تصدق نمایند
 حاصل آنکه در مقدمه ملائکه یابد که طاقت
 آن حال باشد چنانچه گفت اند
 و چون یوسف بود و یوسف
 و در نهایت آمده این سه پیرین رحمت الله گفت
 که در دست دیدم که سه کمال
 نصیب و جوایز صاحب حال آسجا بودند که

چون مرابت کھول در من اثر کرد و نژد یک جوان
 بنیستم و از اسم و نسب ایشان پرسیدم
 گفت من یوسفم و ایشان پسران من اند
 ابراهیم و اسحق و یعقوب گفتم از علمیکه
 خداے تعالیٰ بتو از اسے فرموده و اقلیمی
 فرما و مان بکشد و گفت نظر کن تا چه
 می بینے گفت زبان ترا سے بنیم باز و مان بکشد
 و گفت نگاه کن که تا چه سے بنی گفتم دل ترا می
 بنیم فرمود که تعبیر کن و از هیچ مشکل خائف
 مباش چون بیدار شدم بر خواب که بر من
 عرض کردند خود را چنان یافتم که تعبیر آن
 در دست من است و حجام میانی گفت یوسف را
 بخواب دیدم گفتم آنچه حق تعالیٰ ترا تعلیم فرموده
 نصیحه بمن بفرما از اسے فرمای فرمود که دمان بکشی
 کشت دم آب دمان خود در دمانم انداخت و چون
 از خواب بیدار شدم سر آمد معبران عصره خو
 بودم ابراهیم کرمانے در خواب وید که یوسف
 علیه السلام با او سخن گفت و از علم او بهره
 خواست گفت بر خیز و برو پیاده من
 خود در دست یوسف بنید چون بیدار شد
 در قسم عبارت چنان صاحب عبارت بود که مشهور عالم شد

اگر یونس علیہ السلام را بنید در طلب امرے و شوار سے
 بسیار کند و از ان در مضیقه خوف افتد و بعد از ان نکاح
 یا بد و سنی نفس الامر معامله او با قومے خدا ترس
 باشد و اگر شعیب علیہ السلام را بنید بمعامله اهل خیانت گرفتار
 شود و شاید که در کمال و نیزان بود و در عرض تکلیف آید
 و بعد از ان برایشان ظفر یا بد و او را در خسترا ن مبارک آید
 و اگر او را الزام بیند ممکن که نابینا شود و اگر موسی و هارون
 را بنید جبار سے بواسطه از و هلاک شود و گویند رویت
 موسی علیہ السلام و رویت ابراهیم علیہ السلام و رویت
 محمد صلی الله تعالی علیه و آله و سلم یکے باشد و اگر هارون
 علیہ السلام را بنید امام قوم شود و مابقیش را اگر دو گویند
 دیدن موسی و لالت بر نهر ارباب حق و کد اصحاب باطل
 کند و اگر در ان وضع ظالمه استیلا یافته باشد هلاک شود
 و اگر تسبیح علیہ السلام را بنید کار بسته او گشاده شود
 و اگر ایوب را بنید بجلا استیلا یا بد و بقوات مال و فوت
 اهل و عیال منتقم شود و بعد از ان هیچ مزاج شود
 و مثل آنچه فوت شده باشد باز بوی برسد و نو عینا
 اخله و شکم معتم رخه برنا تر جمید و کج شهیدیم او را نیست
 بوسه عطر که دیم گمان او را نیست نه سر زندان
 او را زنده کردیم و مانند ایشان ایشان تاده لاد
 او و در برابر آن شدند که بودند بر اسے بخشیش

کہ فاضل باشد از ما از تفسیر حسینی چنانچه گفته اند
 هر که ایوب بیند اندر خواب استقامت یابد از هر باب
 و آخر کار او نکو گردد و چرخ گردان بکام او گردد
 و آنکه داود بیند اندر خواب سلطنت یابد و ثواب
 و کیفیت ماکان از مرتبه عالی و درجه تعالی غایب مانند گویند
 در خطای افتد و از ان ندامت کشد و او را معارضه
 عالم تو سه حال پیش آید و از و نجات یابد و گفته اند هر که داود
 علیه السلام را بیند حاکمی عادل چنانکه عدل در میان مردم
 باشد یا عاقلی بدل ظالمی گردد و بقوله تعالی فان ظلم
 بکین الناس باحق ترجبه پس حکم کن در مردمان بحق
 و بقوله عز وجل و اکبر و قتل داود حالوت ترجبه و گشت داود
 بن ایسا علیه السلام جالوت را بسنگ فلاخن که بر خود زد و
 خود را در سرش شکست و فخر او پریشان شد و لشکر او
 تار و مار گشت از تفسیر حسینی و اگر صاحب رو یا مستحق قضا تواند
 بود قاضی شود و اگر سلیمان علیه السلام را در خواب
 ببیند هم ازین طور منصب یابد و از علم ظاهر
 و باطن بتجسس فقه مخطوط گردد و بقوله تعالی
 ففکرت انما سلیمان ترجبه پس تعلیم دادیم
 حکومت سلیمان را از تفسیر حسینی
 دیگر او را بر سریری مرده بیند و الی آن موضع
 وقت یابد و گویند که او را سفر اتفاق افتد

و دوست و دشمن مطیع او شوند و برادرات رسد
 و اگر زکریا علیه السلام را بیند او را در سن کمولت
 پسری آید بقوله تعالی و وَهَبْنَا لَهُ یَحْیٰی رَحْمَةً
 وَنَجْنِیدِیمْهُ اَوْ رَاٰ یَحْیٰی پسرے کہ زندہ شد بدو معلوم
 دین از قفسِ حسینی چنانچہ نظم گفته اند

زکریا را بخواب در دین | در کمولت بود پسر دیدن

و اگر توفیق بود بشرف خاکبوسے برسد بیست
 میان بند چو دیر بندگان آسنا کر و در کار آرد چو دیگر
 چاکران آسنا مراد و مگر بجای علیہ السلام را بیند
 در تقوی و عید و هر دیند پدید عصر شود لقوله
 تعالی لَمْ یَجْعَلْ لَهُ مِنْ شَبْلٍ سِیمًا ترجمہ نیاں سریم
 اور پیش از او مہنامے سے پیش از یحیی یا عیسی نام
 نہ زند یحیی نکرد از قفسِ حسینی و از بخت گفته اند

ہست در خواب دیدن یحیی | آیت زہد غایت تقوی
 و ربیبی رسید بیندندہ | کار مردہ برد شود زندہ

و گویند مبارک دم و میمون قدم باشد و از علم طب نصیب
 تمام یا بہ و اگر در آن سعی کند نیک حاذق شود و مشکما
 بردست او آسان گردد و اَبْرَئِیْمُ الْاَلَکَمَہُ وَالْاَبْرَصُ اُحْمٰی
 النّوَسَیْ بِاِذْنِ اللّٰہِ ترجمہ ویر می کنیم تا بینا سے
 فادر زاد از علت علانیہ او و ایک میبازم شخصے را
 کہ بعلت برص مبتلا شد و زندہ ہو گیا و انہم مردگان را

و گفته اند که او را دهان سال پنج مکرده نرسد و اگر مریم را بیند
 بعد از تحمل طالی بمرتب جلال منتفی شود و اگر دین خدای حاکم
 بیند او را پسری بزرگوار سیح آثار آید بلی شاید که تهنیتی
 بر وی دهند و برات ساعته رود و ظاهر شود و اگر بیند
 که مریم را سجده کرد از بادشاه عزت و حرمت بیند
 در حکایت آله و کت که یکی از نصاری عیسی علیه السلام را
 در خواب دید در طوریکه وصیت میکرد و نصیحت میکرد
 که از ضلالت بگریزید و اضلال دیگران نکنید و باسقف
 گفت و تعبیر کرد که صاحب این خواب از غم خلاص
 شود و علی حسب استحقاق بشوکتی اختصاص
 یابد و اگر صاحب به بیند برکت تمام بحال و مال او برت
 کند و هیچ مضل متعمری او نتواند شد و اگر دانیال علیه
 الصلوٰۃ والسلام را بیند بر علوم قادر شود و خاصه
 در علم تعبیر ما هر گردد و یا از حب رهای ازیتی یا بر وجه
 و بعد از آن بر دے مستولی شود و انتقام کند و
 گفته اند هر که او را بیند مسرتبه امارت یا منصب
 وزارت یابد و از مسر علوم فواید بسیار بوی
 آید و در حکایت آمده که ابو عبید الله با علی
 بن خواب دید که جد و انبیال علیه الصلوٰۃ
 والسلام بر دوشش داشتند و او را بر سینه
 دیوار دے نهادند و زنده گردانیدند

و بادی هم سخن شدی نه بودی که ترا بشارت باد که
از حبس و رسته انبیاء علیه السلام خوابی
شد و یکی از ائمه اهل تعقیب با سب
و چنان شد و شخصی در معبری پیراهن درویشی
پوشید و شب دانیال علیه السلام را در خواب
دید که انگشتی بر غل در دهنش کرد چون بیدار
شد از عالم تعقیب حظ و نبرد داشت چنانچه در آن
عهد اعبر بود و اگر حضرت خضر علیه السلام را در خواب بیند و را
موضع گرانے واقع شود و بعد از آن ارزانی شائع
گردد و کار دشوار بر و س آسان گردد و
اگر عزیر علیه السلام را در خواب بیند
در آن موضع همچنان گرانے شود و بعد
از آن ارزانی شائع گردد و امن و جمعیت
شمول یابد و اگر حضرت الیاس علیه
السلام را در خواب بیند بجنب در است
و کیاست امامت و ریاست یابد و اگر ارمیا علیه السلام
را در خواب بیند آن موضع را از آتش خطر بود باید که
پر حذر باشد و اگر مصطفی صلی الله علیه و
سلم را در خواب بیند همان حسن صورت و کمال خلقت
که در سیرت نامه مبارکش مذکور است و میان علما و محدثین مشهور
از تمام شدت مانسرح یابد و از مجموعی بلا یا محفوظ

ماند و از درخ آسن شود بقوله عليه الصلوة والسلام
 من راني فلا يدخل النار ترجمه همه کس که
 دید مرا داخل نخواهد شد در آتش و عوام آن موضع از
 میا من این خواب مخطوط شوند که دمار سناک الارحمة
 للعالمین ترجمه و نفستادیم ما ترا ای محمد صلی الله
 علیه وسلم مگر بخوابی مرا عالمیان را از تفسیر خنی و
 اگر برخلاف این بیند دلالت بر ضعف آیه کند و بر آنکه ثبت
 را در آن موضع غلبه باشد خصوص که ادراک بجا نه نامناسب
 دیده باشد و اگر ادراک چنان بیند که در نقاست
 بود چنانکه بسیار در جبر باشد دلیل بر توبه اهل
 آن موضع شود و محققان گویند دیدن او صالح
 را بشارت باشد و طالح را نذارت که انا اهلنا
 شاید او مبشر او نذیرا ترجمه بدستی ما فرستادیم
 ترا گواه بر تصدیق و تکذیب است و مرده و سنده بریت
 و بیم کننده از عقوبت ما و این اصح اقوال
 و ادفع وجهه می توان بود و تتبع او دلیل
 است و ابا شد و اتبعوه لعلکم تهتدون
 ترجمه پیرو کنید شما و را شاید که هدایت
 یابید و اگر دید که در حالتی که پیغمبر با خود
 سوار بود سواره بر و طحله مبارکش بود
 و اگر پیاده او را دید پیاده رده و اگر دید که پیغمبر در خرابه

عینی
 زیاده

بانگ ناز میگفت آن موضع آبادان شود که اذن فی
 الناس طریح الایه ترجمه ونداده امی ابراهیم علیه السلام در بیان
 مردمان و بخوان ایشان را بچ خانه خدای تعالی از تفسیر حسین
 چه یک خراب بود و بمقبره و مزارش مردم در آن جمع شدند و
 عمارت کردند و اگر دید پیغمبر او را چینی و او بقرآن چینی بومی رسد
 که عبد الله بن ابی طالب شیبانی که یکی از افضل شعرال بود و خواب
 دید که پیغمبر او را قلمی دادی و فرمودی که بدان کتابت کن که امام خلق
 شوی چون بیدار شد اتفاق بی تعلیم علم مشغول شد و اقل
 آنکه تفسیر و اعلم علمای تفسیر گشت و یکی از اهل ثقه
 چنان دید که پیغمبر او را عصای داد و چون بیدار شد بر همان
 عهد خود غالب آمد و اگر دید روی او چینی می بخورد و یا
 باید که زکاة دهد و اگر دید که فرزندان پیغمبران است دلالت بر
 تقواست او کند کل تلقی آلی ترجمه یعنی هر چه پیغمبر کار آل
 من است و اگر دید که عضوئی از اعضای پیغمبران بود
 بود مبتدع باشد و گوشت آثار مبارک او همین اثر باشد
 و العبد علی الراوی بنا برین باید که بتوبه مشغول شود
 و اگر دید که از عنایت محبت خون پیغمبر است
 می خورد و در غایت شهید شود و اگر دید که با شکار
 مشغول می بود خون اهل بیت او نخورد با پیغمبر خون
 کند و اگر سر بیفتد که پیغمبر وفات
 یافته بود یکی از سادات با دیگر یکی

از سالرا کابر اسلام وفات یابد و اگر دید که با پیغمبری
در جنگ بود بواسطه ابدعت مصیبتی عظیم در آن موضع
واقع شود چنانچه واقع او بدان تازه گسرد و اگر
دید که در تشنجه بن تازه پیغمبر بود تا او را دفن کردند
در بدعت باز ماند و اگر دید که روضه مقدسه او را زیارت
نیک کرد چنانچه تمام بوی رسد و در حکایت آمده
که علی ابن عیسی گفت چون از وزارت مقتدر ممنوع
شدم در خواب دیدم که بر دراز کوشی سوار بودم
و پیغمبر علیه السلام را دیدم رعایت او داشته
فرود آمدم فرمود که ارجع الی مکانک و چون بیدار شدم
دگر باره وزیر شدم و منقول است از امیر المومنین
حسین رضی الله تعالی عنه که از خواب بیدار شد
و رفتی میفرمود و ام کلثوم صاحب منار و قرضی
الله عنهما از مسووب آن پرسید فرمود
که جب حنود را در خواب دیدم که میفرمود
التبرعون السیر و التمسنا یا تسرع بکم
الی الجنة ترجمه ای شتابی میکنید در
رفتن و خیال آنکه من گناه شتابی میکنم تسما
بسوی جنت گفتم ای پدر مرا بعد از ویت حیات
بسر اجعت دنیا نیست فرمود لا بد لك من الجنة
الی الدنيا و هی ساعتی لم یکذب فیها قمر جمعه ضرور است

براے تو از رجوع بطرف دنیا و آن ساعتی است
 کہ نیت در گردون گاہے و بعد از آنکہ نماز پیشین
 او افسر بود شهید شد و این دلیل می شود کہ اصح
 رویاے رویاے قیلوله است و ثابت است کہ ابو
 حنیفہ در سن طفولیت در قبر پیغمبر رفتی و متحوان مبارک
 او را جہنم کردی و بیرون آوردی و با ابن
 سیرین گفت او تعبیر گفت کہ علم پیغمبر صلی
 اللہ علیہ وسلم راجع گئی و احیای سنت او گئی
 چنین شد کہ فقہا اتفاق کردند کہ کل الناس فی الفقہ عیال
 ابی حنیفہ رضی اللہ عنہ یعنی ہمہ مردم در علم دین عیال ابی
 حنیفہ اند و ام الفضل با پیغمبر گفت چنان دیدم کہ پاره گوشت
 از اندام مبارک تو بریدہ شدی و در کنار من افتادی فرمود
 خیر ایت انت لمد فاطمۃ انشا اللہ علام فیوضع فی حجرک
 ترجمہ نیک خواب دیدہ تو خواهد زائید انشا اللہ فرزند پس
 نہادہ خواهد شد در کنار تو و حسین رضی اللہ بوجود آمد و در
 کنار او پرورش یافت و زنی بخواب دید کہ پاره گوشت
 از اندام مبارک در خانہ د بود با آنحضرت صلی اللہ علیہ
 وسلم عرض داشت فرمود کہ فاطمہ را پس
 آید و تو مرضہ او سوگ حسین آورد و آن زن اورا شیر داز
 و تشخیص کہ در صحت اعتقاد او تردد دے
 بنود خواب دید کہ پای برادر مبارک پیغمبر خدا نہادہ از آن بیدار شد

تلق و اضطرارے داشت عظیم و قصه
 با ابن سیرین باز را ندان و کے سوال
 نه نمود که شب با موزه خفته بودے گفت
 بلی گفت که پسرون کن چون پسرون
 کرد در زیر پائے او در سے سکوک
 بود بدین لفظ که محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم

ابیات

<p>رشد او را فراید از اصحاب صدق و نیش بود علی التحقیق حکم او عدل باشد از همه باب انس گیرد بطاعت قرآن با سخا علم و پر دلی بیند هست تعبیر خواب شان کردار اثری یابد از کمال بنی که دو نور آیدند ز الوار ش با عبادت بگوشه نشیند بر همه دشمنان شود ظاهر همه دانشی شود رهبر بر کمال تو کلیست دلیل راضی آید با تقضای قضا که تقوا شد دلیل بر تقوی</p>	<p>و آنکه بیند صحابه را در خواب اگر خواب آیدش مثل صدیق در عسر را به بیند اندر خواب و آنکه بیند خواب در عثمان و ر خواب اندرون علی بیند دیگران از مهاجر و انصار و آنکه بیند کی ز آل بنی خاصه دو سبط نام بردارش زین عباد را اگر بیند در بیند محمد باقر و آنکه بیند خواب در جعفر موسی کاظم از ره تادیل و آنکه بیند مثل علی رضا از تقی دان طاعت معنوا</p>
--	---

حسن عسکری بلاق نزاع است
 و آنکه بیند یکی رچار امام
 همیشه نذهب گزین باشد
 و ز مشایخ هر آنکه می بیند
 حکما گر بوند اسلامی
 است دیدارشان نگو نامی
 و هر چه از طوائف کلامه استماع نماید بعینه یا مثل آن
 مشاهده نم نماید چه در حکایت است که تابینای
 یکی از اولیای رادر خواب دید فرمود که میخواهی که ترا
 دعای تعالی بگویم کنسم که اگر بخوابی بینا شوی گفت
 بلی فرمود که بگو یا اسمع السامعین یا البصر
 الشاظرین و یا حنیف الرزاقین و یا ارحم الراحمین
 اشقنی و ارحم الی عیالی ترجمه ای شنوا
 تصویر شوندگان ای بینا ترین بینندگان و
 ای بهترین روزگار دهندگان ای
 مهربان ترین مهربانان شفا بخش
 مبرا و جسم کن بسوی عیال و
 من فقط چون بیدار شد بدان مواظبت
 نمود و بقدرت پارسای تعالی بینا
 شد و مثال این حکایت بسیار طول
 طویل است اما این مختصر زیاده ازین تحمل
 کنند از تعبیر نامه نوشت شد فقط از کامل التفسیر است

ان سیرین رحمتہ اللہ علیہ گوید کہ مراتب پیغمبران
 علیہم السلام بر سه گونه است اول اولوالعزم دوم
 مرسل اند سوم انبیا و پیغمبران اولی العزم شش از اول آدم
 دوم نوح سوم ابراهیم چهارم موسی پنجم عیسی ششم محمد
 الرسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم و مرسل آنها اند که جبرئیل
 علیہ السلام برایشان وحی آورد و ایشان سید و سید
 اند و اینها آن پیمبران اند که جبرئیل بایشان پیامد و هر که
 اولی العزم را بخواب بیند دلیل که عز و جلالت یابد و اگر
 مرسل را بخواب بیند بر دشمنان ظفر یابد و اگر اهل امن وضع
 در غم و اندوه و سختی و ملامت باشند ایشان را بشارت
 بود بخیر و صلاح و آبادانی کار و دین و دنیا و اگر بشود که میرا
 از جای نقل میکردند و بر اهل آن موضع دعای بدی گویند
 و نسیل که خدا سے تعالیٰ بلائی عظیم بر آن موضع فرستند
 مگر توبه کنند و بخدا سے تعالیٰ باز گردند گریبان رحمت
 اللہ علیہ گوید هر چند مومن که پیا برے را در جائے
 خود تازه روئے و شادمان بیند دلیل عز و جاه
 و نصرت باشد و اگر از چیزے خشمگین بود دلیل بد حال
 در پنج و سختی بود و اگر بخواب از پیغمبران چیزے
 شنود دلیل که از علم آن پیا بران بهره یابد
 و شادمان شود و اگر بیند که پیا برے را بکشت
 دلیل است برین که خیانت کرده باشد

بقوله تعالى فيا نقضهم ميثاقهم وكفرهم بآيات الله وقتلهم الانبياء بغیر
حق تعفر صادق رضی الله تعالی عنه گوید که اگر آدم علیه السلام
را در خواب پند بزرگی و ولایت یابد قوله تعالی و غشی
آدم ربہ فتوحی ثم اجتبه ربہ فاب علیہ و ہدی و خلاف کرد
آدم علیہ السلام امر پروردگار را در خوردن درخت پس
بی پیرہ ماند از مطلوب خود کہ عمر جاد را فی بود پس برگزید
وے را اندازے او قبول کرد و توبہ او را درہ نمود و را بہ
ثبات توبہ و اگر در خواب دید کہ آدم علیہ السلام باد سے سخن
گفت دلیل کہ علم آموزد و علم آدم الاسرار کلمات و اگر پند
کہ آدم علیہ السلام دست او گرفت بزرگی و مملکت یابد
و اگر خواب بیند کہ آدم را اطاعت نبرد دلیل کہ عامی
و بدبخت شود و اگر علیہ السلام را اگر خواب بیند
دلیل کہ دولت و اقبال یابد و غمش و خوشی
و نعمت و ندادان و عسرش در از گرد و فوج
علیہ الصلوٰۃ والسلام را اگر در خواب بیند
عسرش در از گرد و ولیکن از دشمن
ریخ و سختی بیند و عاقبت بمبارد
او در پس علیہ الصلوٰۃ والسلام را اگر
در خواب بیند کارش نیکو شود و عاقبت
محمود گردد و علیہ السلام را اگر خواب بیند دشمنان بروی
افوس کند و عاقبت عاف شود و علیہ السلام را اگر خواب بیند کارش صلاح یابد

و مراد دل یابد اگر صالح علیه السلام را در خواب ببیند
 از جانی بجائے خویل کند و در خبر بروی کشفاده شود
 ابراهیم علیه السلام را اگر ببیند حج اسلام بگذارد و بعضی
 از معبران گویند که از سلطان ظالم بروی ستم رسد و نیز
 گویند که بدخوی کند با مادر و پدر اسمعیل علیه السلام را اگر در
 خواب ببیند بشارت فتح و غنیمت یابد بقوله تعالی و بشرناه بهی
 بنیامن الصالحین ترجمه و بشارت دادیم او را با اسحاق که همیشه باشد
 از نیکوکاران یعقوب علیه السلام را اگر خواب ببیند از قبل فرزند
 عیسی و اندوه خورد و عاقبت شرح یابد یوسف علیه السلام
 را اگر خواب ببیند خویشتان بر کوه بتان نهند و عاقبت بزرگی یابد
 شعیب علیه السلام را اگر ببیند خشم بروی غلبه کند و بعد از آن بزرگی
 طغر یابد موسی علیه السلام را اگر در خواب ببیند مبتلا گردد
 باهل و عیال و بعد از آن حالش نیکو شود و بر دشمن
 طغر یابد بقوله عزوجل و وهبنا له من رحمنا اياه مارون
 پناه ترجمه و تجویدیم مراد را از رحمت خود برادرش مارون
 همیشه و بعضی معبران گویند که موسی علیه السلام بخواب دیدن پسر
 است که بادشاه در اند یار هلاک شود و اگر علیه السلام را اگر
 در خواب ببیند حق تعالی بزرگی و بادشاهی و نعمت و مال
 و جاهش زیاده کند زکریا علیه السلام را اگر در
 خواب ببیند حق تعالی او را توفیق دهد و طاعت کی
 علیه السلام را اگر خواب ببیند حق تعالی او را توفیق دهد و در خبر

<p>خضر علیه السلام را اگر در خواب پند سفری دراز گفت یا بیهوشی در رزق عمر دراز یونس علیه السلام را اگر در خواب بیداری تعالی از غم یا نجاتش دید و تفسیر ج رساند و از تاریکی بردستانی باز آرد ایوب علیه السلام را اگر در خواب بیدار گشته بر وزنه گردد و توفیق طاعت و خیر یابد حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم را خواب بیدار نظم نزع یابد از جلگی رنج و تاب همه حاجت او بر آرد خدا رماند از فضلش خدای قدیر ز دورش جدا جوگر کردن شود فراخی و از زانی آید بکار بگردند در ویش شوریده حال چنین کرده سر نه از اعیان که بنید مرا بر که اندر نام که شیطان شکم نیاید بدید نه بروی رسد در درج جهان بود فرخی اندران انجمن ببند نبی را ترش و خواب فتد شور بدعت دران مرز بار که جانی اذ ان داد خیر الانام شود جمله آما و عشرت نشان</p>	<p>کسی گری را ببند خواب اگر دام دارد گزارد خدا و گریست در بند زندان سیر اگر ترساکست مامون شود و گریخت و تنگی است در روزگار چنین بعض گویند کار باطل چنین بوی بریده نموده بیان که گفته محمد علیه السلام چنانکه آنکس مرا حق بدید را بر که ببند خواب نهان عجب غیبت تاویل یار من کسی گریب سازی و اضطراب شود سستی دین از دشتکار شبی گریب کسی در نام اگر در خرابی بود آنکان</p>
--	--

کسی را بخوابی که آید نلطف
 بسیار و را اینکه صدقه دهد
 در آنجا بپندنی را بخواب
 بار باب آنجای نعمت ندر آن
 خصوصاً که او را مسجد کسی
 گراز موی ترش یا که خشک
 عطا کرد و بپندند خواب را
 بدین پادشاهش کامل شود
 چون پند رسول دل افروز را
 بدینسان که پمار و غمناک است
 چنین گفت که مانی دین مقام
 بخواب اگر کسی ذات خیر البشر
 در آن موضع و اندان شهر و گاه
 رفاهیت در آن موضع آید پدید
 و اگر بپندیش است اندام کم
 همه مردم آنجا دلالت چیست
 که نقصان اندام خیر البشر
 چنین این سیرین بگوید سخن
 چون ناقص نبی را بپند بخواب
 که بپند محبوب حق را بخواب
 نیکان رساند بشارت جو عهد

که چیزی میخورد خیر البشر
 از کونیکه باید دهد و آرند
 که نبود در آنجا زرنج اضطراب
 برگردد و چو اثمار در سبزه شاخ
 بپندند فراز اید سعادت بسی
 که خلقش میبرد در آنجا مشک
 ز جان برد هر پیش و تاب را
 از آن زینت و جاه حاصل شود
 بخواب شب آن نیر زر را
 همانا که دیش ضعیف است
 که باد ابر در رحمت حق بدام
 بپند بشهری که جائی دگر
 شود ناز و نعمت بر دم ندر آن
 بدشمن دهد فتح رب مجید
 ز اندام آن بادشاه و امم
 که باشند در دین اسلام
 در اسلام نقصان بود بر
 که رحمت بر و باد از دوزخ المن
 بپندند نقصان دهد و حج و تاب
 عبادت سرشان عرفان باب
 از آن چیزی نیکه خواهد رسید

نماید به بد راه ترس اسکار
 بود ذات محبوبت بدیر
 کسی گیش به بیند اگر
 فقیه جهان عابد حق پرست
 بدینگونه گوید که بیند اگر
 در آن شهر باشد ای در دوزخ
 و اگر دید اندر پس نتیش
 دلیل است از بدعت و هم هوا
 زیارت نمودن کسی که خواب
 و اگر دیدش انوش بر لب رود
 همان جعفر صادق و الکرام
 بگفتا که از دید پیغمبران
 بیکم رحمت است و دوم نعمت است
 بود پنجمین دولت و نوازه
 سعادت بود و ششمین بگیان
 بنهم جان نهد اقامت و سترس
 بآن سه و دهم شهر بد آرند
 گفت این سیرین رحمت است
 ز نوازیست پیدا اعلاست بدو
 چنین گفت که زانی باکراد
 که صدیق سلطان یحیی را

و در این شهر
 و در این شهر
 و در این شهر

که گرد ز قهر خدا رستگار
 بگفتار و مومن نذیر و بشیر
 بود خواب بد بهر رو با نگر
 که عبید الله ابن عباس است
 بر و پا جنازه ز خیمه البشر
 شود بر نعل این سیدی پیچ
 همی رفت با کربت و رفتش
 بود مرغ نفسش و می هوا
 ز نال و ولایت شود کامیاب
 همانا که بیند ه کافر شود
 بهایون نشن آن امام هم
 بخوابست ده گنج شاهی نهان
 بزرگی سویم جاری عزت است
 ششم شد تلمذ عیش و عشرت
 به ششم چو جمعیت آمد عیان
 دهم خیمه بر دو جهانست پس
 که بیند در دی خیمه خواب
 که صدیق را هر که بیند بجز آب
 گرم نازد و دم که راست بود
 که رودش بطردش خوش با و خداد
 که باد انیسری می نواخت

بخواب اندرون هر که بنیچین
 دلالت کند اینچنین آشکار
 شود صدقه بسیار و بذل و زکوة
 ولی چون ببینند صدیق را
 ترش روی و بخت بیند کس
 عمر را چو ببند کس در مقام
 بالضاف دلش شود زده و خوار
 بشهری ببیندش از شادمان
 چو عثمان عفان و بجاه را
 ببیند بخواب اگر کسی اهل دین
 دلالت کند آنکه رویا نگر
 بشهرش ببیند اگر در طرب
 علی را ببیند چو خندان شود
 شجاعت کرامت شود حاصل
 بود چون بهاران خوش در چین
 بشهری اگر ببیندش جلوه گر
 ولی گاه که خلق را در میان
 بگفت این سیرین فرزند کام
 کسی را اگر از سخت فرزند تر
 بدین در زمانه بیکانه شود
 شود صادق القول در اهل دین

که زنده است در شهر آن شاه دین
 در آن شهر از مردم آن دیار
 فراید مگر حسن صوم و صلوة
 کشاد رخ و طبع عشرت فرا
 شود خواب را عکس نقیصه پس
 که رضوان حق باد بروی مدام
 شود شنگان را از دمازه خلق
 شود عدل بالضاف پیدا اودان
 که روحش زحق باد رضوان گرا
 شود از جمالش سعادت قرین
 بزد و بتقوی شود ره سپر
 بخواند قسر آن و علم و ادب
 که معبود از وی رضامنند باد
 شود نور عرفان و فروغ دلش
 بود شمع سان سرد را بچمن
 بالضاف آن شهر گرد و سمر
 خصومت شود جلوه گر بی گمان
 بهار در بر و جیت حق مدام
 صحابه در آئیند اندر نظر
 با سلام شد و زمانه شود
 شود و دیانت اسیر گزین

<p>که فرمود با لطف و خلق عظیم شود و از افتد اهر که شانرا ببرد رسدش باز و بیدر و و بیم فرح یابی و خیر و راحت تمام اگر انجام کارش شهادت بود که طیار آمد بحیل ملک شود گرم حج و خسر ایگمان با فعال سنت شود کامیاب از حق علم دین و کتاب آیت و گران مسعود و زران پرست شوی مجتهد و امورات دین ببرونی خود شوی کامیاب بیابی ز درگاه حق بی گمان شود در سرتی دین از رفاه</p>	<p>که آمد حدیث رسول کریم که باران من انجم روشن اند بیا بدید و ندان ره مستقیم چو حسین را بینی مانند منام ولی ختم او بر سعادت شود همان چو عطر گرم سیر فلک بخوابش کسی گریه نیندازد اندر این ملک چو آید خواب چو سلمان فارس بخواب آیت چو عبداللہ ابن عباس است چو آیند اینان بخوابت فرین نلال خورشید چو بینی بخواب نواب همه اهل بانگ از آن روی بر رکعت و اجتماع</p>
---	---

فی الحکله دیدن باران رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم
در خواب دلیل خیر و منفعت دنیا و آخرت است
و اگر کسی را از علما و حکما و زهاد در خواب ببیند
دلیل بر کارهای خیر و طاعت و تقوی باشد و علم حاصل کند و اگر از علما
و اشراف و اعیان و ارباب دین و علم و دین و ایمان و ائمه و اولاد
در شهری یا در محلی گریه و عکس و جمع آمده
بودند دلیل بر کسب و کسب آن شهر را نصرت باشد

بر جان بخت و کردار و امر و نهی منکر فائده
دیگر گفته اند در دیدن شکل انبیا علیهم السلام
در خواب هر که پیغمبر را در خواب ببیند از
همه نعمها این گردد و در مقصود خود برسد ان شاء الله
تعالی و نیز گفته اند هر که دیدار پیغمبران در خواب
ببیند زاهد گردد و در **نقطه** از تعبیر تا

میان خواب خوشایند و ناخوش
بخوان ارم و شاد باشی
ز مکرو مات عالم گسلی بند
جناب مصطفی را کرد و مرقوم
جماش در لباس نیک تمثال
شود هم نگدستی از گدا دور
بدان تعبیر نو خواب چنین را
جناب مصطفی با رنج و باتاب
شود دین محمد بی حمایت
که بر راه شریعت کس نچوید
دلیل رحمت و هم راحت آمد
علی و فاطمه شبیر و شبر
تمثال خواب پیغمبر همانا
دلیل ائمه آن ز خیر و برکت خود
یعنی هست تعبیر آشکارا

پیغمبر را اگر بینی بناگاه
ز هر رنج و الم ازاد باشی
شوی ز اهل یقین دان می فرزند
و گر تعبیر دان از علم معلوم
چو ببینی مصطفی را در کو حال
خلاص از رنج یا بد زود رنجور
بود منت فرخ آن سر زمین را
و گردل تنگ رنجورست در خواب
یقین دان کاندان شهر و ولایت
محب این چنین تعبیر گوید
ولی فی الجمله دیدار محمد
و گر بینی دل و جان میسیر
بود تعبیر آن نزد یک دانا
بزرگان و دیگر اصحاب و خوا
نخواب از انبیا و اولیا را

اگر در حالت سکون نماند	بشکل و با جمال نیک آیند
ترا باشد و نیل نیک فی الحال	شرف یابی و جاه و غرور قابل
و گریه کنی که ایشان خشمناک اند	و اگر در حالت بد در ملک اند
خلاف اولش تعبیر میدان	جنوع دیگر این تقریر میدان
برنجی کان بنی و آن ولی بود	بحال زندگی او را رسد رود
ولی آخر شود حالش کجوتر	بجنگ از دشمنان گردد مظهر
صوفیان صافی کیش صفایش را	شترده تازه و شتاقان همه تن
شوق و اشتیاق را بشارت بے اندازه باد	که نسیم عنبر شمیم
سحری چون صرصر از مهب رحمت الهی	محبوب مرعوب رسیده
تا پرده از عارض رشک آفتاب	دوست برکشید و باد صبا
فصل نامتکلم با بهتر از ناز آمده	تا کاف غنچه از روی گل برداشته
حشمت و جان عند لیبان شتاقان	و میلان سرایا
اشتیاق را ممنون منت نمایان	و نوا سخ شکر بی پایان فرمایند
اعنی رساله مشرق دولت بیدار	و یاب ساقی شربت دیدار
من کل الوجوه مرتب گشته و بنام نامی	آقا س نامدار مرید
اگر سکنند آئینه خورشید رویان	عالم را طرح آینه استگانه انداخته
ذات بابر کاتندگان حضور را	مرآت عروس ملک قدوسیه
همیاد و موجد ساخته اگر در آئینه	سکندری جمال خیر خوبان روی
نماید بدین مرآت پر جلال و سنجعل	پر صفا تجلی حسن محبوب
مرعوب مقلب القلوب و الالبصار	بر چشم اولی الانظار
بصد الطاف و عطا کشف غطا میفرماید	اگر کسی در فائز یافت

آن صورت این معنی آن مجاز این حقیقت است جام جهان بین
 همچنین می رایش این ساغر محمدی چه مقدار و آن ساز فریاد
 باین قدر مستجاب ستاب معرفت چه فروغ انوار نظم
 نسخه اعمال تماشا دوت
 پیش زانینه اسکندری است
 جام جهان بین ز نقاشی یک
 هر گل از گلشن حسن و قبول
 هر عملی که کنی زین کتاب
 دلبر و دلایم یون رسته
 مهر دشی مهر از ان دره
 بسم الله الرحمن الرحیم
 سورۃ الحمد که گنج خداست
 قاست و زلف و دهن پریم
 خوات شمه هر دلی و هر فقیه
 ایکه وجود تو بود بجز انیس
 حق چو تراره بکوت کشاد
 پرده کش جلوه رحمت یسار
 ترا که تویی فضل خدا بر جهان
 داد به عباد چو بر روی تو داد
 ای مدلی نیست و مکی قمر
 بهر خدا جلوه چنان کن

کاین دو جهان قیمت بکجرف است
 پیش سلیمان گویا گشتی است
 شمس و قمر ازورش اندک
 نقش بود از پی حسب رسول
 از رخ دلدار کثید نقاب
 دلکش و مبهوش برخی فرخی
 ماه ز چاه نقش قطره
 ابروی ممد و در رسول کریم
 لغت و یاد رخسار است
 باعث تخریل الف لام میم
 صحیف حجت همه لایب فیه
 هست عروس عدن ملک مس
 چشم ترا برده ماز غ داد
 اهل گنه را به نکاست نواز
 بر همه عباد و همه عاصیان
 اهل گنه را گنمی از چه شاد داد
 رحمت محمود بکین در شمر
 دور ز ما این شب ادا بار کن

روز و ششم از رخ خود بر سرور
 اینک رستم بر زده کلکم کتاب
 یاد بطغرای قبولت قمرین
 چشم کشا و دل من شاد کن
 چشم تو کر صادق نماید برین
 بحر عطای تو بر آرد خوش
 بس که شود بین و سعادت فرا
 بعد از آن من رخ و فیروز رسد
 کاهمه این نامه از و نامور
 منعم من رخ ملک ملک جاه
 خیل مسلمان ز درش کامیاب
 خلق رسولش بدایم کرم
 واسطه لطف خدا بر جهان
 حضرت نواب جهان بجز وجود
 نام محمد بودش هم علی
 خان که با نام و راز پورست
 هست یمن دولت عالی جناب
 که به نظر صولت جلالت کند
 بار خدا یابی ذات نبی
 ناکه شد غرق بولش بده
 بین فراس ز فرسوان بد

چیره شود تا شب بختم چوروز
 که تو بود مشرق صد آفتاب
 تا که بود رشک بهشت برین
 بر سر این نسخه من صادق کن
 مردم چشم است بعرض برین
 بین سعادت همه آید بچوش
 نسخه فرخنده شود چون هما
 با ویران نیرا و ج لبند
 شکر عطایش بدایم شکر
 حامی دین مصدر لطف اله
 بر فلک عشق بی آفتاب
 نافه مشک است به بیت الحرم
 ناب رحمت به علوم و بیان
 جود دینار و زو جودش و جود
 هر دو یکی گشت بنام ولی
 گوهر او را ز ازل جوهرست
 در همه ارباب کرم انتخاب
 شیر ملک طرح قرار افکند
 بهر کمالات و صفات نبی
 بین سعادت بچوش بده
 خاتم انگشت سلیمان بدو

در کف او تیغ جوهر کبریا ساز
 مطیع انوار سیرال کرم
 نور رخ پاک حق گشتش
 ختم شد برین اسم با جلالت
 ای فقیه حق تو نام نشان آفتاب
 در این گرد و دونه با کرد استر شرف
 بی کلف طریقه جنت با کمال است
 مکتب بر تو در کتب سید عالمی شوا
 رشید و در دست بر کون فیض و جود
 در میان سبزه خان و سرفراز
 اینچ تو بر ده در صد نهانی برکت
 در از ان کوی تو به صبا بخشی خلق
 بیکر و در آفتاب روی تو جنون شده
 کار بر صفا تو به زینت و تیر و تخت
 شرح جنت تا به هر که باشد تمام
 دولت امان حسن تو بزرگ چیدند هم
 پیش تو رشید و خشان دره با قدرت
 ستر شهید نهایی به دست عصا زاری
 ریخت از ان صفا چون بهشت میل
 نوحی از چو تو به جود فراتر سخنان
 هست در سودا که تو ای صفا جان

ای شاه دولت طراز
 شمع اسرار غفور ابریم
 بهشت تو بر کون گشتش
 حاصل علی و علی آله
 در دودان به بیت غوثان فانی
 کو خواب با فی کمال کمال
 ای که هست از نام طشت ز فانی
 به نیم فرخ و در دستان آفتاب
 ای که در دام شاه که بهشتان آفتاب
 انیس عکس نه بهشت بهشتان آفتاب
 گنج چون خفاش گرد و چشم جان آفتاب
 انفسی تو بر ده آسمان آفتاب
 فرخ تو بر شربت بر سر آفتاب
 دره در هر که به دست هم خان آفتاب
 کرم به هر که به دست بر سر آفتاب
 ای که درین آفرین در خلق خوان آفتاب
 خدایا تو به باشد قدر دان آفتاب
 به هر که به دست بهشت بر سر آفتاب
 ستر شهید نهایی به دست عصا زاری
 ریخت از ان صفا چون بهشت میل
 نوحی از چو تو به جود فراتر سخنان
 هست در سودا که تو ای صفا جان

هر فغان آتشینش تیغ روشن آمده	عاشق روی بود کشتن آفتاب
صبح صادق آمده شست غبار گری تو	فیض روی تو بهارستان آفتاب
گر کردی افتخار من نهان روی مدام	زود تر آفرشده ای دوزمان آفتاب
از کمال خویش ای قلبه و کعبه بجاست	گر کند طوف زینت آسمان آفتاب
از وفور فیض عکس روی خوب بوده اند	در طایف خاک کویت ناسخ آن آفتاب
بادشاها که شب تاب به وقت شب	گر کند روز سیاهم امتحان آفتاب
خبر رخ تو ای حالت شعله نور خدا	روز سازد گر شب ماه صبح آن آفتاب
اندخت روشن گرد دسترا چشم شب	روز سن تاریک اندر زمان آفتاب
آتش آیم کن در فرقت خود شعله زن	برنج زدود تا نازد دودمان آفتاب
سینه در بر تو حاضر بفرم افکنی	دوره ببردن بود کار عیان آفتاب
دل به پیروی غلامی احمد علی بجا	با درویشان از رخ خوب بسان آفتاب
با درویشان از علی هر وقت تسلیم و درود	تا زمان ما شب تا زمان آفتاب

دیگر

عاصیان کی سید خند دست داشت	ای نشان رخ نه لعل کیش آن شما
مخبر عیسی است فیض لعل خند آن شما	آب حیوان قطره چاه زخندان شما
از جمال است روشن جلال این عالم که هست	خور ماه و هر فیض روی تابان شما
عرش عظم کسی کم یار از بزم حضور	یک نمونه باغ خلد از صحن ایوان شما
یوسف خالق حسی که خط می ماند از ان	چون زلفی لطف تو دستگیران شما
این نهال خشک امیدم سوز کن	ابر حست هستی و فیض است بدان شما
بجانبان بر باد جان دلم با رسول	موج نطق عیسوی ز آب حیوان شما
آتش علم را خلیفم کرد و نمودنک	میتواند کشنی لیکن بفرمان شما

چیت در آن جز نگارین
از کمال حسن و خوبی لنتراقی میزند
در نظر جم را نمی آرد و چشمشان خوش
بر صلی امی احمد مرسل نگاه حتمی

قسم اول در آیات قرآنی و سوره های فاتی که مفتاح
در کنج سعادت رویت رسول کریم علیه التحیة و التسلیم است
هر کس که بخواند سوره کوثر را هر بار و خفت بعد خواندن آن با وضو
خواند و بید رسول الله صلی الله تعالی علیه و آله و سلم را از
مایة الفوائد و نیز از مجربات است ایضا اگر شوق لقای رسول
علیه التحیة و التسلیم دارد باید که اول دو رکعت نماز نفل بخواند بعد
از فاتحه آیت الکرسی سه بار و اِنَّا اعْطَيْنَاكَ الْکُوْثَرَ یَا ذُو الْ
کَرَمِ و بعد از سلام آخوذ بالله من الشیطان الرجیم اللهم الرحمن
الرحیم اِنَّ اللهَ وَاَمَّا کَلِمَةُ یَصْلُوْنَ عَلَی النَّبِیِّ اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا
صَلُّوْا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوْا تِلْکَ اَیُّهَا فَتَدَّ بَارِ خَوَانِد بَعْدَ الصَّلَاةِ
و السلام علیک یا سیدی یا رسول الله اول و آخر در و دو روز
بار بخواند - از کتاب مجموعه وظائف نوشته شد دیگر رسم الله
الرحمن الرحیم خواند و بجای الحمد نام محمد گوید و تمام الحمد شریف
بخواند بدین طریق محمد بن عبد رب العالمین الرحمن الرحیم مالک
یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین اِنِّیْ نَا الصَّیِّدَ
الْمُسْتَقِیْمَ صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغْضُوْبِ
عَلَیْهِمْ وَلَا الضَّالِّیْنَ محمد رسول الله یعنی بجای آمین هم محمد رسول الله

صلی الله علیه وسلم گوید ہزار مرتبہ بخواند تا لکھ کند کہ زیادہ نشود بے شمار و کم ہونے
 ان شاء الله تعالیٰ محمد رسول اللہ صلی اللہ تعالیٰ علیہ وآلہ وسلم
 را آشکارا بیند اما ثلث سہ بخواند از مصالح الطالبین نوشتہ شد
 دیگر از ہین کتاب مستطاب اگر کسی خواہد حضرت رسالت مآب
 صلی اللہ تعالیٰ علیہ وآلہ وسلم را در خواب بیند باید کہ در شب
 اول جمعہ ماہ رمضان المبارک غسل کین و جامہ پاک پہنشد
 و بعد از نماز خفتن و موازہ رکعت نماز بخواند در ہر رکعت بعد
 از سورۃ فاتحہ سورہ منزل کی بار بخواند پس از ان ہزار بار درود بفرستد
 بخواند و خواب رود در خواب بیند آنچه کہ مطلوب اوست
 دیگر از ہین کتاب ہر کہ سورہ کوثر در شب جمعہ ہزار بار بخواند و
 بوضو در خواب رود بشہ طیکہ طعام حلال خورده باشد بنی علیہ السلام
 را در خواب بیند و دیگر ہر کہ خواند در نصف شب جمعہ سورہ القدر
 ہزار مرتبہ پس بخفت با وضو خواہد دید رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
 را در خواب خویش و حاصل خواہد شد کل مقصود او
 از مجموعہ دعای مغنی و دعای سیفہ نوشتہ شد
 دیگر شیخ احمد بن ابی بکر بن محمد رداد صوفی محدث
 در کتاب خود از شیخ محب الدین فیروز آبادیہ
 با سندی کہ او راست روایت میکند رومی آورد
 کہ اقلیت گفتہ است کہ روزی شہید ہر ابو بکر مجاہد
 آمد ابو بکر بجهت اکرام او میرایے البتہ و باو یہ
 معاف کرد و میان ہر دو چشم او ہر

صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
 از سورہ فاتحہ
 بنی علیہ السلام
 را در خواب
 بیند و دیگر
 ہر کہ خواند
 در نصف شب
 جمعہ سورہ القدر
 ہزار مرتبہ
 پس بخفت
 با وضو
 خواہد دید
 رسول صلی
 اللہ علیہ
 وآلہ وسلم
 را در خواب
 خویش و حاصل
 خواہد شد
 کل مقصود
 او از مجموعہ
 دعای مغنی
 و دعای سیفہ
 نوشتہ شد
 دیگر شیخ
 احمد بن ابی
 بکر بن محمد
 رداد صوفی
 محدث در کتاب
 خود از شیخ
 محب الدین
 فیروز آبادیہ
 با سندی کہ
 او راست
 روایت میکند
 رومی آورد
 کہ اقلیت
 گفتہ است کہ
 روزی شہید
 ہر ابو بکر
 مجاہد آمد
 ابو بکر بجهت
 اکرام او
 میرایے
 البتہ و باو
 یہ معاف کرد
 و میان ہر
 دو چشم او

بوسه بداد من گفتم یا سیدی این را بشبلی میکنی و
 حال آنکه تو بوسه که در بغداد او است میگوید که وی
 مجنون است گفت من نکردم مگر آنچه از پیغمبر صلی الله
 علیه وآله وسلم دیدم یعنی در خواب می بینم که شبلی پیش او
 صلی الله علیه وآله وسلم بآمدن او بایستاده و او را در کنار گرفته
 و میان سر و چشم او بوسه داد پس به گفتم که یا رسول الله
 صلی الله علیه وآله وسلم این را بشبلی میکنی فرمود نعم وی بعد
 از نماز این آیه بخواند لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مِثْلُ
 نَفْسِكُمْ عَلَيْكُمْ تَحْفَظُكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ مِنْ الظَّالِمِينَ الَّذِينَ
 قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ الْقُبُورِ
 الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَعَقِبَ أَنْ این صلوة بر من می فرستد اللهم
 صلی علی محمد و علی آل محمد علما السموات و الارض و ملائکة
 العظیم - از کتاب وسیلة النجات دیگر هر که خواهد حضرت
 رسالت مآب صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب بیند سوره
 انا انزلناه است و یکبار بخواند - از کتاب اسرار خفی
 دیگر از ابن عباس رضی الله عنه آورده که هر که خواند قل
 هو الله احد در شبی هزار بار خواهد دید رسول خدا صلی الله
 علیه وآله وسلم را در خواب بزرگتر از اسرار خفی - ایضا از
 حضرت عباس رضی الله عنه منقول است هر که خواهد مجال
 جهان آرا می صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب بیند بخواهد
 پنج آیت سوره آن شریف بخواند آغاز از سوره فاتحه

کند و اتمام بر سوره مزمل است بدین معنی اول سوره فاتحه
که هفت آیت است بخواند بعد از آن بست و هفت آیت
دیگر از قرآن شریف هر چه بخواند بعد از آن سوره
مزمل را که بست آیت است که جمله پنجاه و پنج آیت شدند در
شب جمعه پنجاه بخواند و با وضو بخوابد و در آن شب
سید عالم صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب ببیند از امر ارحمن
ایضاً اگر صد نوبت آینه آکری را در آن شب جمع بخواند
و اول و آخر درود شریف صمم گرداند بحال ناگهان کند
عالم صلی الله علیه و آله و سلم مشرف شود از امر ارحمن
ایضاً هر که سوره سج اسم ربک الاعلی را در آن شب بخواند
بروز شنبه پنجاه کرت بخواند حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب ببیند از امر ارحمن
ایضاً در شب شنبه غسل کند و هفتاد بار سوره البقرة را
بهند البقرة تا آخر بخواند بحال جهان آرا محمدی صلی الله علیه
و آله و سلم در خواب سر فراز و مشرف گردد از منتهی مذکور
ایضاً هر که سوره از اجاز نظر الله را در شب ده بار بخواند
منازنین شود و حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم را
در خواب ببیند از امر ارحمن ایضاً هر گاه اراده کنی این که
ببینی صلی الله علیه و آله و سلم را بخوان در روی سویی اسماء
پیدا رود و گویان در خواب بر دیشک مشرف روت
محمدی صلی الله علیه و آله و سلم مشرف گردد بعضی کارها را در

در هر شب در دو رکعت خوانده اند و سوره حمد خوانده بخواب
میرفتند و از قرأت سخن نه نمودند و عمل بعضی مشایخ است
که سوره الکوش را از روی یک طلوع آفتاب هر روز نوبت
برائی و بدن جمال محمدی بخوانند و بدو است و بیت آنحضرت
صلی الله تعالی علیه و آله وسلم شریف شده اند و لهذا
از حضرت شیخ شیخ باقر سمرقانی منقول است که اگر کسی
خواهد هر شب جناب عالی صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب
بیند باید که ترک لقمه حرام کرده و لحم و سبزی پیاپی ترک نماید
و صدق مقال و صدق حلال لازم گیرد و سوره الکوش را
آخر نماز بار بخواند باشد البته در آن شب خواب
ببید از سر خفتی - عمل الحمد برین طریق بخواند اول شب
در دو رکعت و بعد از آن بسم الله الرحمن الرحیم الحمد
رب العالمین بعد خواندن وصل دو بار تکرار کند
یعنی الرحمن الرحیم یا تکبیر یا ایاک نعبد و ایاک
نستعین را بعد از آن سه بار تکرار کند تا لفظ
المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المنضوب علیهم
ولا الضالین آمین اللهم صل علی محمد و آل محمد
و بابرکت و ستم یکبار بی وصل تکرار کند و دو بار این عمل
نماید البته جمال محمدی صلی الله علیه و آله وسلم سرفرازی
یابد - از سر خفتی - ایضا اگر خواهد که جمال یا کمال حضرت محمدی صلی
تعالی علیه و آله وسلم را در خواب بیند باید که یک معیت از وجه

حلال فقرار اصدقه و در هر شب غسل کند و جامه پاک بپوشد
 و روزه دارد و افطار از ثوبت حلال کند و هر روز بعبادت و رخصه
 این ده سوره بخواند و ثواب این بر روح و جنت و سعادت عالم صلی الله
 و آله وسلم را برساند سوره طه سوره یسین سوره دخسان
 سوره فتح سوره و البقره سوره صافات سوره جبه سوره ملک
 سوره نمل و کلم یکن الذین کفر و او هر شب دو رکعت
 نماز بگذارد و در هر رکعت بعد فاتحه سوره و الحمد
 سه بار و سوره الم نشرح هفت بار بخواند بعد در خانه
 خالی یا در مسجد سیصد بار این سنوۃ بگوید اللهم صل علی
 محمد و علی محمد و علی محمد و صل علی محمد من لم یصل علی محمد و علی محمد
 محمد کما أمرت با لصلوة علیک و صل علی محمد کما یحب فی المصلوق
 علیک و صل علی محمد کما یحب و رضی عنک فیصل علی محمد و علی محمد
 یسه مصلی شسته باشد که جمال با کمال آن حضرت
 صلی الله علیه و آله وسلم در دایره بیند و هر چه عرض باشد
 عرض دارد و خطاب مستطاب مشرف شود و با شارت
 بشارت آئین مشرف گردد و عینه ابدی و دولت سرمد
 رسیده باید که بتقری و صلاح سعی نماید - از اسرار خفی - دیگر
 هر که سوره اذاجا نفس الله تا آخر هر شبی و بار یابی عدد
 خواندن بخواب رود و پیش از خواب عالم صلی الله علیه و آله وسلم را
 در خواب بیند سازد خفی - دیگر هر که در شب جمعه این آیه را
 یکبار و یک نوبت بخواند امید است که سید عالم صلی الله علیه

وَأَلَّهِ وَسَلَّمَ رَأَاهُ فِي رَأْسِ الْخَبَابِ جَنَّةٍ سَمِیَّةٍ أَسْمَاءُ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَأَقْرَبُ أَمْرِ نَبِيٍّ إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُصَوِّرُ مَا يَشَاءُ وَيُخَوِّضُ فِيهِ
وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَظِيمٌ وَكَذَلِكَ قَالَ النَّبِيُّ الْيَقِينُ
وَعَلَى كُلِّ نَفْسٍ أَهْلُهَا وَبَارَكَ وَسَلَّمَ - از اسرار خفی -
قسم دیگر اعمال رویت شریف که بوسیله
ارشاد فیض نبی در رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم
و او را در فرموده صحابه رضی الله عنهم که اینها اگر طالب
فائز البرام شده اند و او را در درویش شریف که مصدر
همین معنی بقیه شن و صورت و نگارش است از مرقعات
شاه کلیم الله صاحب از ثوبان مولی النبی صلی الله علیه
و آله وسلم منقولست که گفت آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
هر که این کلمات وقت خفتن گوید مرا در خواب بنید الخیرت الیقین
اشحارام والکرین والقیام اقر روح محمد بنی السلام و دیگر فرموده
بخواند و در رکعت و در هر دو رکعت آیه الکرسی یکبار و سوره بقره
یا زده بار بخواند و بعد از سلام با حضور قلب ستر ابرار
بخواند صلی الله علی النبی الامی آنحضرت صلی الله علیه و آله
و آله وسلم را در خواب بنید و مغفور شود و عذاب
تیر مرغی گردد و سختی روز قیامت تخفیف رسد و اگر است
سوت آسان شود و دعای ادرستجاب شود و جنت یابد
از اسرار خفی - و دیگر میگویند که بهبهاب صحابی بوده شریف استقام
نیافته بود و شتاق آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم

بود و چاره آن نداشت الا را این دعا یاد نموده
تا بطلب فایز آید - اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْ
اَلْمَطَرَ مِن السَّمَاءِ رِیْحًا یَسْبِغُ بِهَا الْاَرْضَ وَ یَسْقِیَ بِهَا
اَلْعِبَادَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَشْفِیْ بِكَ اِلٰی مُحَمَّدٍ وَطَلْحَةٍ
وَ عَلِیٍّ وَ اَبِیْ هَاشِمٍ فَادْخِلْنِیْ وَ مَنْ عَلَیْهِمْ نَظَرٌ وَ جَهَنَّمَ
صَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰی عَلَیْکُمْ وَ سَلِّمْ بِرَحْمَةٍ دُرِّ فَارِسِ
یا الله نازل میکنی باران را از آسمان تا که زنده
شود بآن زمین را سیراب میگرددانی بدان بندگان
خود در از خلق خویش یا الله تحقیق شدت کردشوق
من طرف محمد صلی الله علیه و آله و سلم و طول شنیدم و
اندوخته من یا الله پس رحم کن بر من و احسان کن بر من از نظر
کردن بر روی او صلی الله علیه و آله و سلم فقط و تفصیل
این اجمال آنکه در معارج النبوت از انس بن مالک
رضی الله تعالی عنه می آید که در زمان حضرت رسالت بنابه
صلی الله علیه و سلم مردمی بودند از علماء یهود و اخبار ایشان جلیس نام
و پسری داشت شش ساله بسیار باهوش و در این فرزند را حسن صفت
و کمال سیرت و بود و هم بخلق بسیاران خویش نفوذ داشت روزی
در خانه پدر خویش درآمد و میبویید و دید از زرد سرخ مهری
از شک برده نهاده تا کسی به او بچند درو بست مطلع
نگردد و پستتر غضبناک از آن جابیر بن عبد چون پدر او را
خشمگین دید کیفیت احوال سوال کرد و گفت ای پدر

در جی دیدم مقفل و مدتیست که با وجود دعوی محبت
و کمال شرافت بمنبت با من مرا آنچه در دست واقف
نکردی و از من پوشیده داشتی پدر گفت ای فرزند
سوگند خدای که در آن درج نه جواهر است قیمتی که
آنرا از تو دریغ دارم و لیکن ورقی چند است در وی
نام اعرابی کن ابی مثبت ساخته چون ترا مجالست
علماء و نقیض کلمات حکما میسر گردد بر مطالع آن تمکین
حال آید برین معنی آن هنگام واقف گردی سبب افتاد
آن از تو همین بود است و در فرس جلیب به شرب
خمر مشغول بود بهیاب فرصت غنیمت داشت چراغ
در دست کرده در خانه پدر درآمد و از آن درج برآید
و چون سر آن درج بکشد نور سے از آن سا طمع شد
که بر نور چراغ فائق تر آید بعد از آن دید در وی در
سفید در وی کلمه لا اله الا الله محمد رسول الله نوشته
و بعد از آن اوصاف حضرت محمدی صلی الله علیه و سلم
در ذیل آن ثبت ساخته که این محمد کشاده روی و پیوسته
ابر و کیفیت اللجیه باشد خوشا حال آنکس که زمان او را
در یابد و کلام او را استماع نماید و حال آنکه
کلام وی قرآن است و دین او اسلام و بندگان را
بخدا می خواند و از ملامت کنندگان نه ترسد چون نظر
بهیاب بر آن کتاب افتاد محبت محمدی صلی الله علیه و سلم

در صلب او شکون گشت و آن ورق بر سر دیده مالیده و بوی
بروی میداد و میگفت و الحمد لله ای کاش بدانم که در آسمان
یا فرشتگان یا در بچار یا بنیان ناله و زاری و اظهار سوگاری چند
نمود که از هوش خودش بعد از فرصتی مادر درآمد و فرزند را
در هوش دید و از او برگرفته پیش پدر رسانید چون پدر سپید را
به آن حال دید و کیفیت مستی در وی متاثر گشته و حس
در روی وی مالیدن گرفت و بوسه بر سبیل و بی سبب او
دیگر سیت و بر غشیاان سرزند اظهار تحسیر و تحزن می نمود
تا بعد از آنکه فرزند هوشش آمد پدر را بر بالین خویش بخوابانید
و غمگین دید زبان بغیرین وی برگشتاد و گفت هرگز روشنی
نمی بیند و در کبر سن خویش بر حجت الهی جیل و علامت شرف نگردی
باشد که مرا تعلیم کنه میکنی محمد علیه السلام و از متابعت شریعت
مستغنی نیامی چون پدر این سخن را شنید غضب بردی استیلا یافت
باید او ضرب فرزند پدر داشت و موی سردی گرفته سرش بر زمین زد
و خاک بر بین وی می افشاند چون ایذائی داشت از او بدرجه اعلی رسید
حی بن اخطب و کعب بن اشرف و ابولبابه از برای شفقت بخاک
فرزند جلیب درآمد و چون بالغ او در این افسوس فرزند دیدند
او را خبر افت نسبت نمودند هر چند از آن کار منع
کردند او در تعذیب فرزند حسرتی ترمی شد آنجا عت
از گناه فرزند سوال کردند گفت گناه او مستوجب
قتل است و تا او را نکشیم دست از وی باز نخواهیم داشت

بعد از آن گفت که وی به محمد ایسان آورده و دین آریا را
و اجداد خویش را بهیچ گروانید ایشان زبان نصیحت
عزیزند بکشت اوند و گفتند ای فرزندانم دین و ملت
از ما تعلیم میگيرند و خلیق با سر هم اقتدا بمانند
روا باشد که ترک متابعت ما نموده و پیغمبر بجهل
اختیار کنی و طریقه مصلیه ما را بگذاری بسیار گفت
که من از طریقه معوجه و شریعت غرض خود را نفی
نموده و دین تویم و طریقت مستقیم محمد می صلی الله علیه
و آله وسلم اختیار کرده ام و بان حضرت ایسان آورده چنانکه
که ایشان بنیضای شیطانیه با و اقبال نمودند از قبول
آن که بانی آورده تا شیخ یهود برین معنی اتفاق نمودند
که چون نشود غمهای وی نیاز و نعمت بقیم رسید
و در مصائب و حوادث روزگار گرم و سرد و حبابان
نفیده لا جسم به نصیحت اشترجار نمی پذیرد و تدبیر
ایمن بهم چنان بینماید که او را از مراد است و دست هر دو
تمام باز داری بقانون ریاضت و صنوف مجاهداتش تسخیر
تا از محمد و دین او بترانموده و سر بر خط استقامت نهادند و دین
ابا و اجداد بداند و با از حد گم خویش نه گذارد حلیه گفت که طریقی
ریاضت و سبیل تعذیب وی بر چه منزلت خواهد بود گفتند لباسهای غار
ازیر او بر کن و پلاهی در وی بپوشان و او را در خانه
تا یک مجسمه بساز گردان و در خانه را بکلی بسته و

هر سه روز یک نان جوین ده و کوزه آب
 شور با نم هر روزن بادی فسرست تا قدر تنهات
 و تکلیفات دانسته ضرر را تا نفس بران قیام نماید و آنچه
 کرده است بکلی از دست بردارد جلیب برای آن
 ناشایسته راهبواب و سخن دانسته آن فقیر و مظلوم را
 در زاویه خانه مطلقه مفتی دهد گردانید با آنچه آن یهود حسود
 خورون تعیین نموده بودند و طیفه او را مقرر ساخته آن
 بیچاره که بان نان و آب خوی نداشت با وجود مجامعت از فقر
 و آشامیدن آن عاصبه آمده بگریست روزی پدر وی
 او را گریان دیده از وی پرسید اگر از دین محبت
 ملول گشته بدین قدیم خویش مایل گشته تنبیه کن گفت
 ای پدر گمان کنسر که این گریه من از نان
 خشک و آب طلاست بلکه از اشتیاق دیدار محمد
 است علیه الصلوٰه والسلام پدر باز بچشم سو که
 گردانید که ترا با این گونه عذاب سبب بدارم
 تا از دین محمد اخراج نموده بدین بیوهی الضمه اف
 نه ای شهاب گفت بهیات بهیات و تکرر سخن
 حُشْبَ مُحَمَّدٍ فِی قَلْبِی فَلَا اسْتَطِیْعُ اَنْ اَبْرَأَ مِنْهُ بِدَرَسِی
 مهر و محبت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم بر تنه در صمیم من را سنخ گشته که
 از آن تبراتوان نمود بیت محبت تو چنان رفت است
 مدرگ پوست پاکه روز مرگ هم از استخوان نخواهد رفت

المقصود چون اشتداد ریاضت و مجاہدت نہایت رسید حضرت بقدر
 نبوی را رسول اللہ صلی اللہ علیہ تعالیٰ واکہ کلام شفیق شست
 و از و اسب العطایات حبیل ذکر و سہ چہرہ مسالت
 سفودہ این دعای بر زبان راند اللہم بحق علی محمد
 و بحق محمد علیک طیب لی فی طعامی و اعذب لی شرابی
 و اضی لی فی ظلمتی ترجمہ ای خدائی سزائی پرستش
 بحق محمد کہ طعام مرا خوش و آب مرا شیرین و ظلمت
 مرا نورانی گردان حق سبحانہ و تعالیٰ مسالت اورا
 مبدول داشتہ ہر چہ خواستہ بود مقرون با حاجت
 گشتہ تا گویند کہ چندین سال برین و تیسرہ گزشتہ
 تا آن حضرت از مکہ مبدینہ طحبہ ہجرت فرمود و این چہرہ
 در میان یہود منتشر گشت جلیب بعضی از رعایہ
 و غلامان خود را طلبید و تسلیق بعنق آن نمود
 اگر آنچہ شما را فرمایم بقتل ہم رسانند از ما
 من از ادبائید تلقین بقول او نمودہ گفتند
 ہر چہ فرمائی بالراس و الحین بجان بدان قیام نہایت
 گفت کہ این بہباب کہ فرزند منست اما از وی
 نیز اریم سیخو اہیم کہ اورا با خود بصبحہ بیرون برد و یکجا
 کہ از آن دشوار تر نیست باو فرمایند و بعد از آن غلی برگردن
 دی نہادہ و زنجیر در پای دی داد و را بغلان سپردہ
 تا اورا شبانی فسر نمایند تا است روز گوسفندان بچراشد

و شب تاب بر زیا سبانی میکرد و او را بکارهای دشوار
 تکلیف نمینمودند ثقلست که ششی بود و السلام
 و ابتر سیره بر زیر یک دیگر مترکم باران متقاطعه و اوقی
 متواتر نار اشتیاق جمال محمدی در کانون سینه آن فرزند
 شعل گشته دگر زوی دیدار آنحضرت در ضمیر منیر او شعل
 آمد روی نیاز بجانب قدس الهی آورد و عرض اشتیاق
 بملاقات حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و سلم
 کرد و این نیازمند معروض داشت اللهم انت قد انت انت انت
 من السماء النبی به الارض و تقی به العباد من خلقتک اللهم
 انه قد شئت شوقی الی محمد و طالع حسنی اللهم فارحنی و من
 علی من لظفر علی وجهه و سلمی الله علیه و آله و سلم یعنی امی خدای
 تو میفرستی باران از آسمان تا زمین را بآن
 زنده گردانی و بندگان خود را آب دهی ای بار خدایند که
 که شوق بدیدار محمد صلی الله علیه و آله و سلم
 دست او یافت و اندوه من دراز گشته و خدای
 یا بر من رحم کن و منت بر جان من نهاده و دیده
 من به پیش آمده و دیدار آن حضرت مشرف به
 گردان آورده اند که چون این دعا بر زبان راند
 آن غل از گرون و می نشست و روز بخیر از پای و می
 بکسیت و با شارت نهیسان عینی روی بصوب
 مدینه منوره نهاد و شاد و فرسنگ روان شد

گویند از آن مقام تا بدین شتاب فرستاد بوق تعالی زمین را
از برای وی در نور دیده تا صبح که اعلام زرفشان و ریایات
نورافشان خورشید بشید و زمین سر پرده لاجوردی
قام بر بام چهار اشام اجرام بر افراشت بهیاب بر دور
حجره عمارین و ائمه انصاری رسید سر سبز انوی تفکر منشست
و غنیه اندک این بجا است و این سر منزل چه جای است
عمار چون از خانه بسرو ن آمد جوانی دید دل شکسته
و سر سبز انوی منشست از وی استفسار احوال نموده
گفت ای پدر بیت مرا غنیمت که پیدا نمیتوانم کرده حکایت مثل
شیدار نمیتوانم کرده عمار گفت ای جوان ترا سوگواری هم بد
محمد که مرا از حال خود خبر دار کردی بآن مقدار که توانم و ترفیه خاطر
بگو ششم و آنچه آشکارا گردانی است از تو نوشتم چون جوان
نام محمد صلی الله علیه و آله و سلم بشنید زار زار بگریست گفت
ای عسریز تو دیدار محمد باین چه ششم دیده عمار گفت آری
گفت ای محمد که ننویس من آری چون عمار پیش میباید بر خاک
و روی بر دیده عمار مالیدن گرفت و بوسه بر چشم منی داد
دیگفت که جان من فدای آن دیده که بدیدار محمد مشش و من گشته
و سر بر بانی پس ندیده که در راه محمد قدمی برگرفته بیت
جان فدای تو که هم جانی و هم جانانم سر بر آری تو و گرنه من و هم
سرری از سر گوی تو بخواب بر خاک کار دشوار نمیزد برین ایستاده
خانه را طاقت پروانه پر نیست چنانکه نازکان باشد بود طاقت جان و دانی

چون عمار از آن فرزند ارجمند از خلوص عقیده مشاهده کرد دست
 شفقت از آستین رحمت برون آورده در گردن مرا نقش
 در آورده و او را بنوازشهای مشفقانه بنواخت و گفت
 ای فرزند اگر چه هست صغیر است اما عقلت کبیر است
 مستای آن داری که بدلاقات آنحضرت منعقد گردیده
 گفت چه خوش باشد که بعد از انتظار بی باسیدی رسید
 امید داری - عمار دست آن یار گرفت و او را بصحبت حضرت سید
 صلی الله علیه و آله وسلم رسانید چون نظر به باب بر حسیال با کمال
 محمدی افتادند انست که بکدام زبان شکر گذاری نعمت حاصل
 گوید و بجه عبارت حمد حضرت ذوالجلال بتقدیم رسانده
 خواهم این نقطه که شتاق بیاری برسد | آوز و سنجاری به نگاری برسد
 نیست گل شناسد مگر آن مرغ اسیر | که خزان دیده بود بین بهاری برسد
 عزت وصل نداند مگر آن سوخته | که پس از دوری بسیار بیاری برسد
 چون طالب مطلوب رسید و عاشق جمال معشوق بدیدنی الحال
 خبر نیل این از نزد حضرت رب العالمین جل و علا در رسید
 گفت یا محمد رب العزت یقینک السلام و هو بقول احب
 بهیلاً با قدیم یک و لم ترفی استک نشد و هو کما یوب
 فی الانبیاء صلوة الله و سلامه علیه اجمعین ای محمد رب العزة
 ترا سلام میرساند و میبخشد مایه بهیاب را دوست دار
 بدستی که از راه دوست سید اردو در میان است خود چون
 او عاشق دیگر نمی یابی که در طریق عشق و محبت تو ملاست و

خواست بسیار کشیده و در بلا و سختی تو طریق ایوب
صبر و زنده و اهل اشارت در کلمه احب بهب یا فانیست
یجک میگوند که دلیل است بر آن که محبت عاشق سبب
مرحبت معشوق را بلکه محبت محب علامت محبت محبوبست
که تا از آن جانب محبت تحقق نپذیرفت ازین جانب ظهور نمون چنانچه
حضرت مولوی قدس سره در مشقهای مشقهای

گر نه عشقش بود جو یائی او

عشقی معشوقان خوش و زبه کند

اندر آن دل دستی میدان که است

ست حق را بیگمانی مهر تو

از یکی دستی تویی دستی دگر

آب هم نالد که گو آن آبجوار

ما از آن اوداد هم از این ما

کرده مارا عاشقان یکدگر

عاقبت مارا بدین شده بر است

عشق اضطرار را بر خد است

چون بعشق آیم محفل با هم از آن

مگر ایت بابت و رخ متاب

و یکم اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و بارک و سلم اللهم صل

علی محمد ما عندک من العبد و ذریه کل خطیه و محنت

من انما نزل و سلمه الایمان و السلام

هیچ عاشق خود نباشد عشق جو

لیک عشقی عاشقان تن زه کند

چون درین دل برق مهر دست

در دل تو مهر حق چون شد دو تو

سبحانک گفت زدن ناید بدر

نشسته می نالد که سی آب گوار

جذب است این عطش در جان ما

کلمه حق و قضا و در قدر

عاشقی گر این سر و گران سر است

ملت عاشق ز ملتها جداست

هر چه گویم عشق را شرح و بیان

آفتاب آمد دلیل از آفتاب

و یکم اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و بارک و سلم اللهم صل

علی محمد ما عندک من العبد و ذریه کل خطیه و محنت

من انما نزل و سلمه الایمان و السلام

لبشب جمعه در مکان مصفی خوشبو مالیده بخور سوخته
 و مکان و مصلای حجامه و پارچه معطر کرده بر جموع
 دل پالنده بار بخواند ان شاء الله تعالی بزیارت اسرار
 کائنات علیه التحية والتسليمات مشرف شود لیکن
 احتیاط جلالی و جمالی نماید در ورجالی است از کاشف الاسرار
 جلالی چون گوشت و ماهی و پیخته و عدس و مشک و صندل
 صندل و پوشیدن کفش و موزه و شانه شاخ و جماع
 و جمالی چون روغن و شیر و جغرات و جنس آنها
 و سرکه و نمک و عسل و خرم و عنبر و مس و قند و مکررات
 چون مساس کردن سیر و بیاز و گندنا و انگوزه و عنبر
 و نقرات احوالی چون آراستگی ریش و خلق سر و کشتن
 جانور و جابه بی و دهنه پوشیدن اگر شری از این شری
 فوط شود در اجابت تاجیه افتد فقط و دیگر از شرح الامور
 طریقه صلوة علیه و تعالی آن از حضرت عمر و
 علی رضی الله تعالی عنهما می آرند بحجت رویت پیغمبر
 صلی الله تعالی علیه و آله وسلم در خواب صلوة
 سه بار رکعت بگذارد و سلام واحد هر روز
 باشد و سلام و التماس باشد و هر
 رکعت بعد از نماز اما آن که بخواهد سبحان
 الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
 و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

[illegible]

بِیْنِی اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ کَمَا اَمَرْتَنَا
اَنْ نُّصَلِّیْ عَلَیْکَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
وَعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ کَمَا هُوَ اَوْلٰهُ وَاَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی اٰلِ
مُحَمَّدٍ کَمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰهُ لَکَ مَهْمَتَا ومرتبه بخواند و بایکصد
مرتبه و با مقصد مرتبه در شب جمعه و گفته شده که در شب
دوشنبه سعادات رویت شریف مستجاب شود البتّه
و دیگر از کتاب وظایف خاصه باید که وقت خواندن
با ادب و با خلص توجه شده خوانند اول این درود
شریف یکصد بار خوانند اللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰی سَیِّدِنَا
مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ وَعَلٰی اٰلِهِ وَارَاجِدْ دُفْرَیَاتِهِ وَاَهْلَ بَیْتِهِ
وَاَصْحَابِهِ اَجْمَعِیْنَ اَفْضَلُ الصَّلٰوةِ وَاَتَسْلِمِ وبارک
و انعم علیهم و تصور کنند که یک تخت است
بساحت چهار ورعه و سه ربع است و یکدو
پار بالابلند است و آن تخت از فضه است همگسان
که داخل در و داند بر آن تخت حبوس نه سازند
و لباس همه از رین است چون در و یکصد بار
ختم شود بر دوست خود سپانین و با سکر
یعنی کهنای و انگشت های هر دو دست
با هم مطابق سازند و ز انگشت هر
دو پا را در و ز انگشت هر دو دست
دست دیگر باشد و این دعا را یکصد بار خواند

بایعت رسول الله علی ان لا اشرك بالله شیئا ولا
اسرق ولا ازنی ولا اسبل ولا اقتل ولا افتری بیهتان فترقیه
بین یدی ورجلی ولا اعفی فی سر و ف منکر
بایعت رسول الله علی خمس شهادة اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد
ان محمدا عبده ورسوله و اقام الصلوة
و ایتاء الزکوة و صوم رمضان و حج البیت
ان استطاع الیہ سبیلا و دست برد
شدن صرف در خواندن این دعا است
نه وقت خواندن این دعا باز درود مسطور
یک صد بار خوانند فقط و سیم در اینجا بر صلی
بر پهلوی راست بخشد زیارت حضرت
صلی الله علیه و آله و سلم میسر شود احبارت از
سوی احسان الله رحمت الله علیه العین
از کتاب وظایف - از پراساس روایت
آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در روایت
کعبه الله اگر کسی خواهم که بسیار باید
که اول دو رکعت نماز فضل بخواند بعد از
صلوة العشاء و بعد دو رکعت بعد از فاتحه
آیت الکرسی بار و اما اعطینا کافورا یزید
بار بعد از سلام هفتاد بار این آیت شریف بخواند

اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ اِنَّ اللّٰهَ وَكَوَلَّيْتُمْ لِمَصْنُوْنٍ
 عَلَيَّ النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا
 اَلصَّلٰوةُ وَاسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَاوَّلَ آخِرِ
 درود و در دو گان بار بخواند دیگر اگر کسی خواهد که
 جمال با کمال محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم
 در خواب بنید از شب جمعه تا شب دیگر غسل کند و بجا
 پاک بپوشد و بنظر کند و در شب هزار بار بخواند اَللّٰهُمَّ صَلِّ
 عَلٰی رُوْحِ مُحَمَّدٍ فِی الْاَرْوَاحِ وَصَلِّ عَلٰی حَسْبِ مُحَمَّدٍ فِی الْمَجَسَدِ وَ
 وَصَلِّ عَلٰی قَبْرِ مُحَمَّدٍ فِی الْقُبُوْرِ وَصَلِّ عَلٰی شَجَرَتِ مُحَمَّدٍ فِی الشَّجَرِ
 وَصَلِّ عَلٰی جَمِیْعِ الْاَتْبَاعِ وَ الْمُرْسَلِیْنَ وَ عَلٰی اَصْحَابِهِ اَجْمَعِیْنَ
 دیگر اگر کسی خواهد که از دیدار خالص الا نور خراب سید البرار
 مشرف شود باید که حسب فرمان واجب الا دعا رسول الله
 صلی الله علیه و آله وسلم برین منظر عمل نماید ان شاء الله تعالی برادر
 قلبی فائز خواهد شد باید که در شب جمعه دو رکعت بخواند
 و در هر رکعت بعد سوره فاتحه و آیه الکرسی سوره اخلاص
 بست و پنج بار بخواند پس سرگاه فارغ شود از نماز شب
 ماند بر آن طریق و بگوید سُبْحَانَكَ قُدُّوسٌ رَبُّنَا وَرَبُّ
 الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوْحِ هَذَا مَسْرُتُهُ بَارِکٌ یُّغْفِرُ مِجْمَانَ اللّٰهِ رَبِّیْ
 سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِیْمِ وَ یُجَبِّدُ هَفْتَ دُبَابِ
 پس بگوید صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اٰلِ
 مُحَمَّدٍ وَ اَصْحَابِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِکْ وَ سَلِّمْ عَلَیْهِ اَلْفَ مَرَّةً

هزار بار پس هر که کرد اینچنین پس خواهد دید
آن دولت پیدا را در خواب ازین جمعه تا شب
جمعه دیگر انشا الله تعالی از کتاب او را دو غرایم
و تکمیل و غیره دیگر نماز رکعت چهار رکعت است ای المؤمنین
عمر رضی الله عنه گفت که چون آرزو بدید از خیمه البشیر می شود
در حال این نماز را بجای آرم حضرت رسالت پناه را بخواب
می بینم و امیر المؤمنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه گفت که
از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدم که یا رسول الله
چون از دیدار شریف شما محروم بمانم بچه چیز آسایم و دلا سائی
ما بچه چیز شود و فرمود چون آرزو کنی راین نماز را
در حال ادا کنی تا مرا بخواب بیند در هر رکعت بعد از فاتحه
انا انزلناه بار و کلمه تجید تا اکبر یا زده بار در رکوع تمام تجید ده
بار در اشبع و تجید در قوسه تجید سه بار و در هر سجده سبحان
ربی اعلی و تجید تا اکبر و دیگر رکعات علی هذا القیاس
و بعد از سلام ده کمره سوره فاتحه ده بار سوره انا انزلناه ده
بار کلمه تجید تا اکبر بعد از این در و گوید صلی الله علیه و آله
بنی الامی خیرة الله محمد آله و عتاهما و اهل بیتک یا ارحم
الرحمین - از کتاب ترغیب الصلین دیگر از همین کتاب
باستاد مهتر حضرت خضر و ایاس علیهما السلام بخیرت رسول الله
علیه و آله و سلم که شخصی عرض کرد که پدر من پسر و نابینا
بسیار ضعیف است دوست دارد که ترا ببیند لیکن قدرت آمدن ندارد

فرمود پدر خود را بگو که در سفت یعنی در سفته
سفت روز این عمل را میکرد و باشد که بگوید صلی الله
علی محمد و آله و سلم تا سفت و در این داور مار انجواب بید
- از سر خفی فی رویت البنی صلی الله علیه و سلم روی عن البنی
صلی الله علیه و سلم انه قال من اراد ان یرانی فی المنام فلیتم
علی طهارت مستقبل القبلة واضعاً راسه علی یده الیمینی
قائلاً اللهم انی اسئلك بحبال وجهک الکریم ان
تربی وجهی بجنبک محمد صلی الله علیه و سلم فی المنام رؤیة
تقر بها عینی و تفسر بها کربتی یعنی روایت کرده شد
از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اینکه گفت که هر که
اراده کرد این که سر او در خواب بیند پس بخوابد
مستقبل قبله در آن حال که سر خود بر دست
راست نهاده باشد و این دعا را بخواند تا
آنکه در خواب رود دیگر فرمود بنی صلی الله علیه و سلم
هر که خواهد که سر او در خواب بیند باید که وضو کند
و غسل کند و مستقبل قبله خواب کند و سر خویش بر دست است
خویش بیند و این دعا بخواند اللهم انی اسئلك بحبال وجهک الکریم
ان تربی وجهی بجنبک محمد صلی الله علیه و سلم فی المنام رؤیة تقر بها عینی
و تفسر بها کربتی و تملی بها شملی و تخرج بها عینی
و یمن بجنبک صلی الله علیه و سلم یوم القیامة فی درجات العلی
و لا تفرق بیتی و یمکنه بجنبک یا کریم اگر همین

قسم سویم در اوراد درود شریف که باستقبال آن رتبه
ان ذات مقدس و لطیف می شود از مرتقات شاه کلیم احد
در شب جمعه بخواند دو رکعت در هر رکعت آیه الکرسی یکبار
و سوره اخلاص یازده بار بخواند و بعد از سلام با حقو قلب
به سرار بخواند **صَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ الْاَمِّیْنِ اَنْخَضَتْ صَلَی اللّٰهُ**
عَلِیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ رَاوِی خَوَابٍ بَنَیْدٌ وَغَفُورٌ شَدُوْعٌ عِنْدَ ابِی مَرْفُوعٍ كَرَدُو سَخْتِی
رَفْرِیَا تَحْقِیْفٌ رَسَدٌ وَّسَكَرَاتٌ سَوَتْ اَسْبَانَ كَرَدُو عَاوِی شَجَا
شَدُو وَنَبَتْ یَا بَدِیْ اَمْرَقَاتِ شَاهِیْ كَلِیْمٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
مَا عَقْدُكَ مِنْ الْعَدُوِّ فِی كُلِّ نَحْطَةٍ وَتَحْتَةٍ مِنَ الْاَزَلِ اِلَى الْاَبَدِ اَللّٰهُمَّ
بَشْبِ جَمْعٍ وَّیَرْكَانٍ مَصْنَعَا خُشْبُو مَالِیْدٍ اَنْزَلُوْنِیْ وَّسَقَاوْنِیْ وَّصَلَاو جَابِهٍ وَّپَارِیْ
مَعَطْرُ كَرَدِهِ بِرُجُوعِ دَلِّ بِاَنْصَدِ بَارِیْ خَوَانِیْ اَنْشَا رَسَدٌ بِدِیَارِ سِرِّ وَّكَثَاثَاتِ
عَلِیْهِ التَّحْنِیْةِ وَالتَّسْلِیْمَاتِ شَرَفٌ شَدُو لٰكِنْ اَحْیَا طَجَالِیْ وَّجَلَالِیْ نَا یَرْا كِرَیْ
دُرُودِ شَرِیْفِ جَلَالِیْ فَانْهَمُ - اَزْفُوحِ الْاَوَادِ وَّیَكْرِیْ بِرِیْضِیْ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ
فَرَسُو دِهَرِیْ كِهْ خَوَابِیْ رَاوِی خَوَابٍ مَبْنِیْ سِیْ اِنْ دُرُودِ مَبْنِیْ دَطَاقِ
یَكُو یَدِیْ عَدُو طَاقِ بَهْرِیْ اَسْتِ كِهْ یَكِیْ سَرَارِ وَّیَكِیْ رَا یَسِهْ وَشَصَتْ
وَّیَكِیْ رَا یَكِیْ صَدِ وَّیَكِیْ رَا خَوَانِیْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ كَمَا اَمَرْتَنَا
اَنْ نُّصَلِّیْ عَلَیْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ كَمَا جَوَّزْتَنَا اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ كَمَا تَحَبَّبْتَ وَتَرْضٰی كِهْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی رُوحِ
مُحَمَّدٍ فِی الْاَزْوَاحِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی حَبِیْبِ مُحَمَّدٍ فِی الْاَحْبَا وَّ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی قَبْرِ مُحَمَّدٍ فِی الْقُبُورِ بِرِیْضِیْ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ
در خواب بیند - از فتوح الوداد نوشته شد

از کتاب وظایف نوشته شد از برای رویت آنحضرت صلی الله
علیه و آله وسلم در رویت کعبه الله اگر کسی خواهد که این شرف
حاصل نماید باید که اول دو رکعت نماز نفسل بخواند بعد از
صلوة العشاء و هر چه خواهد باید که بهر دو رکعت بعد از
فاتحه آیه الکرسی سه بار و انا اعطینا کالکوش یا زین بار بعد
از سلام هفتاد بار این آیه شریف بخواند اعوذ بالله
من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم ان الله مکنت
یصلون علی ابنتی یا ابنتی الذین آمنوا صلوا علیه
و سلموا تسلیاً بعده الصلوة و السلام علیک یا سید من
یا رسول الله اول دأخسه در و د شریف ده بار بخواند
انشار الله تعالی بر او خود خواهد رسید - از کتاب وظایف
و غیره - و عن ابن عباس رضی الله عنه عن ابی بنی صلی الله
علیه وسلم کان یقول ما من یصلی لیلة الحجۃ رکعتین
یقربنی فی کل رکعة فاتحه الكتاب مرة و قل هو الله احد
خمس و عشرين مرة ثم یتکلم ثم یقول الالف مرة صل
الله علی محمد بن ابی النبی الامی فانه ترانی فی منامی
والا لا یتیم الحجة العالمة برانی فی المنام و من رانی
غفر الله تعالی له الذنوب کلمها و از ابن عباس
رضی الله عنه منقول است که نه مود رسول الله صلی الله
علیه و آله وسلم هر که خواند در شب جمعه دو رکعت نماز و
خواند در هر رکعت بعد از الحمد قل هو الله احد تا آخر سب و بیخ بار

بعد سلام من از گوید سزاوار مرتبه صلی الله علی محمد
 البنی الامی پس تحقیق آن خواهد دید مراد خواب است
 که دید مرا خواهد بخشید خداست معصیت های او را می بخشد
 الهنبار - از همین کتاب دیگر اگر کسی خواهد که مجال با کمال
 سید عالم صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب مشاهده نماید
 از شب جمعه تا شب جمعه دیگر غسل کند و جامه پاک بپوشد
 و سطر کند و هر شب هزار بار گوید اللهم صل علی روح محمد
 فی الارواح و صل علی حسد محمد فی الاحیاء و صل علی قبر
 محمد فی القبور و صل علی تربت محمد فی التراب
 و صل علی جمیع الانبیاء و المرسلین و اصحابه اجمعین - از کتاب مذکور
 دیگر اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی
 ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید اللهم بارک
 علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و
 علی آل ابراهیم انک حمید مجید روایت این صیغه
 در صحاح طریقت و بیاربعین درود است لهذا در نزد
 خوانده می شود صحابه رضی الله عنهم بر رسول مقبول صلی الله
 علیه وآله وسلم سحر و من داشتند که با یکدوم روش درود
 فرستیم بر تو بسبب ائمت تو که الله تعالی طهرت علیهم
 ما را داده است فرمود آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
 بگویند اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم
 و علی آل ابراهیم انک حمید مجید اللهم بارک علی محمد

و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم
 انک حمید مجید - از حزب الاعظم دیگر اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
 وَ عَلٰی اٰلِیْهِ وَ اَزْوَاجِهِمُ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ ذُرِّیَّتِهِ وَ اٰہْلِ بَيْتِهِ
 کَمَا صَلَّیْتَ عَلٰی اِبْرٰہِیْمَ اَنَکَ حَمِیدٌ مُّجِیدٌ ہر کہ ہفتاد بار این
 درود را بوقت خواب بخواند اور اودیت حاصل شود
 انشاء اللہ تعالیٰ اَللّٰهُمَّ بَحِّرْ اَسْوَارَکَ وَ مَحْشَرِکَ اَسْرَارَکَ
 وَ لِسَانَ مَحْجَبِکَ وَ عِلْمَکَ مَمْلَکَتِکَ وَ اِمَامَکَ مَحْفَظَتِکَ
 وَ طَرِیْقَ اَزْمَلِکَ وَ خَزَائِنَ رَحْمَتِکَ وَ طَرِیْقَ مَحْفَظَتِکَ
 الْمُسْلِمِیْنَ وَ بِوَجْهِکَ اِنْسَانَ عَیْنِ الْوُجُوْدِ وَ السَّبَبِ
 فِی کُلِّ مَوْجُوْدٍ عَیْنِ اَعْيَانِ اَعْيَانِ خَلْقِکَ الْمُتَقَدِّمِ
 مِنْ خَلْقِکَ صَلَّوْۃٌ تَدُوْمُ یَدَیْکَ وَ تَبْقٰی بَقَاۃَکَ
 لَا تُفْشَرُ لَهَا دُوْنُ عِلْمِکَ صَلَّوْۃٌ تَرْحَمُکَ وَ تَحْرِضُکَ
 وَ تَرْضٰی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اٰلِ سَیِّدِنَا
 مُحَمَّدٍ صَلَّوْۃٌ تُنْقِیْہَا مِنْ جَمِیعِ الْاَسْوَالِ وَ تُقْضِیْہَا بِهَا جَمِیعَ
 الْاَحْجَاۃِ وَ تُطَهِّرْ بِہَا مِنْ جَمِیعِ اَسْیَاۃِ وَ تَرْفَعَنَّ
 بِہَا عِنْدَکَ اَعْلٰی الدَّرَجَاتِ وَ تَبْلُغَنَّ بِہَا اَقْصٰی الْغَاۃِ
 مِنْ جَمِیعِ الْحَیْثَیَّاتِ فِی اَحْجَاۃِ وَ بَعْدِ الْمَمَاتِ
 اِنِّیْ درود سبز نسیم نقاب بر افکن از رخ دولت
 بیدار است دیگر اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ اٰلِہٖ
 اٰلِہٖ وَسَلَّمَ مختصر یہ جمیع ضروریات درو شتمل است
 سوائے تحقیق محدثین کامل بطور درو اگر صد بار یا

هزار بار بخواند همین صیغه بخواند و بگوید این درود
 شریف را از شب چهارشنبه شروع کند و شب
 جمعه تمام نماید در سه شب مطلب حاصل شود
 باستقامت خواهد بود و لباس پاک و فرش هر شب
 یکبار با ربی کم و کاست و با وضو خواب کند اللهم
 صل علی محمد و علی آل محمد بعد از بصری و الوی و التشریح
 دیگر عن النبی صلی الله علیه و آله وسلم انه قال من صل
 لیلة اجمعة رکعتین یصل فی کل رکعة فاتحة الكتاب
 مرة و آیه الكرسی و الاخلاص تسع و عشرين مرة فاذا
 فرغ من صلوته و هو جالس یقول سبحان قدوس ربنا
 سبع و الف مرة و الروح سبعین مرة ثم یقول سبحان
 الله ربی سبعین بعد النظم و بحمد سبعین مرة
 ثم یقول اللهم صل علی محمد و علی آل و اصحاب محمد
 و بارک و سلم علیه الف مرة فمن فعل ذلك فی لیلة
 رانی انشأ الله تعالی فان لم یرانی فی ذلك لیلة رانی
 فی لیلة القبلتہ اجمعت تحقیق منہ سودنی صلی الله
 علیه و آله وسلم هر کس که خواند در شب جمعه دو رکعت
 نماز و خواند در هر رکعت بعد فاتحه و آیه الكرسی
 سورة اخلاص نیت و پنجبار پس سه گاه فارغ
 شود از نماز و آن در حالت نشستن بگوید سبحان و
 قدوس ربنا و رب الملائکة و الروح هفت دبار و بگوید

سبحان الله ربی سبحان الله العظیم و بحمدہ بنقاد
بار باز گوید اللهم صل علی محمد و علی آل و اصحاب محمد
و بارک و سلم علیہ ہزار بار پس ہر کس کہ در چنین
در شب خواهد دید مرا تا در شب آئندہ جمعہ - از ہمین
کتاب دیگر بجهنت کشد گوی کار و فراخی رزق و زیادت
سید الابرار صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم تا شکر کمال دارد
خواص این درود ہزار اند بنا بر آن موسوم بہ
درود ہزارہ و درود معراج است لازم است
کہ ہدام بہ اسور درود خود سازد بسم الله الرحمن
الرحیم اللہم صل علی محمد صاحب الحاج و البدر ابرار
و المعراج و اعلمک دافع البلاء و الوباء و الطاعون
و القحط و المرض و الالام و منقطع المنور و المنور
فی البیت الحرام است کنوت منقوش و مشفوع
منعوق فی اللوح و القلم شمس الضحی بدو الدجی
نور الہدی کف النور سی مضیاع الظلم سید العرب
و المسلمین جلیل الشیم شفیع الائم صاحب الجود و
الکریم اندو عاصم و جبریل خادمہ و الکریم
مرکبہ و المعراج سفیرہ و سدرۃ المنتهی مقامہ
و القاب قوسین مظلومیہ و الطلوع مقصودہ و
القصد موجودہ سید المسلمین خاتم النبیین
شفیع المذنبین راحت العاشقین مراد الشاقین

ازان عمده ترین برکات اینست که بجمال جبرائیل
 آرای سرور عالم خلاصه بنی آدم صلی الله علیه و آله وسلم
 شرف میشود و اگر بهین نیت این صیغه را بیک گداز
 رساند و قنوت کرده تا چهل روز عمده مذکور تمام
 کند و هر شب دو رکعت نماز بکند و سر چه خواهد
 بخواند چون سلام دهد صد بار بگوید یا نور النور یا نور
 الا نور یبلغ عینی روح محمد و از واج رآل محمدین
 السلام بعد از آن استقبال متبذره جنوباً و شمالاً خواب
 کند بفضل الله تعالی در یک چله باین سعادت کامیاب
 شود و اگر خدای نخواسته سبب عدم رعایت شرایط
 این عمل که عمده آنها اکل حلال و صدق مقال است
 در این سعادت نکشاید در چله دوم فضل بفضل حقیقی
 کار خود نماید و معشوق مدعا از در رحمت در آید ابتدا اگر
 خواندن باید که در عروج ماه باشد و صیغه درود شریف
 و اقدس بعد از یک معترکه رده باشد قبل از نماز
 مذکور وقت شب بخواند بعد از آن دو رکعت
 مذکوره گذارده دعا بیکه مذکور شد خوانده جنوباً و
 شمالاً خواب کند انشاء الله تعالی بر او دلی و ثواب
 قلبی کامیاب خواهد شد - از کتاب بیاض سلسله
 حشیه و قادریه ایضاً درود اشرف و اقدس
 سسی بکبریت الاحمسه و اعظم برای حصول این

دولت عظمی مفتاح البواب بسته است و مرهم
 دل‌های ریش‌خسته در و در و مذکورین تصنیفات حضرت
 شیخ عبد القادر حیدرانی رضی الله عنه و افاض من
 برکاته علی جمیع المسلمین و آن در و در و شریف نیست
 بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اجعلنا افضل صنوتک
 عدداً و اتمی برکاتک شرفاً و از کی تحیاتک فضلاً
 و مدداً و عدداً مؤیداً و اتمی سلاسلک ابداً محبداً
 علی اشرف الخلق الانسانیة و الجنانیة و ممدین
 الدنایة و الاشیائیة و طور التحلیات الانسانیة و ممدین
 الاسرار الرحمانیة و ممدین التکلیف القدوسیة و اسام
 المحفرت الشریفة و اسطیفة عقد البیّن و ممدین
 حبش المسلمین و افضل الخلق اجمعین عارل
 یوار البر الاکمل و مالک ازمته الشرف الاکمل
 شایع اسرار الازل و مستطیع انوار الشان الاول
 و ترجمان لسان القدم و منبع النعم و العلم و الحکم
 و منظر سیر الجود الجمی و الکافی و الشان علی الوجود
 العلوی و الشفلی و روح حیدر الکونین و عین حیات
 الدارین المخلق باکلی و شرف الوجود و الشان
 المحقق باسرار المقامات الاصفیة سید الشراف
 و جامع الادب الخلیل الاعظم و الجیب الاکرم
 المحض باکلی المراتب و المقامات المؤید با وضع

السيد الامين والالامات النصور بالرعب والمهجة
 الجوهري الشريف الابدني والنور القديم المحمدي
 سيدنا محمد بن المحمود في الابدان الموجد الفاتح لكل
 شأه وشهود حضرت المشاهدة وشهود نور كل شئ
 ودهاه وسر كل سر وسناه الذي شققت منه الاسرار
 وانفلقت منه الانوار السر الباطن والنور الظاهر
 السيد الكامل الفاتح الخاتم الاول الاخضر الباطن
 الظاهر العاقب الحاشي الناهي الصابر الشاكر
 القانت الذكر الماحي الماحد العزيز القوي القادر
 الحامد والمومن العابد المتوكل الزاهد القايم الساجد
 الماحد التابع الشهيد الولي الحميد البرهان البجة
 الطاع المتبحر الخاضع الخاشع البر المستقر تحت الميزان
 طيسين الزل اسد شرسيد المسلمين امام المتقين
 وخاتم النبيين وجيب رب العالمين النبي المصطفى
 والرسول المجتبي الحكيم اعلم العزيز الحكيم الرؤف
 الرحيم نورك القديم وصراطك المستقيم محمد عبدك
 ورسولك وصفيك وجيبك ووليک ونبيک
 وامينک ودليلک ونجيبک ونجيبک وذخيرةک
 امام الخيرة وفاد الخيرة ورسول الرحمة النبي الامي
 المعصومي القسبي الهاشمي الابهي المكي المدني
 المتقي والشاهد الشهود الولي المقرب العبد

السعود الحبيب المشفع الحبيب الرفيع المياع البديع الواعظ
 البشير النذير العطوف الحكيم الجواد الكريم الطيب الرؤوف
 الرحيم المبارك المكين الصادق المصدق الأمين
 الداعي اليك بأذنك السراج المنير الذي أذكركم
 بجنتها وفاق الخلاق برمتها وجنته جيبا وناجيته قريبا وادنيته
 رقبيا وختمت به الرسالة والبشاق والدلالة والقدرة والبنوة
 ونصرت بالرعب وظلمته بالسحب ورودت له الشمس
 وشققت له القمر والطققت له الضب والظنى والنسب
 وأسجدع والذبيح وأجبل وأجبل والمدد والشجر وأبنت من أصهار الزلال
 وأنزلت من بين يديها المجلد والكتاب وأبلى الغيث والمطر فاعشوا
 شرب منه القفر والصخر والوعر والسهل والربل والحجر
 وأسريت به ليل من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى إلى السموات
 العلى إلى سدرة المنتهى إلى قاب قوسين أو أدنى وأرثية الآيات
 الكبرى والمنة الغاية القصوى وأكرسه بالمخاطبة والمسابقة
 والمشاهدة والمشاركة والمعانيمة بالبصر وخصصته بالوسيلة العظمى
 والشفاعة الكبرى يوم النفر الأكر في الجنة وجعت له جوارح
 الكلام وأجواحه الحكم جعلت له خير الأسماء وغفرت له
 ما تقدم من ذنبه وما تأخر الذي يبلغ الرسالة وأدنى الأمانته
 ونصحه الأمانة وكشف الغممة وحلّى الظلمة وجاءه في سبيل الله
 وعبد ربه حتى أمّاه اليقين اللهم الغنة نعم لما محمودا يعطي
 فيه الأولون والآخرون والآخر منكم اللهم عظمته في الدنيا والآخرة

ذِكْرِهِ وَأَظْهَارِ دِينِهِ وَالْقَارِشَةِ لَعِينَةٍ وَفِي الْآخِرَةِ يَقْبُولُ
شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَأَجْرُهَا وَتَشْوِيقُهُ وَأَيْدٍ فَضْلَهُ عَلَى الْأَكْبَرِ
وَالْآخِرِينَ بِالْمَقَامِ الْمَحْمُودِ وَتَقْدِيرُهُ عَلَى كَائِفَةِ الْمُقْبِلِينَ بِالشَّيْءِ
اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ الْكَبِيرَى وَارْفَعْ دَرَجَةَ الْعُلْيَا وَاعْظِمْ مُوَالِدَهُ
فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى كَمَا أَيْتَتْ إِبْرَاهِيمَ وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
مِنْ أَرْكَامِ عِبَادِكَ عَلَيْكَ شَرَفًا وَمَنْزِلَةً وَمِنْ أَرْكَامِهِمْ
عِنْدَكَ دَرَجَةً وَاعْظِمْ خَطِيئَتَهُمْ وَأَكْلِمَهُمْ عِنْدَكَ شَفَاعَتَهُ
اللَّهُمَّ عَظِّمْ مَرْجَاهَهُ وَأَقْلِبْ حُجَّتَهُ وَأَلْبِسْهُ مَنَاقِبَهُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ
أَيْمَنَ مِنْ دَرَجَتِهِ وَأُتَمِّمَ نَاقِصَتَهُ بِقَبِيلِهِ وَأَجْزِهِ عِيَانًا خَيْرًا
خَيْرَتِ بَيْتٍ عَنْ أُمَّتِهِ وَأَجْزِ الْأَنْبِيَاءِ كُلَّهُمْ خَيْرًا اللَّهُمَّ
صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا شَاءَ مِنْ الْأَلْبَابِ
وَسَمِعْتَ الْأَذَانَ وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ عَدَدَ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ
وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ عَدَدَ مَنْ أَمَّ يُصَلِّي عَلَيْهِ وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ
كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ كَمَا
أَمَرْنَا أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ كَمَا يُبَغْنِي أَنْ يُصَلِّيَ
عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَدَدَ لُغَمَاءِ اللَّهِ لُغَمَاءِ
وَأَنْصَابِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ
وَأَوْلَادِهِ وَأَحْفَادِهِ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ
وَعَشِيرَتِهِ وَتَحْشِيرَتِهِ وَأَصْهَارِهِ وَأَخْتَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ
وَأَشْيَاعِهِ وَأَنْصَارِهِ وَخَلْقَهُ أَكْثَرَهُ وَسَعَادَتِهِ
أَنْوَارِهِ كَلِمَاتِ الْحَقِّقِينَ وَهَذَا الْخَلْقُ وَجُودِ الْأَنْبِيَاءِ

لَمِنْ أَقْتَدَايَ وَسَلَّمْتُ كَلِمَاتٍ كَثِيرَةً إِذَا إِنَّمَا أَبَدًا وَأَدَارُ مِنْ
عَنْ كُلِّ الصَّحَابَةِ بِرَضِي سَرَّيْدًا عَدَدَ خَلْقِكَ وَزَيْنَتِ
عَرْشِكَ وَرَضَا نَفْسِكَ وَسَدَادَ كَلِمَاتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كُلَّمَا ذَكَرَكَ ذَكَرَهُ وَكُلَّمَا
سَمِعَ ذِكْرَكَ غَافِلٌ صَلَوةٌ تَكُونُ لَكَ رِضَاءً وَحَقِيقَةً
أَدَارَ وَلَنَا صَدَاقًا وَآيَةً أَلُوسِيْلَةَ وَالْأَيْضِيْلَةَ وَاللَّحْزَةَ
الْعَالِيَةَ الرَّفِيعَةَ وَالْبَعِيَّةَ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَالْبُلُوَارَ الْمَعْقُودَ
وَالْحَوْضَ الْمَوْرُودَ وَصَلِّ يَا رَبِّ عَلَى جَمِيعِ إِخْوَانِي مِنَ
الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَوْلِيَاءِ وَالصَّابِرِينَ وَكُلِّ كَلِمَتِكَ
الْمُقَرَّبِينَ صَلَواتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ
صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّاسِقِ السَّابِقِ لِلْخَلْقِ نُورُهُ
الرَّحْمَةِ لِلْعَالَمِينَ طَوْرُهُ عَدَدُ مَا مَضَى مِنْ خَلْقِكَ
وَمَا بَقِيَ وَمِنْ سَعَةِ سِتْرِهِمْ وَمِنْ شَفَقَتِي صَلَوةٌ تَشْفِقُ الْعَدَّ
وَتَحِيطُ بِأَحَدٍ صَلَوةٌ لَا غَايَةَ لَهَا وَلَا انْتِهَاءَ وَلَا أَمَلًا
وَلَا انْقِصَارَ صَلَواتِكَ إِلَهِي صَلَّيْتَ عَلَيْهِ صَلَوةً مُؤَدَّةً
عَلَيْهِ مَقْبُولَةً لَدَيْكَ صَلَوةٌ دَائِمَةٌ بَدَ وَاسِكَ بَارِقَتُهُ
بِقَائِكَ لَا انْتِهَاءَ لَهَا دُونَ عَلَيْكَ صَلَوةٌ تَرْضِيكَ
وَتَرْضِيهِ وَتَرْضَى بِهَا عَنَّا وَتَحِبُّ بِهَا دَعَارَنَا وَتَحْتَجُّ بِهَا
وَتَرْزُقُنِي بِهَا تَقْضِي صَلَوةً سَلَامًا أَلَا رِضًا وَالسَّمَاءَ صَلَوةً
تَحِلُّ بِهَا الْعَقْدَ وَتَقْضِي مَجْزَاءَ الْكُرْبِ وَتَجْزِي بِهَا
تُطْفِكَ نِيَّ امْرِئِي وَأَمْوَارَ الْمُتَعَلِّينَ وَبَارِكْ لَنَا

عَلَى الدَّوَامِ وَغَايِنَا وَابْدُنَا وَاجْتَنِبْنَا اِهْتِنِنَّا وَبَسْمُ لَنَا
 اَبُو نَارِ مَعَ الرَّاحَةِ يَسْكُونُنَا وَابْدُنَا وَاسْلَاسَتِ
 وَالْعَاقِبَةِ فِي دُنْيَانَا وَآخِرَتِنَا وَتَوَقُّنَا عَلَى الْكِتَابِ
 وَاسْتَشْتِ وَاجْتَمِعْنَا مَعَهُ فِي الْجَنَّةِ مِنْ عَيْبِ بَيْبِسِ وَأَنْتَ
 رَاحِنَ عَمَّا وَلَا تَسْكُرُنَا وَاجْتَمِعْنَا لَنَا مِنْكَ بِحَيْرٍ وَعَاقِبَتِ
 وَبَدَا مُحْفَتِ الْجَمْعَيْنِ بِيَحْيَى رِيكَ رَبِّ الْعَزَّتِ عَمَّا
 يَصِفُونِ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَانْحَسِدْ يَسْرَتِ الْعَالَمِينَ
 بِرَحْمَتِكَ وَفَضْلِكَ وَلِيُظْفِكَ بِأَرْحَمِ الرَّاحِمِينَ آمِينَ
 اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِكَاتِبِهِ وَلِقَارِيهِ وَلِمَنْ تَوْفَّقَهُ - از مجموعه اوداد
 غوثیه دیگر از همین کتاب دورگیت بعد نماز عشا بخواند
 بعد از سوره فاتحه در هر رکعت آیه الکرسی پانزده بار
 بخواند و بعد از سلام صد بار گوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ حضرت رسالت پناهی صلی
 الله تعالی علیه وآله وسلم را در خواب بنید ایضا از همین
 کتاب اگر بغیر این نماز همین درود شریف در شب جمعه
 بنید و بار بخواند حضرت صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب بنید
 و دیگر از همین کتاب کسیکه صلوة بر رسول الله صلی الله علیه وآله
 بسپارد فرستاده بنید او را در خواب و بیداری کند انقل
 الشيخ الكامل الامام علی بن ابی حمزہ الکبیر عن شیخ احمد بن موسی
 الشریع القسوفی دیگر از همین نسخه سخاوی و محدثان دیگر هم
 آورده اند که محمد بن محمد بن مطهر و اعدو معین از صلوة

پیش از وقت شام در دوشنبی آنحضرت علیه السلام را در
خواب می بیند که درون خانه او در آن خانه را با نون
جمال با کمال خویش روشن گردانیده سیف بر مایند بسیار
این دهن خود که در دوشنبی بسیار سخنان تابوسه دهم بر وی میگوید
که من شرم داشتم که دهان خود پیش دهان آنحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم بنهم رخسار گردانیدم و پیش دهان آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم داشتم پس بوسه داد بر رخسار این
چون بیدار شدم خانه تمام را ایچ مشک در گرفته بود و شام
روز بوی مشک از رخسار من می آمد دیگر از همین کتاب
از خضر و الیاس است که مردی از شام بخدمت آنحضرت
رسید و معروض گردانید که یا رسول الله پدر من مردی پیر
و نابینا بسیار ضعیف است دوست میدارد که ترا بیند
و لیکن ترس دارد که حاضر آید فرمود پدر خود را بگوید و من
یعنی در محنت مشب بگوید صلی الله علیه و آله وسلم مرا خواب
بیند و او همچنان کرد که فرموده رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم
بود پس دید آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم را و دیگر از همین
کتاب یکی از اسباب ادراک شرف رویت رسید انام
در نام علیه صلوات ملک السلام ملازمست صلوة نبویه
بر صفت طهارت بصفه اللهم صل علی محمد و آل محمد
که تأثیر و شرفی که دیگر ملازمست این صلوة نبویه
محصل این سعادت است اللهم صل علی روح محمد

فِي الْأَرْوَاحِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حَبِيبِهِ فِي الْأَحْبَادِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى قَبْرِهِ
 فِي الْقُبُورِ - از همین نسخه دیگر از همین کتاب - در فاضل
 الاسلام می آرد هر که روز جمعه سحر بار در روز فرستد بصیغه
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
 را در خواب بیند یا منزل خود در شبست بیند و اگر نه بیند
 مگر کند آنرا تا پنج جمعه بیند از فضل الهی آنچه سرت بخشد او را
 دیگر هر که بگذارد در شب آدینه دو رکعت نماز بخواند در
 هر رکعت بعد از فاتحه یازده بار آیه الکرسی و یازده
 بار سوره اخلاص و بعد از سلام صد بار در روز فرستد بصیغه
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ و آله و سلم به بیند در خواب
 رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم را اگر ضعیف او باشد
 از سه جمعه گذراند تا رسد تعالی و قد تجزیه و بعضی ألفه
 اَلَيْسَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُوحِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَرْوَاحِ و عَلَى حَبِيبِ مُحَمَّدٍ
 فِي الْأَحْبَادِ و صَلِّ و سَلِّمْ عَلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ فِي الْقُبُورِ سخاوی
 از در را نظم نقل کرده است که هر که درود اقدس بسیار
 بخواند شرف ردت حضرت سید انام علیه التحیته و السلام
 در مقام شرف شود و شرف ملاقات آن حضرت
 صلی الله علیه و آله وسلم برسد و از خواص این درود است که حید
 خواننده بر آتش دوزخ حرام گردد - از همین نسخه
 دیگر از همین کتاب - اللَّهُمَّ لَكَ أَحْمَدٌ لَعْدٌ و لَكَ أَحْمَدٌ
 و لَكَ أَحْمَدٌ لَعْدٌ و لَكَ أَحْمَدٌ و لَكَ أَحْمَدٌ و لَكَ أَحْمَدٌ و لَكَ أَحْمَدٌ

اَنْ مُحَمَّدٌ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ يَبْدُو مِنْ صَلَّيْ عَلَيْكَ وَصَلَّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ كَمَا مَحَبَّتِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْكَ اسناد این حدیث از طبرانی
 است که از اکابر علمای محدثین است گفته است که این
 را در سنن حضرت سید انام علیه افضل الصلوة والسلام
 خوانده و آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم نزد سماع آن
 تبسم فرموده تا آنکه نواجید شریف ظاهر شد از سنایام
 شریف او نور ظهور نموده صلی الله علیه وآله وسلم دیگر
 بعضی شایخ وصیت کرده اند بقرأت قل هو الله احد
 و بکثرت صلوة بر رسول امجد صلوة الله علیه وآله وسلم
 و سیفر سودند که بقرأت قل هو الله احد شناختم خدا می آید
 جل جلاله المنظم را و بکثرت صلوة صحبت داشتم
 به پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم و سیفر سودند که صلوة بر رسول
 الله صلی الله علیه وآله وسلم کیسه بسیار سیفر شد می بیند
 او را در خواب و بیداری - از همین کتاب دیگر از
 همین کتاب - در خواندن این صلوة ثواب بسیار است
 و نیز این را در دو حاضری میگویند الصلوة علیک
 یا خیر النور علی السلام علیک یا نور الهدی
 یا حبیبی سیدی در مانده ام
 رحمة اللعالمینی یا رسول
 مشکلم پیش است و من بر کسی
 یا محمد نطف آدم عام نو
 مرکب اندر حصن عصیان اندام
 هم شفیع المذنبینی یا رسول
 یا رسول الله تو ما را بسی
 بس بود ما را محمد نام تو

الحمد احسن تشفییم نیست کس | یا رسول الله سر یادم بر سر
الصلوة والسلامی تا قیام | بر محمد دال اوصافش مدام

از همین کتاب
از اینجا تا اختتام این قسم همه اعمال از همین کتاب نقل کرده شد
از کتاب سر خفی فی ردیت البنی از سید جلال الدین
الخطاب محمد دم جهانیان قدس سره العزیز هر کس
که اراده کرد اینکه به بنید و شرف شود برودیت
رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در خواب پس باید که
غسل کند از شبهای جمعه و چیزی بصدق کند فقر را
هر چه که آسان شود بر او پس بخواند و رکعت در ادلی
بعد فاتحه سوره و الضحی و در ثانیه بعد فاتحه الم نشرح
پس هرگاه فارغ شود از نماز درودی که نوشته میشود
بخواند چهل و یک مرتبه و این مجرب است نزد عامل
اد و الله تعالی اعلم باسم الله بسم الله الرحمن الرحیم صلوة
الله و رحمته و بركاته و بحسنة بركة و ما طهر من التمام
إلى التواجد و بركة و ما بطن من التواجد إلى التمام
و بركة و ما كينونة عوالم علم القسم على محبة
و آله و اصحابه و اولاده و از واجبه و عشره الطيبين و
على حبسج الاكبيار و المشرسلين و الملائكة المقربين
بعد النفقات و اللغات و اللغات من الامام
و القيا لي و انا عات الى يوم الدين آمين آمين

رب العالمین دیگر اگر خواهد که جمال مصطفوی در خواب
 بیند پس بگذارد چهار رکعت در شب دوشنبه و در
 هر رکعتی بعد از فاتحه آیت الکرسی سه بار و اخلاص
 پانزده بار بعد از سلام یک هزار بار درود شریف گوید
 و بر مصلی با وضو خواب کند به بیند در خواب آن دولت
 بیدار بینی سید الابرار احمد مختار صلی الله علیه و آله و سلم را
 در چند شب بدین دو گانه مواظبت نماید و دیگر من اسرار
 الابرار - اگر خواهد که دیدار سید الابرار احمد مختار صلی الله
 علیه و آله و سلم را در خواب بیند و حاجتی که دارد بخواب خطاب
 از آن رسالت صلی الله علیه و آله و سلم مشرف شود در شب
 چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه چهار رکعت نماز گذارد و در هر
 رکعتی بعد از فاتحه اذانشش کورت و اذانشش نقطه
 در اشش و صنها و الضحی و الم نشرح و اخلاص یک بار
 بخواند و ثواب نماز بروح پاک رسالت پناهی صلی الله
 علیه و آله و سلم بدیهد و بعد از فراغ محضویر و خضوع
 این صلوٰه سه صد بار گوید بنور جمال با کمال انحضرت
 مشرف شود و حاجت او بر آید و بسراود مقصود
 خویش برسد صلوٰه اینست اَللّٰهُمَّ قِنْلِ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی اٰلِ
 مُحَمَّدٍ صَلَواتٍ وَاَیُّمَ کَثِیْرَةٍ طَیِّبَةٍ لَا تُحِیْطُ بِهَا اَحَدٌ اِلَّا اَنْتَ
 وَ لَا تُسَمِّیْهَا اِلَّا عَلَیْکَ وَ لَا تُحِیْطُ بِهَا غَیْرُکَ وَ قِنْلِ عَلٰی اَسْمَاءِ
 الْاَنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلِیْنَ وَ یَکْرِمْ سِرَّ الاسرار - هر که مشتاق دیدن

روی مصطفی و جمال جهان آرای محمد مجتبی صلی الله علیه و آله
 باشد باید که برکت ساره آب روان رود و آنجا سه روز
 بعد نماز چاشت سوره بقره و آل عمران و طه و سین
 بحضور دل بخواند و بعد خواندن سوره ها دو رکعت نماز
 بروح پاک آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم گذارد و در
 رکعت اول بعد از الحمد سوره مزمل و در رکعت دوم
 بعد از الحمد الفجر بخواند بعد از سلام ستر بار این
 صلوات گوید و چشم پوشیده بحضور دل منتظر این دولت
 غیر مترقبه باشد البته در واقع بار روح محمد صلی الله
 علیه و آله و سلم سعادتمند و شادمان باشد به جمال بالکمال حاصل شود
 و مقصود نیز بر آید صلوة اینست یا حی یا قیوم حین
 لا حی فی دنیویست ملک و بقایه یا حی لا اله الا انت ربیع السموات
 و الارض یا الهی صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد
 و آل محمد کما صلیت و بارکت و رحمت علی ابراهیم
 ایاک حجت محمد دیگر از همین نسخه - هر که در شب
 جمعه غسل کرده و در رکعت گذارد و بعد فاتحه الله تبارک و تعالی
 السموات و الارض مثل توره کشکوة اینها مضباح
 فی رجاة الرجاة کانهما لو کنت و رمی یوف من شجرة
 مبارکة زعمونیه لا شریقیه و لا عکبریتی بکاؤ زیت
 یضی و کون کشته ناز نور علی نور یهد الله لنوره من
 یشار و یغیر الله الامثال للناس و الله یحل شی

عظیم بخواند و بعد سلام هزار بار درود بخواند و بزرگترین
 بخوابد رویت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم نصیب گردد
 دیگر از همین کتاب - اگر خواهد که سید عالم صلی الله
 علیه و آله و سلم را در خواب ببیند باید که دو رکعت
 نماز بخواند در شب شنبه و بخواند در هر رکعت
 سورة البسروج سه بار بعد سلام صد بار درود و دو
 صد بار این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا نور
 النور یا مدبر الامور بلغ عنی محمد و آله و اهل محمد
 علیه السلام تحیتة و سلاما و صد بار درود گفته
 بجانب قطب یا جنوب و رو قبله آورده درود
 خوانان بخواب رود بیشک در خواب مهتاب جهانبا
 رخسار رسالتاب صلی الله علیه و آله و سلم را بیند هر که
 شب جمعه هزار بار این درود بخواند کمال سید عالم
 صلی الله علیه و آله و سلم شرف شود و دیگر در شب
 آدینه بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز بگذارد و تسبیح کعبی
 فاتحه و آیته الکرسی یکبار داخل پانزده بار بخواند
 بعد از سلام هزار بار درود بر سید عالم فرستد و با وضو
 در خواب رود بیشک آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم را
 در خواب ببیند - از همین کتاب دیگر هر که در شب
 جمعه هزار بار این درود بخواند کمال سید عالم
 صلی الله علیه و آله و سلم فراز گردد در درو و عظم و سکرم

اینست صلی الله علیه و آله و سلم یا محمد دیگر هر که بعد از نماز و تر
 هزار و یک بار این درود بخواند و بخندد سید عالم
 صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب ببیند اللهم صل علی روح محمد
 و ارواح آل محمد و صلی الله علیه و آله و سلم - از هفتمین نسخه
 دیگر در وقت شب بعد نماز عشاء سیصد و شصت
 و سه بار تا هفت روز و شب باین درود عالی ملائک
 البته از جمال جهان آرای حضرت رسالت صلی الله
 علیه و آله و سلم سرفراز شود و درود موصوف اینست
 اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و باریک و سلم کما
 صلیت و سلمت و باریک و سلمت و ترجمت علی
 انبیا عظیم و علی آل انبیا عظیم انک حنیف مجید و رحیم
 یا ارحم الراحمین - از هفتمین کتاب دیگر از هفتمین کتاب
 اگر خواهد که سر در انبیا صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب
 ببیند باید که این درود را صد بار با وضو با حضور دل و شب
 همه ملائک نماید بکرم الله تعالی سدر ان شب
 جمال آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و چشم
 دل و دیده جانش تجلی رحمت فرماید در دو عالم اینست
 بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی محمد و آل محمد
 و اهل بیت بر محمد و آل محمد یا ارحم الراحمین دیگر از سه خفی
 - در شب همه بعد عشاء یکصد و هشتاد و یک بار
 بخواند و بخندد و بخواند صلی الله علیه و آله و سلم یا محمد پس

بتحقیق خواهد دید خاتم النبوة را صلی الله علیه وآله وسلم در تمام
 دیگر هر که این درود حضرت قادریه را یکصد مرتبه بخواند
 ثواب بسیار دارد درود بر نبی علیه الصلوة والسلام باید
 هر روز یکبار بخواند شب جمعه یازده بار گفت که قتل
 در الصلوة القطب الربانی غوث الصمدانی والمحبوب
 السجانی سید الشیخ محی الدین ابی محمد سید عبد القادر
 اعظمی و الحسینی ابی بلال رضی الله عنهما و اسمها المسمی با
 الکبریت الاعظم و کند ما فی الاصل صلوة علی النبوی
 صلی الله علیه وآله وسلم و کل صلوة منها بایة الف صلوة و بی برة
 لرویه النبوی صلی الله علیه وآله وسلم بعد صلوة العشاء فی محل
 طاهر مرة بعد قرات الاخلاص و المعوذتين ثلاثا ولا
 یتکلم بعد فانه یرى النبوی صلی الله علیه وآله وسلم فی منامه انشا
 الله تعالی مجرب و الحمد لله رب العالمین و بی بن سید الله
 اللهم اجعل افضل صلواتک و انعمی برکاتک سیرة اوزار کی تحیات
 فضلاً و عدداً و اسئلى سلاسلک ابداً و محبداً علی اشرف
 المخلوق الانسانیة و جمیع الدقائق الانسانیة و غور المخلوقات
 الاحسانیة و مہبط الاسرار الرحانیة و اسطیة عقیق البنین
 و مقدم حبش المسلمین و قائد یک اللہ تبارک و تعالی و افضل
 المخلوق الانسانیة حامل لواء الفیض الالہی و مالک اریستہ
 النجم الاثنی شایہ اسرار الالہی و مشاہد احوال بنی الاصل
 و ترجمان لسان القدریم و معبود بن النبی و اعلم و عظم

بِرَّ الْمُحْسِنِينَ أَخْبَرَنِي وَأَكْمَلَنِي وَالْإِنْسَانَ عَيْنَ الْوُجُودِ الْمُتَوَكِّلِ
 وَاسْتَغْفِرُكَ رُوحَ حَبْدِ الْكُوفَةِ وَعَيْنَ حَيْقِ الدَّارِينَ الْمُتَحَقِّقِ بِأَكْبَرِ
 الْمَقَامَاتِ الْأَعْلَى طَهَائِيَةِ السَّجْدِ الْأَعْظَمِ وَالْحَبِيبِ الْأَكْرَمِ
 نَبِيِّكَ الْأَعْظَمِ وَرَسُولِكَ الْأَكْرَمِ الْهَادِي إِلَى صِرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ
 سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا وَحَبِيبَنَا وَشَفِيعَنَا مُحَمَّدٍ ابْنِ الْبَيْتِ الْأَمِيِّ وَرَسُولِ
 الْعَرَبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاصْحَابِهِ وَآزْوَاجِهِ وَوَدَّعِيَّتِهِ وَأَهْلِ
 بَيْتِهِ عَدَدَ سَعْدٍ مَا تَأْتِي وَبِدَادِ كَلِمَاتِكَ وَكَلِمَاتِ ذِكْرِكَ
 الْغَاثِ فَلَوْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ كُنَّا كَثِيرًا أَذْهَابًا مَبَارَكًا كَأَكَاثِفَةِ كَسَا
 سُحُبٍ أَنْتَ وَتَرْضَى وَرَضَى اللَّهُ عَنْ أَصْحَابِهِ رَسُولِ اللَّهِ
 أَجْمَعِينَ - اَرْسَلْنَا نَحْنُ آدِرْدُهُ أَنْدَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَلِمَاتٍ ذَكَرَهُ اللَّهُ الْكَرُونَ وَكَلِمَاتٍ سَهَى عَنْهُ
 الْغَائِفُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَوَّأَهُمْ
 وَنَحْنُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْتَ
 أَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ
 عَدَدَ سَعْدٍ مَا تَأْتِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ ابْنِ الْبَيْتِ وَعَلَى كُلِّ
 نَبِيٍّ وَرَسُولٍ عَدَدَ كَلِمَاتِ رَبَّنَا الثَّانَاتِ الْبَارِكَاتِ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَنَبِيِّكَ وَ
 رَسُولِكَ الْبَيْتِ الْأَمِيِّ وَعَلَى آزْوَاجِهِ وَوَدَّعِيَّتِهِ عَدَدَ
 خَلْقِكَ وَرَضَائِكَ وَزِينَةِ عَرْشِكَ وَبِرَّادِ
 كَلِمَاتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ مَدْلُوقِ
 دَائِرَتَيْدِ دَائِرَتِكَ اللَّهُمَّ يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرُ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَقْبَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَفَرِّتِهِ
 وَآلِ بَيْتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ جَمِيدُ مَجِيدُ
 كثر استتمال هر یکی ازین صیغ باعث حصول بار
 بقی است ان شاء الله تعالی از کتاب حزب الاعظم
 و غیره آورده اند که روزی سیدة النساء فاطمة
 الزهراء رضی الله عنہا بخداوند تعالی عهد کرد
 که تا لاک مرتبه صلوة بخوانم روی مطهره شود
 سید عالم صلی الله علیه و آله وسلم نه بنیم در آن اثنا
 آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم بخانه فاطمه سر
 رضی الله عنہا شریف ارزانی فرمودند حضرت
 خاتون جنت رضی الله عنہا سر فرود برد و چشم
 نکشاد سید عالم صلی الله علیه و آله وسلم بزبان درفشان
 ارشاد فرمودند که ای فاطمه چه احببتم نکشای
 عرض نمود که یا رسول الله من بخدمت ای نقی العبد
 کرده ام که تا لاک مرتبه صلوة بر حضرت تو نفرستم
 نظر بر روی مبارک تو نکنم آن حضرت صلی الله
 علیه و آله وسلم نیز سر در مرتبه نشست و بردند که ناگاه
 جبرئیل علیه السلام آمد و طاهره نمود که یا رسول الله
 خدا ای تعالی مرا بر شما میفرستد با تحفه درود و تسبیح
 بفاطمه الزهراء بگویند که این درود را یک مرتبه

بخواند و چشم بکشد که ثواب یک لک درود دارد آنحضرت
صلی الله علیه و آله وسلم بفاطمه الزهرا رضی الله تعالی عنها
فرمودند که این درود بخوان و چشم بکشد و بار بار بین که لک
مرتبه درود خواند باشی و این درود را در دو فاطمه بنام کنند
و آن اینست **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ سَيِّدِنَا**
مُحَمَّدٍ بِبَدَدِ النُّورِ كَيْفَ وَ الْبَسْرَى وَ الْكَلَمَةِ كَيْفَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ هر که درود فاطمه را هفت بار بر هر
عصه خود بخواند وقف زند و یا رسول الله خدای بی
گویان در خواب رود بجمال محمدی صلی الله علیه و آله و سلم
مشرف شود و مقصود اصلی و فرعی او محصول انجام
از همین کتاب تقدیم خضر علیه السلام عبید العسکری ذیاباغ
اقراره فی البسره ای سال لر دیته البنی و اجمع معه به سزا
فی کل یوم یعنی این درود شریفی است که تقدیم خضر است
عبید العسکری ذیاباغ را برای رویت آنحضرت
صلی الله علیه و آله و سلم در بیداری هر گرا بخت بیدار
یاری کند هفت هزار بار هر روز بخواند درود شریف
اللَّهُمَّ أَجْمَعِ بَيْنِي وَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ وَ بَيْنَ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ
يَقْطَعُ قَبْلَ الْخُسْوَهِ وَ الْكِرْهِ هر که درود سظم را هفت
بار بخواند اجتهاد در صلی الله علیه و آله و سلم را در وقت
پیش درود اینست **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَكْرَمْتَ**
أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيْهِ **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَكْرَمْتَ**

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَصَلِّ عَلَى آلِهِمْ وَصَلِّ عَلَى رُوحِهِ مُحَمَّدٍ
فِي الْأَرْوَاحِ وَعَلَى جَبَدِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَجْبَادِ وَعَلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ فِي الْقُبُورِ
- از همین نسخه ترکیب دیدن جمال با کمال محمدی صلی الله علیه
وآله وسلم در خواب نفقه هر روز مفت بار این درود بخواند
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَلِّ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَكُلِّهِمْ وَكُلِّ شَيْءٍ حَبِيبٍ
در دوستان را در دو سازد بعد از نماز خفتن بخواند
و بعد از خواندن سخن نگوید و با وضو در خواب رود و جمال
مصطفی علیه وآله الصلوة والسلام شرف شود - از همین
کتاب دیگر در شب آدینه بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز
بگذارد و در هر رکعت بعد از الحمد آیه الکرسی یکبار
و اخلاص پانزده بار بخواند بعد از سلام هزار بار درود
برسد عالم صلی الله علیه وآله وسلم فرستد و با وضو در خواب
رود و بیشک آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب بیند
- از همین نسخه دیگر از همین کتاب - در شب جمعه غسل کرده
دو رکعت نماز گذارد و بخواند در هر رکعت بعد فاتحه الله
نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِ شَكْوَةِ دِيْنَاهَا مِصْبَاحُ
فِي زُجَاجَةٍ الرَّجَاجَةِ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دَرِّيٌّ يُوْقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ
مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَنْبُتُ بِبَيْتِ كَعْبٍ وَزَيْتُونَةٍ
نَخِيشِيٍّ وَكُتُبُهُ نَارُ نُورٍ وَعَلَى نُورِهِ يَهْدِي اللَّهُ السُّبُلَ مَنْ
يَهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ لُذٍّ اللَّهُ أَكْثَرُ النَّاسِ وَالدُّعَاءُ شَيْءٌ عَظِيمٌ
و بعد سلام هزار بار درود بخواند و بر زمین بخوابد و بگوید

محمدی صلی الله علیه و آله وسلم نصیب گردد و یکبار که بعد
از نماز وتر خستار بار و یکبار این درود بخواند و بخشد
سید عالم صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب بیند
اللهم صل علی روح محمد و بارک و ارحم ال محمد و بحبه و ایت السلام
- از سر خفی و یکبار از همین نسخه - اللهم صل علی محمد و علی
آل محمد و بارک و سلم کما صلیت و سلمت و بارکت و رحمت
و ترحمت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم اناک حمید و مجید
بر حمتک یا ارحم الراحمین هر که سیصد و شصت و سه بار
تا صفت روز و شب این درود را ملازمست نماید البته
از جمال جهان آرا می رسول مقبول صلی الله علیه و آله وسلم شرف
گردد و دیگر هر شب دو رکعت نماز گذارد و در هر رکعت
سوره و التضحی سه بار بعد سوره الحمد شریف بخواند و نیز
الم نشرح صفت بار بعین در خانه خالی یا در مسجدی صد بار
این صلوة بگوید اللهم صل علی محمد و علی اهل محمد و علی
علی محمد و علی اهل محمد و علی محمد و علی محمد و علی محمد
یا صل علی محمد و علی محمد و علی محمد یا صل علی محمد و علی محمد
فصل کما تحت و ترحمی انی لصلی علیهم چنان بر سر صلی
نشسته باشد که جمال جان افروز سید عالم صلی الله علیه و آله وسلم
در واقع ظهور تجلی خواهد کرد - از همین کتاب دیگر از کتاب
غزایم و تنجیسات و غیره - ترتیب خواندن درود که مطهر بن
سید رسول بنا علیه الرحمن منقول است باید که بعد از غشا

و صوفیید کرده و رو بقبله ایستاده شده متوجه در جمال مبارک
صلی الله علیه و آله و سلم شود گو یا که در حضور صلی الله علیه و آله و سلم
دامن دولت و رحمت در دست نیاز خود گرفته بنحو اند
درود اقدس و اشرف اینست **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی اٰلِهِ**
وَاٰلِهٖ بِعَدَدِ كُلِّ مَعْلُوْمٍ تک اول یازده مرتبه **الصَّلٰوةُ وَاَلسَّلَامُ**
علیک **یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ** گوید و بعد در خواندن درود شریف
مشغول شود و خوشبوی لازم گیرد و هر قدر که خواهد بپوشد و
و تعبد او بخواند و بعد اتمام درود و موصوفه یازده بار
الصَّلٰوةُ وَاَلسَّلَامُ علیک **یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ** گوید و بعد آن
هفتاد و یک مرتبه **لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّیْ کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ**
بخواند بعده فاتحه خوانده سر سجده نهاده تصور کند گو یا
که بر قدم مبارک سر نهاده ام و دعای حاجت خواهد بود
الهی و توجه حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و سلم
بمقصود خویش برسد طریق دیگر برای زیارت پرش است
رسول مقبول صلی الله علیه و آله و سلم بعد نماز عشاء غسل کند
و اگر نتواند و صومئ جسد ید کرده دو گانه نیت الوضوء او را
نماید بعد دو رکعت نماز نفل تحفه بروج رسالت مآب
سرور کائنات منقحه سرجود است علیه افضل الصلوة و
اکمل التیمات اگر در هر چه از قرآن مجید و اند بخواند بعد
از آن فاتحه بخواند و حضرت شیخ محمد اعلی الله علیه و آله و سلم
فرموده اند بعد از آن **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی رَسُوْلِکَ**

یا بعد مرتبه یا ارحم الراحمین بخواند و بعد ازین اول و آخر
 درود صلوة التمجید یا هفت هفت بار و در میان یا الله
 یا یغفر یا یکرار و یکصد مرتبه بخواند بعد ازین تا وقت خواب
 در و دیکه مذکور خواند شد بخوانده باشد و خوانده خوانده در و
 رود و جمیع شرایط نگاه دارد و خوشبختی لازم گیرد که بسوزاند و
 بهمانجا بخواب رود و استدابر و چهارشنبه کند در راه
 اول تا بر و ز جمعه و تا صبح سخن بکس نگوید و قبل شروع حسب
 مقدور چیزی طعام به محتاجان بخوراند انشاء الله شرف
 بشرف زیارت پرشارت سید انام علیه الصلوة و السلام
 خواهد گردید اگر مرد شاغل است بعد ازین وظیفه در شغل
 مشغول باشد و گرنه این درود بخواند تا وقتیکه خواب در چشم
 نیاید در و موصوف اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل
 علی محمد بن المصطفی و آله المجتبی بعد از آنکه الحمد لله
 لا تقدر و لا تحصى اللهم اجعل محمداً حبیبک معارفنا
 بعینی کما جعله فی قلبی یا رسول الله صل الله تعالی علیک
 نور و شرف عید یا ربنا ینتک در و یتک کما کونت
 و شرفت قاری باشد یتک فانی مشتاق الیک
 یا رسول الله علیه و آله و آله یا جمیع بر خمتک یا ارحم الراحمین
 - این عمل از کتاب عزایم و شجرات و غیره نوشته
 شد و یکشنبه که در رکعت نماز بعد از نماز عشاء بگذارد
 و در اول رکعت بعد از فاتحه آیه الکرسی یکبار و سوره غافر

پانزده بار و در دوم همین سوره قرائت نماید بعد از آن
 این درود هزار بار بگوید اللهم صل علی محمد وعلی حبیبک ورسولک
 النبی الامی وعلی اله وبارک وسلم و بعد از آن خواب نیز از سرور
 کائنات مغفرت موجودات صلی الله علیه وسلم خواهد بیاید
 از سرخشی قسم چهارم دعایابی و اشتغال و او را در آفتاب
 که در باب زیارت فیض ابشارت رسول اکرم صلی الله
 علیه وسلم تجزیه بزرگان دین و در باب صدق یقین
 رسیده و بهائی فرخنده و سعادت انتقامی جمال باکمال
 سایه دولت و رحمت بر رفارق ایشان گسترده
 برای دیدار آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
 گفته اند هر که اراده کند که بیند رسول الله صلی الله
 تعالی علیه و آله وسلم را در خواب پس بخواند قبل
 از نماز غشا دو رکعت و بخواند در هر رکعت بعد
 فاتحه سوره اخلاص سه بار پس هرگاه بخواند نماز
 غشا نیک نظام با کسی و بخواند دو رکعت نماز بخواند
 در هر رکعت بعد الحمد قل هو الله هفت بار و در خواند هر
 نبی صلی الله علیه وسلم هفت بار پس هرگاه سجده کند استغفر الله
 ربی من کل ذنب و التوب الیه هفت بار و صلوة فرستد
 بر رسول الله صلی الله تعالی علیه و آله وسلم هفت بار و بگوید
 سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول
 و لا قوت الا بالله العلی العظیم هفت بار

بخش نشیند و بلند کند هر دو دست خود را و بگوید یا حی یا قیوم
 یا قاضی الحاجات و اَللّٰهُمَّ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ یا رَحْمَنُ اللّٰهِ تَسْمِعُ اللّٰهَ حَشْرَةً
 وَ حِیْثُمَا یا اَللهُ اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ خَبِیْرٌ یَّارَ تَیَّابٍ یا رَبُّ یا اَللهُ یا اَللهُ یا
 اَللهُ برای دیدار فیض انوار سید ابرار احمد مختار صلی الله علیه
 و سلم و دیگر از اولیای کرام و اموات نام هر که که دل خواهد پس
 بر گاه اراده کنی که بینی رسول الله علیه السلام یا یکی از اولیای کرام
 را پس دهنده خبر ترا از خروج رنج و تعب که در این دست و پامیزی
 پس و نمون و پوشش لباس ظاهر و خواب کن استقبال
 قبله بر دست راست خویش و بخوان در شمس و صبحها سبع
 مرات و الیل اذ الیغشی هفت بار و قل هو الله احد هفت بار
 یا نبخوان اللهم اُرِنِیْ فی سَمَیْ کُنْزِکَ وَ کُنْزِکَ اَو اَقْعِلْ لِیْ مِنْ کُنْزِیْ فَرِحًا
 وَ خَیْرًا وَ اُرِنِیْ فِیْ مَنَکَرِیْ مَا اسْتَغْنٰ بِهٖ عَلٰی اِجَابَةِ دَعْوٰتِیْ پَس
 تحقیق خواهی دید در اول شب یا در شب ثانی یا در شب ثالث
 چیزی را که طالب میکنی و این از اسرار مخزونه است منقول از
 نقات رحیم الله از مائة العوامل دیگر کسی خواهد که با حضرت
 مصطفی صلی الله علیه و سلم و اصحابه و جمیع ارواح ط
 ملاقات کند باید که بیرون شهر رفته بکناره آب غسل کند
 بعده سر برهنه دو رکعت نماز و هفت بگذارد بعد از آن دو رکعت
 دیگر صلوة اللہ و اح گذارد در اول رکعت بعد فاتحه
 بست یکبار سوره اخلاص و در ثانی بست و یکبار
 معوذتین بخواند بعد سلام سر سجده کند و سه بار

اغثنی اغثنی بگوید بعد از این اسم را هفت هزار مرتبه بخواند
بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم و قسید که
این مرتبه تمام شود روی سوی آسمان کند ایستاده شده سه
گام راست و چپ رود و اما رو از قبله برگرداند و حضرت مصطفی صلی
علیه و آله و سلم را در ملا حظة آورد تا آنکه خود معبودم شود بعد چشتم
را بکشتید از راه حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم
را و جمله اصحاب رضی الله عنهم در نظر جلوه خواهند ساخت هر
حاجتی که باشد عرض کند ساخته گردد و این عمل فقیر
است و بعد از این مناجات بخواند الهی آنچه بد کردم ندانم
فقط که درم بخشش بحسب فضلک اللهم لا اله الا انت محمد الرسول الله از جواب
و گیر الله صدای و عندک مددی و عذیک معتمدی اغثنی بجمعه
و عذرتی الطاهرین جبهت ادیت صلی الله علیه و آله و سلم
تا هفت شب هر شب دو هزار بار بخواند از سخن الدعوات
و بگوید ابراهیم نبی نقل می آید که گفت که پرسیدم از خضر
علیه السلام که مرا چه نیازی تعلیم کن که پیغمبر صلی الله علیه و سلم
را در خواب ببینم گفت اگر آرزوی دیدن جمال جهان آرای
میداری باید که بعد از مغرب تا نماز شب سمنی بکسی نگو
و بنماز مشغول شو چون وقت عشا شود غوغا جید کرده
دو گانه تحت الوضوء بگذار و بخوان در هر رکعت بعد فاتحه
سوره احزاب هفت بار پس نماز عشا با جماعت بخوان
و سخن با یکس مگو و بخانه نویسنش برو و نماز وتر بخوان

بخوان باز در وقت خواب دو رکعت نماز به نیت استخارا
بگذارد و بخوان در هر رکعت بعد سوره فاتحه سوره اخلاص سفت بار
بعد سلام در سجده رود و استغفار بگوید و در آن سجده بخوان
اللّٰهُمَّ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ هفت بخوان بعد سه رکعت از سجده بردار و برابر بنشین
دست بردار یا حی یا قیوم یا ذوالجلال و الاکرام یا الله الا و لیلین و
الا حسیرین و رحمتها یا رب یا رب یا الله یا الله یا الله بعد سه
خیزد و قیام دعای مذکور بخوان سه بار یا پنج بار یا هفت بار باز
در سجده رود و دعای مذکور بخوان و استقبال قبله خواب کن
و در دو گویان در خواب روا بر ابراهیم گفت از که آموختی حضرت
علیه السلام گفت از پیغمبر علیه الصلوة والسلام ابراهیم گفت
ثواب این نماز بیان کن گفت و تحقیق پیغمبر علیه السلام را در
بالای خوابی پرسید ابراهیم میگوید من این عمل کردم و امیدوار
تقای مبارک بودم تا صبح شد عزم نمودم شب آینده نیز
عمل کنم درین فکر بودم که وقت ارتقاع النهار مرا خواب در بود و جماعه
فرشتگان دیدم که مرا در بهشت بردند پس دیدم قصری از انوار
و زمره در درارید و جو بهای از شیر و شراب در یک قصری
حوری دیدم که روی او در حشال تراز آفتاب بود و گیسوی
او تازمین افتاده پرسیدم که این قصر و حور و فرشتگان از کیست
گفت هر که این عمل کند میوه و شراب بهشت خود و فرشتگان
مرا بجای رسانند که جمال جهان آرا می پیغمبر صاحب صلی الله

علیه و آله وسلم را دیدم و همراه آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 بهفتاد و نوبی علیهم السلام بودند و هفتاد و هفت از لشکریان بودند
 سلام کردم بپیغمبر علیه السلام دست من گرفت پرسیدم
 یا رسول الله صلی الله علیه و سلم خضر از شما نقل چنین را
 فرمود فرمود که راست گفته است چرا که او عالم اهل زمین است و در
 الا بر کامل یقین از کتاب عزالم و او را دو نسخه است نوشته شده
 و یکم بر که نوشته است اسم محمد رسول الله و اخمد رسول الله صلی
 پنج بار و نظر کرد وقت طلوع شمس بطرف آن و صلوة و در
 فرستاد بکثرت بر رسول صلی الله علیه و سلم خواهد دید
 رسول کاریات علیه التحية والتسليمات را در بنام از جمعه
 او را و غوثیه و یکسر در روز پنجشنبه روزه دارد و در شب
 جمعه وضوی جدید کند و تحیت و منو بگذارد و در بستر
 خواب رود و بر بیلوی راست حسید و این اسما
 تکسر از یکند حضرت رسالت پناه صلی الله تعالی
 علیه و آله و سلم را در خواب بیند اسما مکرر این است
 یا کبریم یا اعفوی یا العذل انت الشدنی ملاک کل شئی
 بعد از کتاب مصنفه ضامن حسین خان نقل
 شد دعای سیفی هر که خواند است که
 بینم نبی علیه السلام را و یا یکی از انبیاء
 کرام علیه السلام را یا یکی از اقطارب خویش
 یا یکی از اولیای امی فرخنده کیستش را پس بخواند چهل

ویکبار دعای حزر یحیی را پس خواهد دید و در مقام
 مطلوب دعوت خویش را و دعای حزمیه را
 این است بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ أَصَلِّ
 وَأَسْأَلُ عَلَى سَيِّدِ الرَّسَالِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ
 اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ الذِّمَّةُ لِلَّهِ الْإِلَهَ الْأَنْتَ
 رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ غَلَبْتُ سَوْءًا وَفَلَسْتُ نَفْسِي وَأَغْرَقْتُ
 بِيْضَتِي فَأَعْفُفْ عَنِّي ذُنُوبِي كُلَّهَا فَإِنَّهُ لَا يُعْفِرُ اللَّهُ ذُنُوبَكَ أَنْتَ يَا رَبِّ
 يَا عَظُوفٌ يَا شَكُوفٌ يَا حَلِيمٌ يَا حَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ وَأَنْتَ لِلْمُحْتَدِّ أَسْلَ عَلَى مَا خَفَضْتَهُ بِي مِنْ
 حَوَائِبِ الرِّغَائِبِ وَأَوْصَلْتَ إِلَيَّ مِنْ مُضَارِبِ الْقَضَائِبِ
 وَأَوْفَيْتَنِي بِي مِنْ أَحْسَنِ نِكَاحٍ وَأَوْفَأْتَنِي بِي مِنْ أَحْسَنِ نِكَاحٍ
 وَأَوْفَيْتَنِي بِي مِنْ مُطَهِّتَةِ الصَّدَقِ وَأَوْفَيْتَنِي مِنْ مَشِيئَةِ الْوَارِثَةِ
 إِلَيَّ وَأَحْسَنْتَ إِلَيَّ مِنْ رِزْقِ نَارِ الْبَيْلِيَّةِ عَنِّي الشُّوْفِيَّةِ
 إِلَيَّ وَالْوَجَابَةِ لِدُعَائِي حَسْبِيَ أَنْتَ يَا رَبِّ
 وَأَنَا حَيْثُكَ رَاحِبٌ وَأَدْعُوكَ صَارِعًا مُضَارِعًا
 مُصَارِعًا وَحَسْبِيَ أَرْضُكَ رَاحِبًا فَاحْجِدْ
 عَنِّي الْمَوَاطِنَ كُلَّهَا فِي حَبَابِ رَاحِ حَسْبِيَ حَفِيَّةٌ
 بِأَرْضِ رَاحِ وَفِي الْأَمْوَالِ كُلِّهَا نَاصِرًا وَفِي الْأَنْفُسِ أَوْ نَاطِقًا
 وَفِي الْخَلْقِ يَا وَلَدَ الْوَلَدِ عَنْ فَسَادٍ وَفِي الْغَيْبِ
 سَائِرًا أَلَمْ أَعِدْ أَحْسَنَ نِكَاحٍ وَخَوْنِكَ وَبِرَّتِكَ
 وَخَيْرِكَ فِي طَرَفَةِ عَيْنٍ مُبْدِ أَنْزَلْتَنِي دَارَ الْإِحْتِيَاءِ

وَالْعَفْوَ وَالْغَيْبُ رَاسُهَا إِلَى فَيْمَاءٍ أَقْبَى مِمَّ إِلَيْكَ لِلْأَعْلَى
فَأَنَا عَتِيقُكَ يَا مُؤَلَّامِي مِنْ جَمِيعِ الْمَضَارِّ وَالْمَضَالِ
وَالْمَصَائِبِ وَالْمَوَالِبِ وَالْمَعَالِبِ وَاللُّوَارِبِ
وَاللُّوَارِمِ وَالْهَسْنُومِ الَّتِي قَدْ أَوْزَعْنِي فِيهَا الْعُتُومُ
بِمَعَارِضِهَا أَضْيَابَ الْبَلَاءِ وَفَرْزِهَا جَهْدَ
الْقَصْدِ لَا أَذْكُرُ مِنْكَ إِلَّا الْجَمِيلَ وَلَمْ يَكُنْ
إِلَّا التَّقْصِيلُ حَسْرَتِي شَالِي
وَصُنْعَكَ لِي كَامِلٌ وَلَطْفَكَ كَافِلٌ وَفَضْلَكَ
عَلَيَّ مُتَوَاتِرٌ وَنِعْمَكَ عِنْدِي مُتَصَدِّقٌ لَمْ يَخْفَرْ حَوَارِي
وَصَدَقْتَ حَبَارِي وَمَسَاحِبْتَ أَسْفَارِي
وَأَكْرَمْتَ أَخْصَارِي وَشَفَيْتَ أَسْرَارِي
وَعَافَيْتَ نَفْسِي وَمَشَوَاتِي وَلَمْ تَشْمِتْ
بِي أَعْدَائِي وَرَمَيْتْ بَيْنَ رِجَالِي لِسُوءٍ وَكَفَيْتَنِي شَرَّ
عَادَائِي مُحَمَّدِي لَكَ وَاصْبُ وَتَارِي عَلَيْكَ شَوْهَرِي
وَأَيُّكُمْ مِنَ الدَّهْرِ إِلَى الدَّهْرِ يَا لَوَانِ التَّسْبِيحِ لَكَ خَالِصًا
لِذِكْرِكَ وَتَرْغِيئِكَ يَا صَاحِبَ التَّوْحِيدِ وَارْتِدَادِ التَّفْرِيدِ وَ
إِتْمَانِ التَّجَنُّدِ بِطَوْلِ التَّعَبُّدِ وَالتَّخْفِيدِ لَمْ تَعْنُ فِي ذِكْرِكَ
وَلَمْ تَنْشَأْكَ فِي الْإِهْتِيكِ وَلَمْ تُعْلَمْ لَكَ مَائِيَّةٌ وَمَائِيَّةٌ
تُسَلِّطُونَ لِلْأَشْيَاءِ الْمُخْتَلَفَةِ نَجَاتًا وَلَمْ تُعَامِنِ أَوْجُهَاتُ
الْأَشْيَاءِ عَلَى الْعَذَائِمِ الْمُخْتَلِفَاتِ وَلَا حَرَقَتْ الْأَوَامِ
حُجُبُ الْغُيُوبِ إِلَيْكَ فَاعْتَبِدْ مِنْكَ مُحَمَّدٌ وَدَائِمِي عَطْفِكَ

لَا يَسْتَعْلِكُ بَعْدَ الْإِسْلَامِ وَلَا يَنْتَلِكُ غَوْصُ الْفُطْنِ وَلَا يَسْتَهْنِي الْبَيْتُ
لَبَّرْنَا ظَهْرِي فِي مَجْدِ حَبْرِي وَتَبَّكَ إِذَا تَقَفْتَ عَنْ صِفَتِ الْمُخْتَوَيْنِ
ذَلِكَ وَصِفَاتِ قُدْرَتِكَ وَعَلَى عَيْنِ ذِكْرِكَ الْكَرِيمِ كَبْرِيَا وَتَبَّكَ
عَظَمَتِكَ فَلَا يَسْتَقِصُّ مَا ذَرَأَتْ أَنْ يَزْدَادَ وَلَا يَزِيدُ مَا ذَرَأَتْ أَنْ يَنْقُصَ
وَلَا يَنْدُ شَيْءُكَ حِينَ فُطِرَتِ الْخُلُقُ وَلَا يَنْدُ حَقْرُكَ
حِينَ بَرَأَتْ الْفُتُوحُ كُلَّتِ الْإِسْنُ عَنْ تَقْصِيرِ صِفَتِكَ وَ
الْحُسْرَى الْعُقُولُ عَنْ كُنْهٍ مَعْرِفَتِكَ يُوصَفُ عَنْ كُنْهِ صِفَتِكَ
مَا رَأَتْ وَأَرَأَتْ أَلَمْ تَرَ الْمَلِكَ الْحَيَّ الرَّعْدَ دَسُ الرِّدْهِ لَمْ
تَنْزَلْ أَزْلِيًّا أَبَدِيًّا سَرْمَدِيًّا دَائِمِيًّا نَحْيَ حُجُبِ الْغُيُوبِ
وَحَدْرِكَ لَا شَرِيكَ لَكَ كَيْسَ فَنِيَا أَحْمَدُ عَيْنِكَ
وَلَمْ يَكُنْ لَهَا إِلَهٌ سِوَاكَ حَارِثَ فِي بَجَارِ مَلَكُوتِكَ
عَمِيقَاتِ مَذَاهِبِ الْفِكْرِ وَلَوْ أَصْنَعْتَ الْمَلُوكَ لِيَسْبُحَكَ
وَعَسَتْ الْوُجُوهُ بِذِلَّةِ الْإِسْتِكَانَةِ لِعِزَّتِكَ وَالْفَاءُ
كُلِّ شَيْءٍ عَظَمَتِكَ وَالسُّسْلِيمُ كُلِّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِكَ
وَرَبُّو بَيْتِكَ وَخَضَعَتْ لَكَ الرُّقَابُ وَكُلُّ دُونَ ذَلِكَ
خُسْبَةِ اللُّغَاتِ وَصَلَّ نَبَاكَ التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ
الصِّفَاتِ مِنْ تَفَكُّرِي فِي ذَلِكَ رَاجِعُ طَرَفِي إِلَيْهِ حِينِي
وَعَقْلِي مَبْهُوتَا وَتَفَكُّرِي مُخَيَّرَا أَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا
دَائِمًا كَثِيرًا مُتَوَارِبًا مُتَوَاتِرًا مُتَبَعًا مُتَبَعًا مُتَوَاتِرًا
يَدُومُ وَلَا يَبِيدُ عَنِ مَنَاقِبِكَ فِي الْمَلَكُوتِ وَلَا يَنْقُصُ
فِي الْعَالَمِ وَلَا يَنْقُصُ فِي الْبُزْجَانِ فَكُلِّ الْحَمْدِ عَلَى مَكَارِمِكَ

الَّتِي لَا مَصْلَى فِي النَّفْسِ إِذَا أَوْبَرُ وَالْقَبْرِ إِذَا اسْفَرُ وَفِي كِبَرٍ وَالنِّجَامِ وَالْعُدُ
وَالْأَمْسَالِ وَالْعَشَى وَاللَّيْلَ وَالْجَارِ وَالْقَبْرَ وَالْأَسْحَابَ وَمِنَ كُلِّ
جُزْءٍ مِنْ جُزْءِ النَّفْسِ وَالنَّفْسِ أَلَيْسَ بِمَوْفِقٍ قَدْ وَخَّضَ
تَنِي السَّجَاةَ وَخَطَّتْ فِي نَفْسِكَ نِي وَكَأَيْتَ الْعِصْمَةَ مِنْكُمْ أَبْرَزَ
نَفْسِكَ فِي سَبْعِ نَحَائِكِ وَتَتَابَعِ أَلَا نَفْسُكَ فَخْرُكَ أَلَا
فِي الرَّدِّ وَالْمُتَابَعِ نَفْسُكَ فِي السَّعْيِ وَالْوَقَاحِ عَنِّي وَلَمْ تَطْلُقْنِي
ثَوَقٌ طَافَتِي وَلَمْ تَرْضَ عَنِّي أَلَا طَافَتِي فَإِنَّكَ أَنْتَ إِلَهُ الْبَرِّ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ أَغْبِ وَلَا تَغْيِبْ عَنْكَ عَائِيَّةٌ وَلَا تُخْفِي عَنْكَ
حَائِيَّةٌ وَلَنْ تَهْجُلَ عَنْكَ فِي ظِلِّ الْخُفْيَاتِ ضَائِيَّةٌ إِنْهَا
أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ رَبِّ لَنْ تَكُونَ أَلَيْسَ
لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ إِبْرَاهِيمَ مَا حَمَدْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَحَمْدَكَ بِهِ
النَّاسُ يَدْعُونَ وَوَحْدَكَ بِهِ الْمَوْحِدُونَ وَحَمْدَكَ بِهِ الْمُتَجِدِّونَ
وَكِبْرَكَ بِهِ الْكَبِيرُونَ وَبِلَكَ بِهِنَّ الْبَلَاءُونَ وَتَعْظَمَكَ
بِهِ الْمُعْظَمُونَ وَتَسْبِّحَكَ بِهِ السَّابِّحُونَ وَقَدْ سَبَّحَكَ بِهِ الْمَقْدِسُونَ
حَتَّى يَكُونَ لَكَ مِثْلِي وَحَمْدِي فِي كُلِّ طَرَفَةٍ عَيْنٍ وَكُلِّ مَن
وَلَكَ مِثْلُ حَمْدِ جَمِيعِ الْحَايِينَ وَتَوْحِيدِ أَصْنَافِ
الْمَوْجِدِينَ وَالْمُخْلِصِينَ وَالتَّقْدِيرِ أَجْنَاسِ الْعَارِفِينَ وَ
شَتَا جَمِيعِ الْمُهَلِّينَ وَالْمُسَلِّينَ وَالْمُسَبِّحِينَ وَمِثْلُ مَا أَنْتَ بِهِ
رَبِّ عَالَمٍ عَظِيمٍ وَهُوَ مُشْتَمُودٌ وَخَبُوتٌ وَخُجُوتٌ
مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ لَمْ يَمُوتْ مِنْ أَمْنِكَ أَمْرٌ وَالْبَرُّ أَيْمَانٌ وَاللَّهُ تَعَالَى
وَأَزْهَبَ إِلَيْكَ فِي بَرَكَةٍ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ فَمَا

لَيْسَ مَا كَلَفْتَنِي بِهِ مِنْ حَقِّكَ وَاعْظِمَ مَا وَعَدْتَنِي بِهِ عَلَى
 شُكْرِكَ ابْتِداءُ عُنْتِي بِالتَّوَكُّلِ وَفَضْلُكَ وَفَضْلُكَ وَأَمْرُكَ
 يَا شُكْرَ حَقِّكَ وَعَدْلُكَ وَعَدْلُكَ عَلَيَّ عَلِيَّهِ أَشْغَا فَاؤْمُرْ بِمَا أَوْعَدْتَنِي
 مِنْ زُرَّتِكَ وَأَسْأَلُكَ الْكُثْبَةَ أَوْ رَحْمَتَكَ أَوْ رَحْمَتَكَ
 وَسُئِلْتَنِي مِنْ شُكْرِكَ الْيُسْرَةَ صَغِيرَةً أَوْ كَبِيرَةً
 وَعَسَا يُقْبَلُ مِنْ جِهَةِ الْبَلَاءِ وَلَمْ تَسْأَلْنِي بِهِ السُّؤَالَ
 قَصْدَ لَكَ وَبَلَدَ لَكَ وَجَعَلْتَ مَبْسُومِي الْعَامِيَّةَ
 وَأَوَّلِيَّتِي الْمُسْلِمَةَ وَالرَّحْمَةَ وَسَوَّغْتَ لِي الْيُسْرَةَ
 الْقَصْدَ وَصَاعَفْتَ لِي الْأَشْرَفَ الْفَضْلَ مَعَ مَا وَعَدْتَ
 تَنِي بِهِ مِنَ الْحُجَّةِ الشَّرِيفَةِ وَبَشَّرْتَنِي بِهِ مِنَ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ
 وَأَصْطَفَيْتَنِي بِأَعْظَمِ التَّيْهِنِ دَعْوَةً وَأَفْضَلِهِمْ لَنَا شَفَاعَةً وَ
 أَوْصَيْتَهُمْ بِحُجَّتِهِمْ وَأَمْرِهِمْ مَنْزِلَتَهُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 وَعَلَى حَبِيبِ الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي
 مَا لَا يَسَعُهُ إِلَّا مَغْفِرَتُكَ وَلَا يَحْفَظُهُ إِلَّا عَفْوُكَ وَلَا يَكْفِرُهُ
 إِلَّا تَجَاوُزُكَ وَفَضْلُكَ وَهَبْ لِي فِي يَوْمِي هَذَا وَلَيْلَتِي
 هَذِهِ وَشَهْرِي هَذَا وَسَنَتِي هَذِهِ يَقِينًا صَادِقًا يُؤْمَنُ
 عَلَى مَصَائِبِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَآخِرُ النَّهْيِ
 وَيُسَوِّقُنِي إِلَيْكَ وَيَرْحَمُنِي فِيمَا عِنْدَكَ وَالْكَثْبَةَ لِي
 عِنْدَكَ الْمَغْفِرَةَ وَبَلِّغْنِي الْكِرَامَةَ مِنْ عِنْدِكَ وَأَوْزِرْ عَنِّي
 شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْمَلِكُ الْوَاحِدُ
 الْأَحَدُ الْمَلِكُ الْمُتَعَالِي الْمُبِينُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الَّذِي

لَيْسَ لَكَ مَرْكَطٌ مَرْفُوعٌ وَلَا عَنْ قَضَائِكَ مُنْتَجِعٌ وَأَشْهَدُ
أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّي وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ
فَا طَرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَالَمِ
الْكَلْبِيِّ الْمُتَعَلِّقِ أَتَى أَسْمَاكَ الثَّبَاتِ فِي الْأَمْرِ وَالْعُسْرَةِ
عَلَى الرَّشْدِ وَالشُّكْرِ لَكَ نَعَمَكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ
جَوْرِ كُلِّ عَابِدٍ وَبُغْيِ كُلِّ بَاغٍ وَحَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ وَكُفْرِ كُلِّ كَاكِبٍ
وَعَذْرِ كُلِّ غَادِرٍ وَكَيْدِ كُلِّ كَايِدٍ وَشِيْثَانِيَةِ كُلِّ كَاشِحٍ وَبِكَ
أَصْنُولُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَرْجُو أَوْلَدِيَّةَ الْأَحِبِّ وَالْفَرَّانِ
فَلَا تُخْذِلْنِي عَلَى مَا لَا اسْتَطِيعُ احْصَاؤُهُ وَلَا تَغْدِرْهُ
مِنْ عَوَائِدِ فَضْلِكَ وَعَوَارِفِ رِزْقِكَ وَالْوَلَانِ مَا زُوَيْتَنِي بِهِ
مِنْ أَرْفَاقِكَ فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَاثِي فِي أَهْلِ حَمْدِكَ
الْبَاسِطُ بِالْجَوْرِ يَدَكَ لَا تَضَارُّ فِي حُكْمِكَ وَلَا تَنْزِلُ فِي
سُلْطَانِكَ وَقَدْ رَحِمْتَ رُفُوعَكَ وَأَمْرَكَ تَعْلَمُ
رَبَّنَا أَنَا نَامُ مَا شَاءَ وَلَا يَكُونُ مِنْكَ إِلَّا مَا تُرِيدُ اللَّهُمَّ
أَنَّكَ أَنْتَ النُّعْمُ الْمُفْضِلُ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ الْمُقْسِدُ
الْقُدُّوسُ فِي تَوْحِيدِ الْقُدْسِ تَرَدَّدْتَ بِالْعُسْرِ وَالْعِلَّةِ
وَنَادَرْتَ بِالْعُظْمَةِ وَالْكِبَرِ يَا وَفَعِشْتَ بِالثَّوْرِ وَالْقِيَامِ
وَتَجَلَّيْتَ بِالنَّبَايَةِ وَالنَّبَايَةِ لَكَ أَمْسُ الْقَدِيمِ
وَالسُّلْطَانِ الشَّامِ وَالْمَلِكِ الْبَارِعِ وَالْجَوَّالِ
وَالْقُدْرَةِ الْكَاطِبَةِ أَلْبِ الْبَلَاءَ مَلَكُ الْحَمْدِ عَلَى مَا جَعَلْتَنِي
مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهِيَ أَفْضَلُ

بَنِي آدَمَ الَّذِينَ كَرَّمْتَهُمْ وَجَمَلْتَهُمْ فِي السَّيْرِ وَالْجَبْرِ وَزَكَّيْتَهُمْ
مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْتَهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْتَهُمْ مِنَ الْإِنْسَانِ
تَفْضِيلًا وَتَقَنَّنِي سُبْحًا بِصَبْرٍ صَحِيحٍ وَسَوِيًّا
سَاءَ مَا مَعَ الْكَافِيَّةِ وَلَمْ تَشْغَلْنِي بِتَقْصَانٍ فِي بَدَنِي
وَلَمْ تَمْنَعْنِي كَرَامَتِكَ إِنَّمَا وَجَّهْتَ صَنِيعَكَ خَيْرًا مِنْ فَضْلٍ
هَذَا يَكُنْ لَكَ يَا دُعْمَاءُ عَلَى أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي تَوَسَّعَتْ
عِلْمِي فِي الثَّمَنِاتِ رَزَقًا وَاسْعَاءً فَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ
مِنَ خَلْقِكَ تَفْضِيلًا فَجَعَلْتَ لِي سَعْيًا لَيْسَ بِكَ
وَعَشَلًا لَيْسَ بِكَ إِنَّمَا نَكَّ وَبَصَّرَ أَيْمَنِي قُدْرَتَكَ وَ
فَوَادَّ كَيْفَ رَزَقْتَ عَقْلِي وَقَلْبًا يُعْتَقِدُ تَوْحِيدَكَ فَإِنِّي
لَفَضْلِكَ عَسَى حَسْبُ مَا رَزَقْتَ نَفْسِي شَاكِرًا
وَبِحَقِّكَ شَاكِرًا يَا نَكَّ حَتَّى قَبَّلَ كُلَّ صَدَقَةٍ
وَحَتَّى يَبْكُلَ حَتَّى وَحَتَّى يَبْعَثَ كُلَّ نَبِيٍّ وَحَتَّى لَمْ يَبْرُثِ أَحْيَاةٌ
مِنَ حَتَّى لَمْ يَنْقَطِعْ خَيْسِرٌ عَقْلِي فِي كُلِّ وَقْتٍ وَلَمْ يَنْزِلْ
بَنِي عَقُوبَاتٍ إِلَّا تَقَرَّرَ وَلَمْ يَمْنَعْ عَقْلِي وَقَالَ لَوْ لَوْحٌ وَحَدِيدٌ
عَلَيَّ وَثَالِقٌ وَنَعِيمٌ فَإِنْ لَمْ أَذْكَرْ مِنْ أَحْسَابِكَ إِلَّا عَقُوبَاتٍ
عَقْلِي وَالتَّوْفِيقُ لِي وَإِنَّمَا جَابَتْهُ الدُّعَا لِي حِينَ رَحِمْتَ
صَفِيًّا بِتَوْحِيدِكَ وَتَحْنِينِكَ وَتَحْنِينِكَ وَاللَّهُ فِي تَقْدِيرِكَ
خَلَقَ حِينَ صَوَّرَ عَقْلِي فَاحْشَشْتُ صَوْرَتِي يَا إِلَهِي فِي قَسَمَةِ
إِلَهِ رَزَقَ رِزْقًا فَتَدَبَّرْتُ لِي لَكَ فِي أَوَّلِ الْفَعْلِ
شُكْرِي عَنْ بَشَرِي تَعْنِيكَ إِذَا فَلَكَ شُكْرِي فِي الشُّكْرِ

اَعْظَمَ اَمَّ اَللّٰهِ اَتَقَلَّبُ فِيْهَا وَلَا اَبْلُغُ شُكْرَ شَيْءٍ
 مِنْكَ فَتِلْكَ الْحَمْدُ عَدَدًا وَحِفْظُهُ عِلْمُكَ وَعَبْدُكَ وَسَخْفُهُ
 وَتَمَلُّكَ عَدَدًا مَا احْصَيْتُ بِهِ قُدْرَتَكَ وَاضْعَافُ مَا تَسْتَوْجِبُهُ
 مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ فَتَقَرَّبْ اِلَيَّ بِمَا بَقِيَ مِنْ غَمْرِيْ لِمَا
 احْسَنْتُ اِلَيَّ فِيْهَا مَضَى مِنْهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ وَارْتَوِيْ
 اِلَيْكَ تَوَجُّبًا وَتَحْيِيًّا وَتَوَكُّلًا وَكَبِيرًا يَّابُكَ وَ
 كَلَامَكَ وَتَكْبِيرَ عَظَمَتِكَ وَتَوَكُّرَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَعِلْمِكَ
 وَوَقَارِكَ وَمَنْكَ وَبَيَّازِكَ وَجَمَالِكَ وَجَلَدِكَ وَ
 سَهْلَتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَاحْسَنُكَ وَامْتِنَانِكَ
 وَرَحْمَتِكَ وَبَيْتِكَ وَعِزَّتِهِ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ اَنْ تُصَلِّيَ
 عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى سَائِرِ اَخْوَانِهِ مِنَ النَّبِيِّ اَوْ الْمُرْسَلِيْنَ
 فَاَنْ لَا تُخَيِّرَنِيْ بَرَقَدِكَ وَفَضْلِكَ وَجَمَالِكَ وَجَلَدِكَ وَوَقَارِكَ
 كَرَامَاتِكَ وَالنَّظَرِ اِلَيَّ وَجِهَكَ وَاشْفُوقِ اِلَيَّ لِقَائِكَ نَائِلَةً
 لَا يَغْتَبِرُكَ لَكثْرَةُ مَا قَدْ نُشِرْتَ مِنَ الْعَطَا تَا عَوَائِقُ
 اَنْجَسَ وَلَا يَنْقُصُ جُودُكَ اَلشَّكْرِ فِي شُكْرِ تَعَمُّدِكَ
 وَلَا تَشْفَقُ مِنْ رَأْفَتِكَ مَوَارِدُكَ اَلشَّكْرِ وَلَا يُوْشِرُ فِي جُودِكَ
 اَلْعَظِيمِ مِثْلَكَ اَلْفَ اَلْفَةِ الْجَنَّةِ الْجَنَّةِ وَلَا تُخَالِفُ اَلْيَمِّ اَنْ تَلْقَى
 نَتِ كَدِّهِ وَلَا يَلْحَقُكَ خَوْفٌ عَدَمٍ فَيَنْقُصُ مِنْ جُودِكَ
 قَبِيضُ فَضْلِكَ اَللّٰهُمَّ اَرَزُقْنِيْ لَبًّا حَاسِدًا خَافِيًا
 صَارِعًا وَبَدَنًا صَابِرًا وَوَقِيْنًا صَادِقًا وَرَسًا ذَا كِبَرٍ اَوْ خَافِيًا
 وَغِيْنًا بَاكِيَةً وَرِزْقًا وَاسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَفَتْرًا كَامِلًا

وَوَدَّ اَصْحَابُهَا وَاَسْتَأْذَنُوهُ وَعَمِلُوا صَالِحًا وَلَوْلَا تَوَسُّعُ رَحْمَتِكَ
وَأَسْمُكَ بِذِقَانَا وَاسْحَابُكَ لَدَلَّ طَيْبًا وَلَا تَوَدُّ مِنَّا مَن
وَلَا تُنَبِّئُنِي ذُلُّكَ وَلَا تُخَشِّفْ عَيْنِي سِرِّكَ وَلَا تُقْضِضْ
مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تُبْعِدْنِي مِنْ كُنْفِكَ وَخَوَارِكِ وَأَعِزَّنِي
مِنْ سَخَطِكَ وَغَضَبِكَ وَلَا تُنْكِرْ مِنْ رَحْمَتِكَ ذُلَّكَ
وَكُنْ لِي أَيْمَانًا مِنْ كُلِّ رُوعَةٍ وَوَحْشَةٍ وَخَلِيسًا
مِنْ كُلِّ رَاحِدَةٍ وَأَعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ وَخَبْرٍ مِنْ كُلِّ
بَلِيَّةٍ وَأَفِنِي وَعَايَتِي وَغَضَبِي وَخُسْفَانِي وَشِدَّةَ بَنِي الدَّارَيْنِ
أَتَمَّكَ لَا تُخْلِفُ الْبَيْعَ اللَّهُمَّ وَلَا تُضَعِّبْنِي وَأَوْفَعْ عَيْنِي وَلَا تُفَرِّقْ
وَأَعْظِمْنِي وَلَا تُخْرِجْنِي وَالْكَرَمِي وَلَا تُشْنِي وَزِدْنِي وَلَا تُقْضِضْ
وَالْحَزَنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي وَالنُّصْرَانِي وَلَا تُخْذِلْنِي وَأَسْتُرْنِي وَلَا تُفْضِخْ
وَالْأَرْزَنِي وَلَا تُؤْثِرْنِي عَلَى وَاحِفِطِي وَلَا تُضَيِّعْنِي فَأَنْتَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ
يَا ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَلَلُّهُمَّ مَا قَدَّرْتَ لِي مِنْ أَمْرٍ وَشَرَعْتَ
لِي فِيهِ بِرُحْمَتِكَ وَتَبَسَّيْتُ بِرَحْمَتِكَ يَا حَسَنَ الْوُجُوهِ كُلِّهَا
وَأَصْلَحِيهَا وَأَوْصُوهُمَا فَأَنْتَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ يَا أَلَا جَابِرُ
جَدِيدُ يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ بِأَمْرِهِ يَا مَنْ
بُنِيَ السَّمَاءُ أَنْ يَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ اللَّهُ يَأْمُرُ بِأَمْرٍ
أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ
الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ كُلِّ شَيْءٍ وَالْبَرِيَّةُ تُرْجَعُونَ وَصَلَّى
اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ

وَأَذِّنْ لِلْعَذَابِ الْكَافِرِينَ
يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْفُ
الطَّيْفِ ارْتَعَادٌ

تسلیماً گشاید گشاید ایا از خم الزم الزم جیف و یا غیر انصارین
از محمد و دعای سیفی و چهل اسماء و غیره نوشته شد
از شیخ نصیر الحق و الدین محمود الدودینی چیراغ و هلی
قدس سره هر که بعد از ادای نماز خفتن چهار رکعت
بگذارد بدو سلام و بعد فاتحه سوره و الفصحی او الم نشرح
و انا انزلنا و انا انزلناه الارض یگان یگان بار بخواند
و بعد از سلام بفتاد بار و رود شریف بخواند و بفتاد
بار استغفر الله و با طهارت در جای پاک خسید
سید عالم صلی الله علیه و سلم را در خواب ببیند
از سر خفتی و دیگر از همین کتاب هر که غسل فرماید و
پوشاک لطیف لباس تن نماید و دو رکعت بگذارد
و این اسم را زیر سر دارد رسول اکرم نبی معظم صلی الله
علیه و سلم را در خواب ببیند اسم اینست تمییز
سطح سطح سطح و دیگر از همین کتاب اگر کسی
مشتاق دیدار شریف و رویت لطیف رسول کریم
علیه التحیة و التسلیم شود باید که در شب جمعه دو
رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد سوره فاتحه
سوره اخلاص سه بار بخواند و این دعای متبرکه را
هفت نوبت بخواند و اگر خواندن نتواند در زیر بالین
خوابد و در خواب رود آنحضرت صلی الله علیه
و آله و سلم را در خواب ببیند و هر حاجتی که خواهد بگوید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اللَّهُ
اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللَّهُ اللَّهُ الرَّحِيمُ الْحَكِيمُ اللَّهُ اللَّهُ الْكَرِيمُ
الْعَلِيمُ اللَّهُ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ اللَّهُ اللَّهُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ اللَّهُ
اللَّهُ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ اللَّهُ اللَّهُ الْغَفُورُ الْوَدُودُ اللَّهُ اللَّهُ الشَّكُورُ الْحَلِيمُ
اللَّهُ اللَّهُ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ اللَّهُ اللَّهُ الطَّيِّبُ الْخَبِيرُ اللَّهُ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْمَوْجِدُ
اللَّهُ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَيُّ اللَّهُ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ اللَّهُ اللَّهُ الْعَلِيمُ
الْقُدُّوسُ اللَّهُ اللَّهُ الْكَبِيرُ الْكَبِيرُ اللَّهُ اللَّهُ الْقَادِرُ الْوَثَّابُ اللَّهُ
اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ اللَّهُ اللَّهُ الْكَرِيمُ الْمُتَعَالَى اللَّهُ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْوَاحِدُ
اللَّهُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ اللَّهُ اللَّهُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الرَّؤُوفُ اللَّهُ اللَّهُ
الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمَنُ اللَّهُ اللَّهُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ اللَّهُ اللَّهُ الرَّقِيبُ الْمُجِيبُ
اللَّهُ اللَّهُ الْخَالِقُ الْخَلَّاقُ اللَّهُ اللَّهُ الْمُبْدِئُ الْعِيدُ اللَّهُ اللَّهُ الْحَكِيمُ
الْعَلِيمُ اللَّهُ اللَّهُ الشَّاهِدُ الشَّهِيدُ اللَّهُ اللَّهُ الْوَلِيُّ الْوَكِيلُ اللَّهُ
اللَّهُ الْقَابِضُ الْكَرِيمُ اللَّهُ اللَّهُ الشَّامِخُ الْغَوَّاسُ اللَّهُ اللَّهُ الْقَوِيُّ الْمُبِينُ
اللَّهُ اللَّهُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ اللَّهُ اللَّهُ الْخَنَّاسُ الْخَنَّاسُ اللَّهُ اللَّهُ مُحَمَّدٌ الرَّسُولُ
الْوَحْيِيُّ اللَّهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ وَاصْحَابُهُ أَجْمَعِينَ
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ از کتاب مذکور دیگر در مخطوط
حضرت علوی قدس سره هر گاه خواهد که بینی
آن دولت بیدار یعنی سید الدبرار احمد مختار
صلی الله علیه وسلم را در جواب پس بعد نماز
مغرب غسل کن و بخوان دو رکعت نماز نفل
و بخوان در هر رکعت بعد سوره فاتحه سوره اخلاص سه بار

و همچنین بعد نماز عشا و قبل از نود و دو رکعت بخوان در هر رکعت بعد فاتحه سوره
اخلاص هفت بار و در روی صلی الله علیه وسلم هفت بار و تسبیح هفت بار
پس هرگاه سلام دهی و از نماز فارغ شوی بنشین بر مکان خود و بلند کن مردود
دست خود را و بگو یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام یا اکرهم
الراحمین یا رحمن الرحیم یا ذا الازهره و ریحها یا اله اکبر کلین
یا آخرین یا رب یا رب یا رب یا الله پس هرگاه کردی این چنین رجوع ساز بطرف
مکان خویش و پاک دار مکان خود را و دست راست خود زیر خساره خود داشته
و رو گردان بخواب رو خوابی دید روی رسول الله صلی الله علیه وسلم را در خواب
چون ماه تمام در غمام و این نماز آموخته حضرت علیه السلام است ابوسعید می گفت
گفت رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه اراده کنی لقای مرا در خواب بخوان
این صلوة خوابی دیدم در خواب ایضا از کتاب مذکور هر که دو رکعت نماز
گذارد در هر رکعت بعد از فاتحه امن الرسول تا آخر سوره و اخلاص نیز از ثبوت
بخواند و بعد از سلام این دعا بخواند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبحَانَ مَنْ
تَعَزَّاهُ بِالْقُدْرَةِ وَقَهَّرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ فَأَمَتَهَا اللَّهُ كَأَحْوَلٍ
وَأَقْوَرَةٍ أَكْبَالَ اللَّهِ هُرْتُبْ این وظیفه بخواند و اگر نتواند شب جمعه لازم
کنند به جمال سر در عالم صلی الله علیه وسلم سرفرازی یابد و دیگر از کتاب
مذکور هر که حرف ج هر شب هزار بار بخواند بعد از هفت شب حضرت رسالت
صلی الله علیه وسلم را در خواب ببیند ایضا حرف سیم اگر صد بار در وقت
نماز جمعه بخواند در شب جمال محمدی صلی الله علیه وسلم را در خواب ببیند
ایضا حرف نون در روز جمعه وقت نماز چهار صد بار بخواند نبی حرمین
رسول الثقلین امام القبلین را در خواب ببیند نماید از کتاب مذکور و دیگر

هر که چهل و یکبار این دعا خواند بخواب رود سید عالم صلی الله علیه و سلم را در خواب
 بیند دعا اینست یا نور النور و یا هدی الهدی و یا نور یلغز و یا محمد و
 ارواح آل محمد و صحبه حجیه و سلاما و دیگر هر که این حرف را بنویسد
 و بر سر سرهند بشرط آنکه با طهارت بخشد خواجه عالم صلی الله علیه و سلم را در خواب
 بیند با مراد تعالی کیم مصطفی علوا صلیح و سلسله مصطفی از همین کتاب
 ایضا هر که خوابد که جمال خواجه عالم سرور بنی آدم صلی الله علیه و سلم را
 در خواب ببینیم باید که این کلمات را بسیار گوید اللهم یا رب العالمین
 و الشهدا الحکام و الزکین و المقام اقرء علی روح محمد بن السلام
 ایضا هر که این دعا بدین قواعد که نوشته میشود بخواند البته در سه شنبه شب
 چهارشنبه و شب پنجشنبه و شب جمعه در یک از این شنبهها بیدار شود و کاینات
 سر دفتر موجودات محمد صلی الله علیه و سلم مشرف گردد قواعد خواندنش غنیت
 که بوقت خفتن بعد از فراغ کار فاتحه بروح سلطان نظام الدین اولیا
 قدس الله تعالی روحه عزیز بخواند بعد از آن سه بار درود خواند و دعا متروک کند
 و هفت بار بخواند بعد از آن سه بار درود خواند و رو بسوی قبله نموده و سر بجانب
 قطب ساخته بخوابد بجمال با کمال محمدی صلی الله علیه و سلم مشرف شود و دیگر
 از همین نسخه برای حصول دولت مشابه محمدی صلی الله علیه و سلم بدین
 طریق پاس انفس نماید ارجی بجمالك یا سر سؤل الله از همین کتاب
 و دیگر اگر حرف جم ستواتر هر شب هزار بار بخواند با جمال با کمال محمد صلی الله
 علیه و سلم مشرف شود و بجمال هر پیغمبر که اراده داشته باشد در خواب بیند
 از همین کتاب و دیگر هر که در شب جمعه بعد از نماز خفتن هزار بار المستغاث یا رب
 یا سر سؤل الله بخواند بجمال با کمال آنحضرت صلی الله علیه و سلم مشرف و متنازل گردد

له در خواب
 و تکیه نفس
 تصدیق و چون در خواب
 کلماتی مستجابند
 از جمله دعوات

النخمين نسخه از کتاب مذکور اگر کسی خواهد که خوابه عالم صلی الله علیه و سلم را
 در خواب ببیند در شب جمعه تا سه روز این اسم شریف را دو صد مرتبه بخواند
 اللَّهُمَّ يَا لَطِيفُ حضرت صلی الله علیه و سلم را در خواب خواهد دید و دیگر از
 همین کتاب هر که نود و نه نام رسول انام علیه الصلوة والسلام را لازم باشد
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم را در خواب ببیند و بشارت یابد و هر مشکلی در همه
 آسان شود و مستجاب الدعوات گردد و در جمیع مقاصد او بر آید و فراخی رزق
 نصیب شود و ترقی درجات حاصل آید نود و نه نام اینست مُحَمَّدٌ أَحْمَدُ حَامِدٌ
 مُحَمَّدٌ قَاسِمٌ خَالِدٌ خَالِدٌ حَاشِيٌّ حَاشِيٌّ سَاحٌ مُبْدِيٌّ كَلْبِيٌّ نَذِيرٌ
 دَاعِيٌّ هَادِيٌّ مُهْدِيٌّ رَسُولُ نَبِيِّ طَلَبِ الْيُسَيْنِ مُزْمَلٌ مُدْنِسٌ
 صَفِيٌّ خَلِيلٌ كَلِيمٌ حَبِيبٌ مُصْطَفَى مُرْتَضَى مُجْتَبَى مُخْتَارٌ
 نَاصِرٌ قَدِيمٌ حَافِظٌ شَهِيدٌ عَادِلٌ حَلِيمٌ نُورٌ مُجِيبٌ بُرْهَانٌ
 بَيِّنٌ مُؤْمِنٌ مُطِيعٌ مُذَكَّرٌ وَاعِظٌ أَمِينٌ صَادِقٌ كَاطِقٌ
 مَلِكٌ مَدَنِيٌّ أَبْطَحِيٌّ عَرَبِيٌّ هَاشِمِيٌّ هَاشِمِيٌّ قُرَشِيٌّ حِجَازِيٌّ مِصْرِيٌّ
 أُمِّيٌّ عَرَبِيٌّ حَرَامِيٌّ مُتَرَبِّصٌ رَوَّافٌ رَحِيمٌ يَتِيمٌ غَنِيٌّ جَوَادٌ فَتَّاحٌ
 عَالِمٌ طَيِّبٌ طَاهِرٌ مُظْهَرٌ خَلِيبٌ فَصِيحٌ سَيِّدٌ مُقَفِّيٌّ إِمَامٌ
 بَارِكٌ شَافٍ مُتَوَسِّطٌ سَابِقٌ مُقْقَصٌ حَقٌّ مُبِينٌ أَوَّلٌ آخِرٌ ظَاهِرٌ
 بَاطِنٌ رَحْمَةٌ شَفِيعٌ مُجَلَّلٌ مُجَرَّمٌ أَمِيرٌ نَائِمٌ شَكُورٌ وَاقِعٌ مُصِيبٌ
 مُبْلَغٌ مُهْدِيٌّ طَسٌ حُرَّةٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ وَسَلِّمْ لَكُمُ الْكَثِيرُ الْكَثِيرُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ ویکر اگر کسی خواهد که حضرت نبی صلی الله علیه و سلم را در خواب
 ببیند و دعا سئو مستجاب شود باید که این هفت قل را با وضوی کامل نماند بخواند

این هفت قل
 شریف است
 و بسیار در زمان شفاعت

بطریق سنت آنحضرت صلی الله علیه و سلم در خواب بنید و بروایتی در راه شعبان
 المعظم هر شب بے ناغہ بخواند یغیر صلی الله علیه و سلم در خواب بنید این هفت قضا را
 یاد امت در هر محل می نمود و باشد هفت قضا نیست بسم الله الرحمن الرحیم
 بسم الله السميع البصير الذي ليس كمثلہ شیء وهو بكل شیء علیم
 قضا دوم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله السميع العلیم الذي ليس
 كمثلہ شیء وهو الفتح العلیم قضا سوم بسم الله الرحمن الرحیم
 بسم الله السميع العلیم الذي ليس كمثلہ شیء وهو العلیم مجید
 قضا چهارم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله السميع البصير الذي ليس
 كمثلہ شیء وهو الغنی الحمید قضا پنجم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
 العزيز الكريم الذي ليس كمثلہ شیء وهو العزيز الكريم قضا ششم
 بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرشيد البصير الذي ليس كمثلہ
 شیء وهو العزيز الستار قضا هفتم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
 العزيز الرحيم الذي ليس كمثلہ شیء وهو العزيز الغفور قال الله
 خیر حافظا وهو ارحم الراحمین از همین کتاب هر که این دعا را بخواند
 بدین قواعد که نوشته میشود البته در سه شب چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه در
 یک ازین شبها بدین افاضات و کائنات سر و قدر موجودات احمد محبتی
 محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم مشرف گردد و قواعد خواندنش نیست که بوقت
 خفتن بعد از فراغ کار فاتحه بروح سلطان المشایخ نظام الدین اولیا
 رحمة الله علیه بخواند بعد از آن سه بار درود دعا یک مرقوم میشود بخواند و بعد
 از آن سه بار درود شریف خوانده قبله رو بخوابد انشاء الله تعالی بدین فاضل
 الانوار خواجه کائنات علیه افضل الصلوة و اکمل التحية مشرف شود از همین

کتاب ترکیب دیگر این دعا هر که این دعا را صد بار در هر شب مجرب
 لازم گردد به جمال جهان آرای سید عالم صلی الله علیه و سلم بیشک و شبهه شرف
 شود اما متخشین باید که توبه کند و استغفار نماید بعد از این دعا بخواند بسم الله
 الرحمن الرحیم یا مَنْ یَعِزُّ وَ یَذِلُّ یا مَنْ یَضَعُ وَ یَرْفَعُ یا مَنْ هُوَ عَلَیَّ
 وَ یَمْنَعُ یا مَنْ هُوَ لِعَنی وَ یَنْفَعُ یا مَنْ هُوَ قَادِرٌ وَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ
 اللَّهُمَّ ارْزُقْنی غِنَاءً فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ بِالْعَافِیَةِ یا عَنی یا کَرِیمُ
 یا جَوَادُ مُحَمَّدٌ وَ مُحَمَّدٌ وَ آلِهِ أَجْمَعِینَ وَ سَلِّمْ تَسْلِماً کَثِیراً کَثِیراً
 بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ از همین کتاب نقل است از قطب العالین
 سید المجهوبین شاه غیاث الحق والدین القادری قدس الله سره که فرموده اند
 از سید عالم صلی الله علیه و سلم منقول است هر که خواب که مراد خواب بنید پس را
 باید که وضو کند و غسل نماید و استقبال قبله خواب نماید و سر خویش بردست راست
 خویش بنهد و این دعا بخواند اللَّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ لِجَلَالِ وَ جَمَّالِ الدَّرِیمِ
 اَنْ تَرِیَّ وَجْهَ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ سَلَّمْ فِی مَنَامِی هَذَا
 رُویةً وَ تَقَرُّ بِهَا عَیْنِی وَ تَفْرَحُ بِهَا کُرْبَتِی وَ تَشْرَحُ بِهَا صَدْرِی
 وَ تَلْقَی بِهَا شَبْلِی وَ تَجْمَعُ بِهَا بَدَنِی وَ یَنِیکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ سَلَّمْ ثُمَّ
 الْقِیمَةُ فِی دَرَجَاتِ الْعُلَیِّ وَ لَا تَفْرَقْ بَیْنِی وَ بَیْنَهُ بِرَحْمَتِکَ یا
 اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ از همین کتاب و دیگر دعا سب اسرار البتة براسه زیارت
 پر نبشارت جمال با کمال محمدی صلی الله علیه و سلم دعای پرتاثیر است چهل
 و یکبار بخواند و بخواند بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله خالصاً
 مُخْلِصاً لا اله الا الله ابداً ابداً لا اله الا الله محبةً و عشقاً لا اله
 الا الله مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ شَرَّفَنِی بِرُویةٍ مُحَمَّدٌ جِیْدٌ مَکٌ عَلَیْهِ

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ از همین کتاب و مگر از همین
 نسخه من اراد ان یرا النبی صلی الله علیه وسلم او نبیاً من الانبیاء
 او ولیاً من الاولیاء و اقارب من الموتی و بعض الفقهاء الصالحین
 فلیقرأ احد وربعین مرة حرراً جبریل یراه فی مناجی هر کس اراده
 کرد که بیغمیر رسول خدا صلی الله علیه وسلم را در خواب یا پیغمبر کے از پیغمبران یا یکی
 از اولیا یا یکی از اقارب موتی یا بعض فقراء صالحین پس بخواند چهل و یکبار هر جزو چهل
 خواب دید در خواب آنکس انشاء الله تعالی وان اینست بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 يَا جِبْرِيلُ يَا مِيكَائيلُ يَا اسْرَافِيلُ يَا عِزْرَائِيلُ بِحَقِّ يَابُدُّوْحٍ هُوَ الَّذِي
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَاقْضُو حَاجَتِي إِلَهِي مَنْ ارَادَنَا
 بِسُوءٍ فَرُدُّهُ وَمَنْ كَادَ نَابِلُكُودُ فَرُدُّهُ وَمَنْ دَعَا عَلَيْنَا بِهَلَكَةٍ فَاهْلِكْ
 وَاحْضِلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا وَمِنْ خَلْفِنَا وَعَنْ أَيْمَانِنَا وَعَنْ شَمَائِلِنَا
 وَعَنْ جَمِيعِ الْبَلِيَّاتِ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِ السَّبْعِ وَمَنْ فِيهِنَّ
 بِحَقِّ أَهْبَاءٍ وَأَشْرَاهِيَا ثَقِيلُ دُعَاءٍ نَابِكُلٍ مَا دُعِيتُ بِحَقِّ ادْعُونِي
 اسْتَجِبْ لَكُمْ وَافْتَحْ مَقَامُنَا بِمَفَاتِيحِ الْغَيْبِ بِحَقِّ لَا يَعْلَمُ إِلَّا هُوَ
 فَالْشَّفِ حَزَنًا فَلَكَ الشَّفِ إِلَّا هُوَ وَبِحَقِّ الْمَصِّ وَبِحَقِّ كَهْطِصِصِ
 وَبِحَقِّ طَه وَبِسَيْنِ وَن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا
 أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَيُحْيِي الَّذِي بَيَّدَ أَمْكَوَتْ كُلُّ شَيْءٍ وَالْيَدِ
 تَرْجَعُونَ و مگر از همین کتاب دعا که از خاتم النبیین صلی الله علیه وسلم منقول است
 میفرمایند هر که این دعا را بخواند یا بر خود دارد در هر چه از خدا بیتیالی بخواند بسیار کریم
 سی بار بخواند و بجای خسید حضرت ذوالجلال عز اسمه را در خواب مشاهده فرماید
 و اگر پانزده بار بخواند سلطان الانبیا محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم را در خواب ببیند

دعا اینست بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا غَفُورُ يَا غَفُورُ يَا مُقِيمُ
مَعَايِ يَا ذَوَاتِ يَا شَفَاعِي يَا كَفَايَ يَا كَفَى هُمِّي يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا
غَفُورُ يَا غَفُورُ يَا غَفُورُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ
يَا رَحِيمُ يَا سَكْرِي يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَا كَارِهُنَّ بَدَنِي وَنُفْسِي
وَرَشَبَ جَمُودِي عَظَاشَتِي نَجِّ نَفْسِي نَجِّ نَفْسِي نَجِّ نَفْسِي نَجِّ نَفْسِي نَجِّ نَفْسِي
أحمد مجتبی محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم اور خواب بنید دعا ہے مذکور اینست بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ يَا كَثِيرَ النِّوَالِ وَيَا ذَا بَرِّ الْوَصَالِ وَيَا حُسْنَ الْفِعَالِ
وَيَا رِشَاقَ الْعِبَادِ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَيَا بَدِيعَ بِلَادِمَتَالِ وَيَا قَدِيرَ بِلَا حِرْوَالِ
اللَّهِمَّ أَنْ دَخَلَ الشُّكُّ فِي إِيْمَانِي بِكَ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ تَبَتُّ عَنْهُ وَأَقُولُ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ أَنْ دَخَلَ النُّفْسُ فِي إِسْلَامِي بِكَ وَلَمْ
أَعْلَمْ بِهِ تَبَتُّ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُمَّ أَنْ دَخَلَ الشِّرْكُ فِي تَوْحِيدِي
بِإِيَّاكَ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ تَبَتُّ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ
أَنْ دَخَلَ الْعُجْبُ وَالْكَبرُ وَالزَّيَادَةُ السُّعْفَةُ فِي عِلْمِي بِكَ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ تَبَتُّ
عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ أَنْ دَخَلَ الْكِبَرُ وَالْعَبَثَةُ
عَلَى لِسَانِي وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ تَبَتُّ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ
أَنْ دَخَلَ الْخَطَرُ فِي عِلْمِي بِكَ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ تَبَتُّ عَنْهُ وَأَقُولُ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ أَنْ دَخَلَ التَّشْيِيبَةُ فِي مَعْرِفَتِي بِإِيَّاكَ
وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ تَبَتُّ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ أَنْ
دَخَلَ النِّفَاقُ فِي قَلْبِي مِنَ الذُّنُوبِ الصَّغَائِرِ وَالْكَبَائِرِ كُلِّهَا وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ
تَبَتُّ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ تَبَتُّ مِنْ سُوءِ

وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ مَا
أَرَدْتُ لِي مِنْ خَيْرٍ فَلَمْ أَشْكُرْهُ وَأَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ مَعْصِيَتِكَ مِنْ نِعْمَةٍ
بِأَنْعَمَ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ ثَبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ
اللَّهُمَّ مَا ذَلَمْتَنِي مِنْ نِعَمَائِكَ فَغَفَلْتُ عَنْ شُكْرِكَ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ
عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ احْتِسَانٍ
وَأَمٍّ أَحْمَلُ لَكَ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ
اللَّهُمَّ مَا خَبَيْتَ عَنْ عَمْرِي بِمَا لَمْ تَرْضَ بِهِ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ عَنْهُ
وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ مَا أَحْبَبْتَ عَلَيَّ مِنَ النُّظَرِ
فِيكَ فَخَصَصْتُ بِهِ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ
اللَّهُمَّ مَا قَصَرْتُ مِنْ أَمَلِي فِي رَجَائِكَ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ مَا اعْتَمَدْتُ بِكَ عَلَى سِوَاكَ فِي الشَّدَائِدِ
وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ مَا مِنْ
غَيْرِكَ فِي التَّوَائِبِ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ
اللَّهُمَّ إِنْ زِلْتُ قَدْرِي فِي السُّؤَالِ مِنْ غَيْرِكَ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ عَنْهُ
وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ مَا أَصْلَحَ شَأْنِي بِفَضْلِكَ وَنَيْتُهُ
مِنْ غَيْرِكَ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ عَنْهُ وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ
اللَّهُمَّ إِنْ طَالَ لِسَانِي فِي السُّؤَالِ مِنْ غَيْرِكَ وَلَمْ أَعْلَمْ بِهِ ثَبْتُ عَنْهُ
وَأَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ
هَدَيْتَنَا وَهَذَا نَسْتَعِينُ أَلَمْ تَكُنْ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ سُبْحَانَ
الْعِزِّ الْمَجِيدِ وَنَسْتَغْفِرُكَ عَلَى أَمْرِ سَلِيلِينَ وَاحِدٍ اللَّهُ رَبُّ

الْعَالَمِينَ تَبَتَّنِي عَلَى الْإِيمَانِ تَبَتَّنِي عَلَى الْإِيمَانِ
 يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا إِلَهَ الْآلَمَاتِ سُبْحَانَكَ أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَحْتَمَا
 لَهُ وَتَجَنَّبْنَا هُمُ مِنَ الْعَمَلِ وَكَذَلِكَ يُخَيَّرُ الْمُؤْمِنِينَ وَكَذَلِكَ يُخَيَّرُ
 رَبُّهُ رَبَّ لَا تَدْرِي فَرْدًا أَنْتَ حَيُّرٌ الْوَارِثِينَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ
 خَلَقَهُ مُجَلِّدًا إِلَهُ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَكَذَلِكَ
 أَكْرَمَ نَوَافِلَ دَرْجَتِهِ عَالَمَ صَلَاتِهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَدْرُخَابَ بَيْنِيَابِهِ كَشَبَّ جَمْعُهُ عَسَلُ كُنْزٍ
 وَجَاسِدُ بَاكٍ بِشَوْشٍ وَدُكَّانُهُ نَزْكَارٌ وَدُونُهُ سَيِّدٌ وَتَبَاتُ الْكُرْسِيِّ بَرَاءَةٌ وَبِكَارِهَا
 جَنَّتِي نَحْوَانِدُ الْفِرَانِ الْبَرِّ خَاصِ عَالَمِ صَلَاتِهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَدْرُخَابَ بَيْنِيَابِهِ جَنَّتِي بَيْنِيَابِهِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ كُنْ لَنَا وَلَدًا وَادْفَعْ بِلَاغَنَا يَا رَافِعُ مَوْتِ الْبَشَرِ
 وَادْفَعْ لَنَا لَكَ وَاشْفَعْ لَنَا لَكَ وَأَكْرِمْ لَنَا لَكَ وَلَنْ اللَّهُ يَبْعَثُ نَبِيًّا
 الْقُبُورِ وَحَصَلَ مَا فِي الصُّدُورِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ اِهْنَأْ وَأَرْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 از همین نسخه دیگر از همین کتاب هر که این نقش برداشت خود نویسد و بزرگوار
 ببرد و بخشد آنچه نیت کرده باشد تمام بشارت از شاه عالم صلی الله علیه و سلم بر او
 شود و بر آن خواب کار کند اینست که است سمعت سمعت سمعت سمعت
 بر اے حصول دولت و ریت خیر البشر صلوة الله علیه که بنیکی شاه عالم قدس سره
 فرمودند که چنین پاس انفس میگردانند که در بالا رفتن دم یا محمد گوید در فرود رفتن
 دم یا رسول الله در دل معنی چنین گذارد که او فرستاده حق سبحانه تعالی است
 بر اے تکمیل من از کتاب مذکور دیگر هر گاه اراده کنی اینکه بر سنی رسول الله صلی الله علیه و سلم
 علیه و سلم را پس نبوی این اسم را بر او بنویسد و
 و آن اینست که صلواتی بر او فرستد که با صد مرتبه بخواند

محمدی صلی الله علیه و سلم من اعمال الحفرت القادر به طریق ذکر کشف الروح محمدی
صلی الله علیه و سلم یا احمد است یا محمد حب یا رسول الله بدل گوید یا نصیب بار
یا نبرابر بار باین عمل هوا طلبت عظیم خواهد شد از همین نسخه عمل و گرفتاری
از سر خود بجهت کشف ارواح بختن پاک محرب و موثر است طریقی آن است
که اول دو گانه بار و اح بختن پاک ادا کند در رکعت اول بعد از فاتحه آیه الکرسی
و در رکعت دوم آمین الرسول بخواند بعد از آن فاتحه بار و اح بختن پاک خواند
و مستقبل قبله نشسته در دل تصور کند که حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم نشسته
اند و پیش آنحضرت فاطمه رضی الله عنها و عقب آن سید النونین علیه السلام علی
رضی الله عنه و طرف راست حضرت امام حسن رضی الله عنه و طرف چپ حضرت
امام حسین رضی الله عنه نشسته اند این تصور را چشم بسته کند و بندگ مشغول باشد
اول ضرب یا محمد دوم ضرب زنده بر هوا سر بر داشته بگوید یا علی نظر سوی آسمان
کرده ضرب بر ناف زنده یا فاطمه چهارم ضرب از طرف راست زنده یا حسن پنجم ضرب بر
زنده یا حسین برین نظم مشغول شود و رعایت تصور بسیار کند از شیخ عبدالفتاح
رسیده او نشان فرمودند که فقیر از میانجو یافته است از همین کتاب و بگوید بخت
در یافتن مشاهد محمدی صلی الله علیه و سلم عمل نقدیه بجا آرد و آن چنان است که
یک عضو از اعضا رسول مقبول صلی الله علیه و سلم مثلا چشمان مبارک یا چین
مبارک یا لبه مبارک یا لبها مبارک هر چه از اینها در تصور آید از چشم بسته
در خیال آرد که خود را فدا میسازم مشاهد آنحضرت صلی الله علیه و سلم بچشم بصیرت
روزی گردد از همین نسخه دیگر حصول جذب روح محمدی صلی الله علیه و سلم یا بخت
جذب روح پروردگار خود چشم بسته متوجه بدل شده اند حاضری اند ناظر اند مشاهد
المدعی بگوید و یا اگر خواهد که مکاشفه ارواح سرور انبیاء و سایر انبیاء علیهم السلام

و مردان غیب شود چهار حرف بگیرد **ق ن ب ج** چون ترکیب کنی قنبنی شود و اتفاق
 است که اسم اعظم است چشتم سبته هزار بار بگوید جمیع ارواح را معاینه کند و چون
 مذکور بعد از ذکر در مراقبه ملاحظه کند ارواح انبیاء علیهم السلام را و شاهد او را در این
 در عین بصیرت مشاهده گردد و در حرف مذکور را چهار ملک مهر
 و اسرافیل و عزرائیل علیهم السلام میان چند روز ظاهر بیند و در این بین
 و نفس خود در روح خود را بیند که در اکثر اوقات در قبر در روز و شب نزدیک اخبار بخواند و
 مراقبه احوال اموات معاینه گردد و از همین کتاب دیگر کشف روح محمدی صلی الله
 علیه و سلم این نقش بر دل تصور بسیار سیکرده باشند این است  از همین
 کتاب دیگر هر گاه اراده کنی اینکه جمیع شوی باروح شیخ خود باروح مطلوب خود
 یا هر روح که خواهی پس بکن مراقبه و بپوش چشتم خود پس بخوان یا التذیارت بست
 و یکبار و بخوان یا حی یا قیوم بست و یکبار و بگوید یا سبح یا قدوس بست و یکبار بعد
 از آن یا معید یا باعث بست و یکبار و باز بگوید یا باعث الأرواح باعث رُوح
 الفلّان بهشت بار و بعد از این بخوان یا جامع الأرواح اجتمع روح شیخی سبع مرة
 باز بگوید یا جامع الأرواح اجتمع رُوح شیخی یا نوکر نذره الأسماء و الأسماء الکتبی کشف
 بها کشف الأرواح لا حولیاک و انبیایک و المرسلین بطفاک و فضلک و فضیلتک
 و فیض نور نیک محمد الامین صل علی محمد و آل الطیبین پس هر گاه مراقبه کنی در
 کنی با قلب خود روح خود طرف روح مطلوب یا طرف روح فلان پس ملاقات نماید
 کرد روح او بامر الله تعالی و سوال کن با او از آنچه اراده کنی بیشک فریب از هیچ کتاب
 و دیگر چون  از همین
 صلی الله علیه و سلم این قبر است بعد از آن این آیه را بخوان
 و ملائکت صل علی بنی الدین آمناء و سلموا سلموا سلموا سلموا

بخواند و بخوابد البتة حاجتش برآید و دولت بیدار در خواب بدرگه فرماید از همین
 نسبه و دیگر اگر کسی در صحرا رود و نزدیک آب جاری و در آن غسل کند و چنانچه شسته
 زیر بند و بر روی خط کشد و اعتبار کند که این قبر سید عالم صلی الله علیه و سلم است
 و از پایان نقش طرف سر رود و با آب تمام و با عطر و زاری و فروتنی گوید یا رسول الله
 خذ بیدی فانی غریبی فی قبر الغنیم هفت بار بگوید پس بطرف پایان آید و نگون
 شود که آنک گوید پس نشینم هر بار بار ذکر آورد و بر دین چون نفس برآید لا اله الا الله
 کند و چون فرود آید الله تصور نماید پس ایستاده شود و نزدیک روزه و یا سینه
 رود و پشت جانب قبله کند و روزه و یا سینه و یا سینه و یا سینه و یا سینه
 حضرت علیه السلام باشد و نشیند و بخت و یکبار یا رب گوید پس مذکر رقبه بالا
 کرده جانب علو بگوید یا روح الروح و ضرب بر لب بر دل کند در حالیکه گویا باشد به کلمه
 یا روح ما شاء الله هزار بار کند پس بگوید هفتاد و بار یا رب زرفی علماء البتة کشایش
 دینی شود و در علم الله کشاید و صفای دل روزی گردد و در میان رابعین باشد و علم
 الخلائق صلی الله علیه و سلم انشاء الله تعالی و اگر ذکر کند همین زیارت کند از فایده خالی
 نباشد و اگر آب جاری یافتن دشوار شود عرض پس است و سبب باید که در اشامی آن
 سخن نگوید و همین یک جامه زیر باشد و اگر رابعین نشود آنچه شود از سود و فایده خالی
 نباشد و اگر هر روز ذکر تمام کردن دشوار شود آن مقدار که شود کند و نیز بداند که در گذشته
 نقش قبر شریف است و زیارت کند یا جهل روز البتة امید است که فتح دینی شود
 از کتاب مذکور و پیار از همین نسخ باید که تصور صورت خیالی رسول الله علیه
 الصلوة و السلام متوجه باشد پس این توجبه التزام گیرد تا آنکه مراحت خطرات
 بیشتر دفع شود جمال حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم کم روز نمی باشد که ششاده
 نکند و هرگاه مصطفی علیه السلام توجبه درستی شد حکم جمیع ارف علوم و خیر و

کہے از آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم نمود و انچه از آن حضرت شنوند قول آنحضرت
 صلی اللہ علیہ وسلم مستحکام تمام دارد و طوفان نوح علیہ السلام آنرا در خلل نتواند آورد
 و صلی اللہ تعالیٰ خیر خلق محمد و آله و اصحابہ اجمعین بر جنتک یا ارحم الراحمین
 ششم در رباعیات کہ بدان عمل زیارت پر نسبت است آنحضرت صلی
 اللہ علیہ وسلم انصیب تواند شد از خواجہ عبید اللہ احرار قدس ^{سوال}
 این رباعی را در شب جمعہ بفتاد و چهار بار بخواند و بخوابد صلی اللہ علیہ وسلم
 علیہ وسلم را در خواب بنید رباعی کل در طبقی بنیادہ کاین روی من است
 از مشک خط کشیدہ کاین برے من است صد نافہ بہ باد دارہ کاین بوئے
 من است آتش بچمان در زدہ کاین خوسے من است از سر خفی ہر کہ این
 مناجات بسیار خواند شرف جمال محمدی صلی اللہ علیہ وسلم سرفراز گردد و رباعی
 ای شور عجم ماہ عرب رو بنما یکچند گرہ ز بند برقع بکشاہ دارم جگرے کباب محرج
 ز توبہ الماس لباس مشک زن شور نماہ از سر خفی ششم مضمر و او ویدہ کرد
 استعمال آن رویت شریف صلی اللہ علیہ وسلم حاصل شود اگر کسی خواہد کہ با
 خالیض الانوار صلی اللہ علیہ وسلم مشرف شود باید کہ غنڈی را با شکر ہفت شبانہ
 روز بخورد چون غنم منڈی آوردن بکند باید کہ اول دو رکعت نماز بکند و در اول
 بعد فاتحہ آیت الکرسی سہ بار و در رکعت ثانی سورہ اسحاق سہ بار و ثواب دین گانہ
 بشیخ صابر بخشد و منڈی را بہ دست راست بکند و در وقت کندین ^{تہ}
 الکرسی بخواند و نام پروردگار بر زبان راند بہر حاجت کہ ^{تہ}
 کردہ دست بندازد و سایہ بر ویفتد در سایہ خشتک کہ در ^{تہ}
 از کتاب ^{تہ} غزل بر خاک ^{تہ} طاب ^{تہ}
 پیوہے

بخواب ای دولت بیدار چشم
 شبی که ز آفتاب عارض تو
 شبی که از لب لعل تو زند
 خواب از دیدنت از خواب بیدار
 بشکر بوسه پایت گزاشی شاه
 ریای تو چون فصل الهی
 چه بجای پائے تو لعل کفش پایت
 یک از کفش بردار این پایت
 بهین دے تو گردستگیرم
 منم ماخ تو او عاشق تست
 بهین لغت تو که لطف دلکش
 ز درگاهت دوباره که عطایش
 قلم دادے بدستش نیز شا
 علی را خاک پای احمد پاک

گرت فرشت قدم بودے چه بودے
 سحر شام الم بودے چه بودے
 شهید درد غم بودے چه بودے
 گر این بخت دژم بودے چه بودے
 سرم در سجده خم بودے چه بودے
 بر فرقم دمیدم بودے چه بودے
 بغرقم تاج جم بودے چه بودے
 گر این دلخسته هم بودے چه بودے
 ایمر محشم بودے چه بودے
 بدستش گردالم بودے چه بودے
 بن زان محشم بودے چه بودے
 همان جاهد چشم بودے چه بودے
 بدوشش گردالم بودے چه بودے
 گر اکسیر کرم بودے چه بودے

الحمد لله والنه که این رساله رویت احمد مختار مسمی بمشرق دولت بیدار و باب
 ساقی شربت دیدار که ماده تاریخش در آن تجدیه است بے تحریج و تعجیه بخوبی تمام
 باقتسام رسید و برنام نامی جناب محلی القاب نواب مستطاب محمد علی خان صاحب
 بهادر یمن الدوله و لکنت جنگ دام اقباله حله تمام پوشید وقت آنست که در
 جلد دے این کتاب فیض منتاب گنج ستایگان را ایگان بدست آرم که طافی عمر
 که شسته ز شام ای امیر دلیز بروای رئیس بے نظیر اگر این وقت بر من نظر دے
 ترجمه درم خواهی انداخت یقین که کشور را سید و اقلیم مناسه خواہد بود و ترین

اوقات پروردگار
 چه که درین وقت
 در بایس لشکر قتل من شوریده سراپا بخت و وسیله محمدی
 صلی الله علیه و سلم رب سفارش بخفته امید و اتق و یقین صادق بمقتضای
 هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ وَإِنَّ اللَّهَ
 زود تر و رسیده مقصود بینی و برسد کام و حصول مرام بشیمی و ساحت
 خداوند اکتام ساز مقبول
 باقائے منش کن بس همایون
 چو اقبال جم و جفت فریدون
 بخیر ام در شن محمود باشد
 مبارک باشد و مسعود باشد
 بشیر ام در شن محمود باشد
 بهدین او را دشاغل
 بدین نسخه ارقام
 چو شاه با سعادت
 دعا از فضل تجید
 چو بر نام محمد ختم افتاد
 درود حق بر آن ختم رسل باد

بِأَمْرِ
 بِالْمَحْنِ

قبله جان و دلم رو در خشتان تو باد
 گر گذر بر سرم ای دوا
 دیده من بر خشت و دلم رو
 چشم من فرشت
 دست امید من و گوشه ایمان
 نوش جان من و ساقی جان
 شب و روز مهر بر رخسار تو باد
 شب و روز مهر بر رخسار تو باد

خداوند اول بن زلف درازت عمرش
دل من جای تو بادای چمن حرم جمال
نیست در دشت غمت جز دل بجا
ابر رحمت ز خداوند جهانی به جهان
ایم و جهان با ذره شایان از زبان
غرش پایه علی انصهر مسل و سیاد

چشمه آب حیاتش لب خندان تو باد
چشم من و قف نخ شکر گلستان تو باد
صد لایع که به فتر اک غلامان تو باد
نخل خشک دل من سبز باران تو باد
دولت و گنج دلم جاره پنهان تو باد
دستگیرش کردم و لطف فراوان تو باد

الحمد لله و المنة که کتاب مستطاب مسی مشرق دولت بیدار مدافه شوار زبان
مولوی علی احمد صاحب مراد آبادی حسب فرمائش بندگان نواب نظام آباد
معالی القاب بزمین الدوله وزیر الملک نواب محمد علی نالضاحب بهادر صولت
حکیم رئیس محمد آباد دام اقباله در مطبع احمدی واقع بنارس بمبادر رسان
المبارک ۱۲۹۸ هجری رنگ طبع تازه پذیرفت

تاریخ طبع کتاب

ترا این سره والالنگا

مبارک آبادی نواب دی ستان

بیدار رسول حق سباسب
فروغ بزم گردون بارگاه
نهتم آب حیوان در سیاهی
عروس خجده فضل الهی
همانا هست فخر عرش طاهی
بود اقبال خوش این خیره

همایون نشانی ضعیف دولت
مرتب شد بطبع خوب و طبع
من از حکم تو بهر سر سامان
لباس طبع خوش پوشید فرخ
شده طبع بزم تو مطبوع
شده دیار تو دیار از من چنانست

بر او را دروغای صبحگاه
آیت مستطاب

عمر این که در سال طبعش
ابو شمس خلد لطف و پاک

